

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

احکام نورانی اسلام

جلد اول

(عبادتها)

سید احمد الحسن علیه السلام

وصی و فرستاده و یمانی امام مهدی علیه السلام

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

| | |
|---|--------------|
| احکام نورانی اسلام، جلد اول (عبادت‌ها) | نام کتاب |
| احمد الحسن <small>رحمۃ اللہ علیہ</small> | نویسنده |
| گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>رحمۃ اللہ علیہ</small> | مترجم |
| سوم | نوبت انتشار |
| ۱۳۹۷ | تاریخ انتشار |
| ۱۲۶ | کد کتاب |
| سوم | ویرایش ترجمه |

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن رحمۃ اللہ علیہ

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.co/ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- درباره این کتاب ۱۲
- احکام نورانی اسلام (جلد اول) ۱۵
- کتاب طهارت ۱۷
- بخش اول: آبها ۱۹
- بخش دوم: طهارت با آب ۲۷
- فصل دوم: در احکام تخلی ۲۹
- اول: چگونگی تخلی ۳۰
- دوم: استنجاء (شستن مجرای بول و غائط) ۳۱
- سوم: سنتهای تخلی ۳۲
- فصل سوم: نحوه وضو گرفتن ۳۳
- فصل چهارم: احکام وضو ۴۲
- فصل اول: غسل جنابت ۴۴

| | |
|----|---|
| ۵۰ | فصل دوم: حیض |
| ۶۲ | فصل چهارم: نفاس |
| ۷۰ | سوم: کفن کردن میت |
| ۷۴ | چهارم: دمر احکام دفن کردن و دمر خاک قرار دادن |
| ۷۵ | مستحبات تدفین: |
| ۸۱ | بخش سوم: طهارت با خاک (تیمم) |
| ۸۷ | بخش چهارم: نجاسات و احکام آنها |
| ۹۱ | نهم: ففّاع (آب جو) |
| ۹۲ | مکروهات |
| ۹۸ | کتاب نماز |
| ۹۹ | اصل اول: مقدمات نماز |
| ۹۹ | و آن هفت مورد است: |
| ۹۹ | مقدمه اول: دمر مورد تعداد نمازها |
| ۹۹ | نمازهای پنجگانه یومیّه: |

- ۱۰۰ نوافل نمازهای یومیّه:
- ۱۰۱ مقدمهٔ دور: وقت نمازها
- ۱۰۱ وقت نمازهای واجب مروزرانه:
- ۱۰۳ وقت نمازهای نافلهٔ مروزرانه:
- ۱۰۵ احکام وقت نماز
- ۱۰۹ مقدمهٔ سوم: قبله
- ۱۰۹ اول: [جهت] قبله
- ۱۱۱ دور: کسی که مرو به قبله ایستاده
- ۱۱۲ سوم: چیزهایی که باید برای آن مرو به قبله ایستاد:
- ۱۱۳ چهارم: احکام مربوط به مرو به قبله ایستادن
- ۱۱۴ مقدمهٔ چهارم: احکام لباس نمازگزار
- ۱۱۹ [موارد مکروه]:
- ۱۲۰ مقدمهٔ پنجم: مکان نمازگزار
- ۱۲۲ نماز در این مکانها کراهت دارد:

- مقدمه ششم: چیزهایی که می‌توان بر آن سجده نمود ۱۲۳
- مقدمه هفتم: اذان و اقامه ۱۲۴
- اول: آنچه برای آن اذان و اقامه گفته می‌شود ۱۲۵
- دوم: مؤذن ۱۲۶
- سوم: کیفیت اذان ۱۲۷
- چهارم: احکام اذان ۱۲۸
- پنجم: افعال نماز ۱۳۱
- واجبات نماز: ۱۳۱
- اول: نیت ۱۳۱
- دوم: تکبیر و الا حرام ۱۳۲
- سوم: قیام ۱۳۴
- چهارم: قرائت ۱۳۵
- پنجم: رکوع ۱۴۱
- واجبات رکوع پنج مورد است: ۱۴۲

- ۱۴۳ مستحبات و مکروهات رکوع: ۴
- ۱۴۴ ششم: سجده
- ۱۴۴ واجبات سجده شش چیز است:
- ۱۴۷ هفتم: تشهد
- ۱۴۸ هشتم: سلام
- ۱۴۹ پنج چیز در نماز مستحب است:
- ۱۵۱ مبطلات نماز:
- ۱۵۲ مکروهات نماز:
- ۱۵۴ بخش سوم: سایر نمازها
- ۱۵۴ [این بخش چند فصل دارد:]
- ۱۶۸ اول: سبب نماز آیات
- ۱۶۹ دوم: کیفیت نماز آیات
- ۱۷۱ اول: کسی که بر او نماز میت خوانده می شود
- ۱۷۱ دوم: کسی که نماز میت را میخواند

- الف- نمازهای مستحبی که وقت معینی ندارند: ۱۷۶
- اول: نماز طلب بامران (استسقاء): ۱۷۶
- مستحبات نماز طلب بامران: ۱۷۶
- ب- نمازهای مستحبی که وقت معین دارند: ۱۷۸
- بخش چهارم: که شامل بیج فصل است ۱۸۲
- عمد: ۱۸۲
- قضای نماز: ۱۹۳
- جهت اول: مستحب است که همه نمازهای واجب به جماعت خوانده شود. ۱۹۶.
- فصل چهارم: نماز خوف و مطرده ۲۰۸
- شرط اول: مسافت ۲۱۳
- کتاب مروزره ۲۲۱
- فصل اول: امرکان مروزره ۲۲۱
- فصل دوم: انواع مروزره ۲۳۸
- اول: علامات ۲۳۸

| | |
|---|-----|
| دوم: شروط روزه | ۲۴۱ |
| بخش اول: چیزهایی که با وجود آن، روزه بر انسان واجب می شود | ۲۴۱ |
| اول: كفاره‌هایی که در آن علاوه بر روزه، چیزهای دیگری هم واجب می شود | ۲۴۶ |
| فصل سوم: ملحقات روزه | ۲۵۴ |
| کتاب اعتکاف | ۲۵۷ |
| تعریف اعتکاف | ۲۵۷ |
| شرایط شش گانه اعتکاف | ۲۵۷ |
| احکام اعتکاف | ۲۶۳ |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

از گروه مترجمین و ویراستاری انصار امام مهدی عليه السلام تشکر می‌کنیم که زحمت ترجمه و ویراستاری این کتاب نفیس را برعهده گرفتند. به این خاطر که بحث احکام، بحث دقیقی است و عبارات آن دقیق است، لذا سعی شده از عبارات ساده و روان و درعین حال تخصصی استفاده شود؛ همچنین از خواننده گرامی تقاضا داریم که پیش از عمل به مضمون کتاب، به متن عربی آن مراجعه کند؛ و در جایی که ترجمه مطلب، ظاهر روشنی ندارد، به متخصصین احکام (کارگروه شرایع مؤسسه رسمی وارثین ملکوت) مراجعه کند تا دچار اشتباه در برداشت نشود.

برای درک بهتر مطالب، توضیحاتی از کتاب احکام الشریعه بین السائل و المجیب - از انتشارات انصار امام مهدی عليه السلام - توسط مترجم در پاورقی اضافه شده است؛ همچنین توضیحات مختصری در متن کتاب افزوده شده و آن نیز در کروش قرار گرفته است. امید است که این تلاش، مورد پذیرش امام مهدی عليه السلام و وصی ایشان سید احمد الحسن عليه السلام قرار گیرد.

انتشارات انصار امام مهدی عليه السلام

درباره این کتاب

«شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» (احکام و شرایع اسلام در مسائل مربوط به حلال و حرام) نوشته دانشمند فاضل و دوستدار دلسوز و خیرخواه آل محمد علیهم السلام، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن رحمته الله است. او برای شناخت احکام شریعت اسلام از طریق روایات پیامبر و ائمه علیهم السلام آنچه در توان داشت انجام داده است، اما در بعضی موارد به خطا رفته و در مواردی نیز مردّد شده است؛ البته این خطاها نه از روی عمد، بلکه به دلیل کوتاهی (فکر) بوده و راهی برای دفع آن نداشته است.

این کتاب را به دستور امام مهدی علیه السلام و بر اساس آنچه از ایشان آموختم تصحیح و احکام شریعت اسلام را بیان نمودم. ایشان مرا امر فرمودند تا علمی را که اهلش موجود و زمانش رسیده است بیان کنم و آنچه را وقتش نرسیده به وقتش موکول کنم؛ و هرکس با این احکام مخالفت کند با امام مهدی علیه السلام مخالفت کرده است:

﴿قَالَ رَبُّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾؛ ^(۱) (گفت:

خدایا به حق داوری کن، پروردگار ما مهربان است و بر آنچه توصیف می کنی از او یاری می خواهیم).

به خاطر کوتاهی، از درگاه خداوند و رسولش و امام مهدی علیه السلام عذر می‌خواهم و از خدا می‌خواهم که گناه گذشته و آینده مرا ببخشد.
ای خداوند بزرگ! گناه بزرگ مرا ببخشد؛ چراکه گناه بزرگ را، جز بزرگ نمی‌بخشد:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾^(۱) (ما برای تو گشایشی آشکار فراهم ساختیم * تا خداوند گناه گذشته و آینده تو را ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید).

گنه کار تقصیر کار

احمدالحسن

۱۵ شعبان ۱۴۲۶ ه. ق

۲۸ شهریور ۱۳۸۴ ه. ش

احكام نوراني اسلام

(جلد اول)

- كتاب طهارت
- كتاب نماز
- كتاب روزہ
- كتاب اعتكاف

کتاب طهارت

طهارت: نامی است برای وضو، غسل یا تیمّم، به گونه‌ای که مکلف به وسیله آن‌ها مجاز به نماز خواندن می‌شود.^(۱) هر کدام از آن‌ها دو نوع می‌باشد: واجب و مستحب.

وضوی واجب: وضویی است که برای نماز واجب، طواف واجب یا لمس کلمات قرآن (نه حرکات آن)، اگر واجب باشد^(۲) باید انجام شود، و در غیر این موارد، وضو مستحب است (مانند قرائت قرآن و ورود به مسجد).

غسل واجب: غسل‌هایی است که برای انجام یکی از امور سه‌گانه بالا (نماز واجب، طواف واجب و لمس کلمات قرآن در صورت وجوب) یا برای ورود به مساجد یا خواندن عزائم (سوره‌هایی که سجده واجب دارند) اگر واجب شده

۱- مقصود آن وضو، غسل و تیمّمی نیست که طهارت شرعی محسوب نمی‌شود و مکلف با آن نمی‌تواند نماز بخواند، مانند وضو و تیمّمی که زن حائض برای نشستن در مکان نمازش و ذکر گفتن انجام می‌دهد، و مانند کسی که برای تمیز شدن، خود را می‌شوید و نیت قربت با عنوان خاصی نمی‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۷)

۲- زیرا در حالت عادی لمس نوشته قرآن واجب نیست و اگر به دلیلی مانند نذر یا عهد، لمس آن واجب شود وضو برای آن واجب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۸)

۱۸..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

باشند، باید انجام شود؛ همچنین در روزی که روزه آن واجب باشد و شخص جنب به اندازه یک غسل تا طلوع سپیده دم وقت داشته باشد، غسل، واجب می‌شود؛ همچنین برای روزه زن مستحاضه که از او به مقدار خیس شدن پنبه، خون خارج شده باشد؛^(۱) در غیر این موارد غسل مستحب است (مانند غسل جمعه، توبه و...).

تیمم واجب: برای اقامه نماز واجب هنگامی که وقت آن تنگ باشد؛ و همچنین برای خروج شخص جنب از مسجد الحرام یا مسجد النبی ﷺ تیمم واجب می‌گردد.^(۲) تیمم در غیر این موارد مستحب است. گاهی نیز طهارت با نذر و مانند آن واجب می‌گردد.

مبحث طهارت چهار بخش اصلی دارد:

- * آب‌ها
- * طهارت با آب
- * طهارت با خاک
- * نجاست و انواع آن

۱- تفصیل آن در احکام بانوان خواهد آمد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت

ص ۹)

۲- این حکم مخصوص جنابت است و اگر در یکی از این دو مسجد، زنی حائض شود برای خروج از آن لازم نیست تیمم کند ولی باید زود خارج شود و در مسجد ننشیند. (احکام الشریعه بین السائل و

المجیب جزء اول، طهارت ص ۱۰)

بخش اول: آبها

نوع اول: آب مطلق

آب مطلق به هرگونه مایعی گفته می شود که اسم آب بدون آنکه چیزی به آن اضافه شود بر آن صدق کند؛^(۱) و تمام انواع آن، پاک و از بین برنده حدت^(۲) و نجاست است، و از لحاظ قرار گرفتن نجاست در آن، به سه گروه تقسیم می شود: جاری، راکد و آب چاه.

آب جاری:^(۳) فقط با غلبه نجاست بر آن و تغییر یکی از اوصاف سه گانه اش

۱- هر چند که چیزی اندکی مانند نمک یا گِل به آب اضافه شده باشد به گونه ای که به آن، اسم آب به تنهایی صدق کند مانند آب دریا با این که شور است ولی به آن آب گفته می شود، برخلاف آن مانند آب پرتغال و آب سیب و... که به آن ها اسم آب، به تنهایی صدق نمی کند. (مترجم)

۲- حدت چیزی است که رفعش نیاز به نیت دارد مانند خواب یا خروج باد از شکم، اما برطرف کردن خبث (نجاست) نیاز به نیت ندارد، مانند شستن خون روی لباس. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء اول، طهارت ص ۱۱)

۳- آبی که بر زمین جاری شود و سرچشمه ای داشته باشد؛ مانند آب قنات یا چاه موتور و در این زمان آب لوله کشی شهرها که از مخازن آب شهری وارد لوله ها می شود. (احکام الشریعه بین السائل و

(رنگ، مزه یا بو) نجس می‌شود [یعنی صفات نجاست بر آن غلبه کند]، و زمانی پاک می‌شود که آب پاک فراوان به‌طور مستمر به آن اضافه شود تا اینکه تغییر به وجود آمده در آن از بین برود. آب حمام نیز اگر متصل به منبعی باشد، حکم آب جاری را دارد.^(۱) اگر چیز پاکی با آب جاری مخلوط شود و اوصافش را تغییر دهد یا به خودی خود تغییر کند، تا زمانی که اسم آب بر آن صدق کند از حالت پاک‌کننده بودن خارج نمی‌شود.

آب راکد: مقداری از آب که حجمش کمتر از گُر باشد به‌وسیلهٔ تماس با نجاست نجس می‌شود، و با ریختن یک حجم آب گُر (۴۵۷ لیتر) یا بیشتر به‌صورت مستمر بر آن- پاک می‌گردد؛ ولی اگر مقدار آب نجس شده را به حد گُر برسانیم، پاک نمی‌شود.^(۲) اگر آب راکد به‌اندازهٔ گُر یا بیشتر از آن باشد فقط زمانی نجس می‌شود که نجاست یکی از اوصافش را تغییر دهد؛ که در این صورت باید به‌اندازهٔ یک حجم آب گُر به آن اضافه نمود تا پاک شود؛ و اگر تغییر به وجود آمده در آن از بین نرفت، باید یک حجم آب گُر دیگر بر آن

المجیب، جزء اول، طهارت: ص ۱۲)

۱- در حال حاضر، آب‌هایی که در لوله‌کشی منازل در شهرها استفاده می‌شود و به مخزن آب شهر متصل است و آب باران حکم آب جاری را دارد. منزلی که در آن، منبع آب فوقانی وجود دارد و به لوله‌کشی ساختمان متصل است، حکم آن آب تابع حجم منبع می‌باشد یعنی اگر به‌اندازهٔ گُر یا بیشتر باشد حکم آب جاری را دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۱۲)

۲- البته باز کردن مستمر شیر آب بر آن نیز اگر دارای جریان باشد و متصل به مخزن آب شهری یا منبعی بیش از گُر باشد کفایت می‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص

افزود و این کار را آنقدر ادامه داد تا تغییر حاصل از نجاست از بین برود. اگر تغییرات حاصل از نجاست، به خودی خود یا با وزیدن باد و یا با انداختن اجسام پاک در آن از بین برود، پاک نمی‌شود.

آب کور: معادل ۴۵۷ لیتر^(۱) است یا آبی که طول و عرض و عمق آن هر کدام سه وجب و نیم باشد. این حکم برای آب برکه‌ها، حوض‌ها و ظرف‌ها یکسان است.

آب چاه: اگر آب درون آن کمتر از کُر بوده و آب ذره‌ذره از زمین خارج شود، در تماس با نجاست، نجس می‌شود؛ اما اگر آب چاه از چشمه‌ای متصل به منبع جوشان زیرزمینی تأمین شود و یا اینکه مقدار آبش به اندازه کُر یا بیشتر از آن باشد، فقط با تغییر یکی از اوصافش (رنگ و بو و مزه) نجس می‌گردد. برای پاک کردن آن باید از چاه با توجه به چیزی که در آن افتاده است- آب بکشند تا پاک شود:

۱- برای مردار گنجشک یا مرغ (یا آنچه هم حجم آن‌ها باشد) بین ۱۰ تا ۱۰۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار، و برای مردار عقرب و مار و سمندر

۱- در حالت اختیار نمی‌توان میزان آب کُر را با کیلوگرم تعیین نمود اما در حال اضطرار اشکالی ندارد؛ در این صورت جرم آب را باید تبدیل به حجم نماید و اگر چگالی آب را نمی‌دانست ۴۵۷ کیلو آب را به‌عنوان یک حجم کُر محسوب نماید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۵)

۲۲..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

(مارمولک بزرگ) بین ۳۰ تا ۷۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار، آب از چاه کشیده می‌شود.

۲- برای مردار گوسفند یا سگ (یا آنچه هم حجم آن‌ها باشد) کشیدن ۱۰۰ تا ۴۶۰ لیتر آب متناسب با حجم و وضعیت مردار.

۳- برای خون، ادرار، مدفوع، منی یا مایعات مست‌کننده، بین ۷۰ تا ۴۶۰ لیتر، متناسب با حجم نجاست و وضعیت آن. اگر مدفوع روان شده یا در آب متلاشی شده باشد، باید ۴۰۰ لیتر آب کشید؛ اما اگر سفت بوده و متلاشی نشده باشد باید بعد از خارج کردن آن، ۱۰۰ لیتر آب کشید تا آب چاه پاک شود.

۴- برای مردار الاغ، گاو، شتر و شبیه آن‌ها ۴۶۰ تا ۷۰۰ لیتر متناسب با حجم حیوان و وضعیت مردار.

۵- برای جسد مردهٔ انسان ۷۰۰ لیتر آب از چاه کشیده می‌شود.

اگر بعد از دور ریختن آب به اندازه‌های گفته‌شده، باز در آب رنگ، بو یا طعم نجاست از متلاشی شدن مردار، خون، مسکر یا غیره باقی بماند، باید آن‌قدر از آب دور بریزند تا رنگ، بو و طعم نجاست از بین برود.

سه نکته:

۱- در مورد افتادن جنازهٔ انسان در چاه، جسم کودک و بزرگسال یک حکم را دارد.

۲- اگر چند نجاست با هم در چاه بیفتد -چه از یک نوع باشند و چه متفاوت- مقدار آبی که باید دور ریخته شود به همان نسبت زیاد می‌شود و برای هر کدام به مقدار تعیین شده آب کشیده می‌شود.

۳- اگر مردار حیوان (سگ و بزرگ‌تر از آن) در آب چاه تکه‌تکه یا متلاشی شود، تمام آب چاه باید کشیده و دور ریخته شود. اگر این کار ممکن نبود، آب پاک نمی‌شود، مگر اینکه به صورت پیاپی و بدون توقف از روز تا شب از چاه آب کشیده شود و یا به وسیلهٔ پمپاژ، آب را بیرون بکشند. در مورد مردار کوچک‌تر از سگ هم این کار بهتر است.

اگر زمین سفت باشد یا اینکه چاه آب بالاتر از چاه فاضلاب باشد، مستحب است بین چاه آب و چاه فاضلاب پنج ذراع فاصله باشد، ولی اگر چنین نبود [زمین سفت نبوده و چاه بالاتر از فاضلاب نباشد]، بهتر است فاصله هفت ذراع در نظر گرفته شود. فقط در صورتی که یقین حاصل شود آب فاضلاب به چاه رسیده باشد می‌توان به نجس بودن آب چاه حکم نمود.^(۱) اگر نجاست آب چاه محرز شود، استفاده از آن برای طهارت [یعنی چه پاک نمودن اشیا و چه وضو یا غسل]

۱- نکاتی در مورد چاه فاضلاب:

الف) یکی بودن چاه فاضلاب و چاه آشپزخانه کراهت دارد، مگر این که از ورود باقیمانده‌های غذا به داخل چاه جلوگیری شود.

ب) در زمان باریدن باران، آب جدول‌های کنار خیابان در صورتی که در آن عین نجس دیده شود نجس محسوب می‌شود، مگر اینکه آب باران بر آن غلبه کرده و آن را از بین ببرد و اوصافش نیز ناپدید شود. به طور کلی در هنگام باران، آب جدول‌ها، آب فراوان پاک قلمداد می‌شود که نجاست به آن ضرری نمی‌رساند، مگر این که یکی از اوصاف سه‌گانه‌اش تغییر کند.

ج) آبی که در گودال‌های اطراف بعضی خانه‌ها جمع می‌شود، در زمان باریدن باران، حکم آب جاری و بعد از قطع شدن باران حکم آب راکد را دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجویب جزء اول، طهارت: ص ۱۸)

و مصرف آن برای خوردن و نوشیدن به هیچ وجه جایز نیست، مگر در صورت وجود ضرورت.

اگر ظرف آب نجس و آب پاک از یکدیگر معلوم نباشد واجب است از هر دو اجتناب شود و در صورت نبودن آب دیگر، باید تیمّم نمود.

نوع دوم: آب مضاف

آب مضاف، عصاره‌ای که از جسم هر چیزی گرفته شود و یا آبی که با چیز دیگری مخلوط شده باشد به گونه‌ای که دیگر به آن آب خالص گفته نشود.^(۱)

آب مضاف، پاک است اما پاک‌کننده حدّث و نجاست نیست و به کار بردن آن در موارد دیگر جایز است؛ در صورت تماس با نجاست، نجس می‌شود، چه مقدارش کم باشد و چه زیاد، و مصرف آب مضاف نجس برای خوردن و آشامیدن جایز نیست. اگر آب مضاف پاک با آب مطلق مخلوط شود، اگر موجب تغییر نام آب نشود [یعنی بتوان به آن آب مطلق گفت] طهارت با آن جایز است.

طهارت با آبی که به وسیله تابش مستقیم خورشید گرم شده باشد و همچنین با آبی که برای غسل دادن میّت به وسیله آتش گرم شده باشد، مکروه است. آبی که برای شست و شوی نجاست به کار رفته نجس است، چه در تماس با نجاست تغییر کند و یا تغییر نکند، غیر از آب استنجاء (که هنگام تطهیر محل خروج

۱- مانند انواع آب میوه، گلاب، جای و... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت:

ادرار و مدفوع پایین می‌ریزد) که پاک است مگر اینکه در تماس با نجاست تغییر کند یا نجاستی از بیرون با آن تماس پیدا کند. آب استفاده شده در وضو، هم پاک است و هم پاک‌کننده، ولی آبی که برای برطرف کردن حدث اکبر^(۱) به کار می‌رود، گرچه پاک است ولی طهارت (مانند وضو یا غسل) با آن صحیح نیست.

نوع سوم: آب باقی مانده امر آشامیدن (سؤمر)

غیر از نیم‌خورده سگ، خوک، کافر و ناصبی،^(۲) بقیه آب‌هایی که نیم‌خورده انسان‌ها و حیوانات دیگر باشد، پاک است. بهتر است از نیم‌خورده موجودات مسخ شده پرهیز شود.

نکته: به طهارت و پاکی ظاهری هر انسانی (مسلمان یا غیرمسلمان) حکم می‌شود، مگر:

الف: کافر به خداوند که وجود خداوند را انکار می‌کند نه کسی که درباره وجود خدا تردید داشته و بگوید (نمی‌دانم [آیا خدایی هست یا نه]).
ب: ناصبی که کینه و دشمنی یکی از ائمه، مهدیین یا شیعیان‌شان از آن‌رو

۱- مانند آب باقی مانده از غسل جنابت. (مترجم)

۲- کسی که با ائمه یا مهدیین یا با شیعیان‌شان -به این دلیل که شیعه آن‌ها هستند- دشمنی آشکار داشته باشد (مترجم).

که شیعه آن‌ها هستند- را داشته باشد.^(۱)

هر کسی که بنا بر ظاهرش حکم به پاکی و طهارتش شود، (سؤر) آب نیم‌خورده‌اش نیز پاک است.

نیم‌خورده‌های مکروه: آب نیم‌خورده حیوان نجاست خوار^(۲) و آب نیم‌خورده حیوان مردارخوار، اگر عین نجاست در محل تماس آن با آب وجود نداشته باشد، نیم‌خورده زن حائضی که به او اعتمادی در رعایت احکام نجاست نیست و همچنین آب نیم‌خورده قاطرها، الاغ‌ها، موش، مار، عقرب و سمندر (مارمولک بزرگ) مکروه است.

مردار حیوانی که خون جهنده دارد آب را نجس می‌کند و اگر خون جهنده نداشته باشد آب نجس نمی‌شود. خون، حتی اگر به چشم دیده نشود نیز آب را نجس می‌کند.^(۳)

۱- اگر شک داشته باشد که آیا شخصی ناصبی است - یعنی با ائمه و مهدیین و شیعیانشان دشمنی می‌ورزد- یا خیر، حکم به طهارت و ناصبی نبودن او می‌شود؛ البته شخصی که ناصبی نیست اما حق به او مطرح شده و رد کرده است، در نیم‌خورده و ذبیحه و دست دادن با او اشکالی نیست. در مورد اهل کتاب (یهود و مسیحیت) اگر از غلوکنندگان یا ناصبی نباشند حکم به طهارت ظاهری آنان می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۲)

۲- یعنی حیوان حلال گوشتی که عادت به خوردن فضلۀ انسان کرده است و بر بدنش از خوردن آن، گوشت روئیده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۲۲)

۳- مقصود این است که با چشم دیده نشود اما اثرش مشخص باشد. مثلاً آب با افتادن ذره خون تکان بخورد؛ مانند این که شخصی در حال ذبح مرغی باشد و ظرف آبی در نزدیکی او قرار داشته باشد و قطره‌ای از خون بجهد و آب تکان بخورد، اما او نبیند که خون داخل آب افتاد؛ در این صورت حکم به نجاست آب می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۳)

بخش دوم: طهارت با آب

که شامل وضو و غسل می شود.

وضو

مبحث وضو دارای چهار فصل است:

فصل اول: مواردی که موجب باطل شدن وضومی شود

که شامل شش مورد است: خروج ادرار، مدفوع و باد شکم^(۱) از محل معمول آن.

اگر مدفوع از روده باریک شکم خارج شود باطل کننده نیست، اما اگر از روده بزرگ خارج شود باطل کننده است. اگر مخرج در محل غیر معمول خود

۱- گاهی به انسان حالتی دست می دهد که در شکم خود احساس می کند گاز وجود دارد و در خارج شدن آن و بطلان وضو شک می کند که در این حالت، حکم به طهارت داده می شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۵)

قرار داشته باشد وضو را باطل می‌کند؛ همچنین اگر حَدَث (ادرار، مدفوع یا باد شکم) از جای زخمی که بعدها به محل دائمی خروج تبدیل شود بیرون بیاید، باطل‌کننده طهارت است.^(۱)

همچنین خواب به گونه‌ای که بر دو حس بینایی و شنوایی غلبه کند (انسان نه چیزی ببیند و نه چیزی بشنود) و هر چیز دیگری که عقل را زایل کند مانند اغما، بی‌هوشی، جنون و مستی. «استحاضه قلیله» (خروج خون از زن بعد از زمان معمول حیض) نیز باطل‌کننده وضوست.

موارد زیر باطل‌کننده وضو نیست: خروج مذی،^(۲) و ذی،^(۳) و ودی،^(۴) و خروج خون اگرچه از مجرای ادرار و مدفوع باشد (البته خون‌های سه گانه حیض، نفاس و استحاضه مبطل وضو هستند)، استفراغ، خلط انداختن، ناخن گرفتن، تراشیدن مو، دست زدن به آلت مرد و زن یا مقعد آن‌ها، لمس کردن زن، خوردن آنچه

۱- در مواقعی که به دلیل بیماری به موضعی از بدن شخص لوله‌ای را متصل می‌کنند تا ادرار از آن خارج گردد هر چند که خروج ادرار در این حالت بدون اراده بیمار انجام می‌شود ولی موجب بطلان وضو می‌گردد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۲۵)

۲- مایع رقیق و چسبناکی است که معمولاً پس از ملاعبه و بوسیدن... از شخص بیرون می‌آید. زن نیز اگر منی از او خارج گردد باید غسل نماید اما اگر بعد از ملاعبه با همسرش از او مایعی خارج گردد، مبطل وضو نیست و غسل را نیز واجب نمی‌کند، مگر این که همراه با لرزش بدن و یا شهوت (علامات منی) باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۶)

۳- مایع که بعد از خارج شدن منی از انسان خارج می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۶)

۴- مایع سفیدرنگ غلیظی است که گاهی بعد از ادرار خارج می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۶)

آتش به آن خورده باشد و سایر چیزهایی که از راه دو عورت خارج شود، مگر آنکه همراه مبطلات (بول، غائط یا منی) باشد.^(۱)

فصل دوم: در احکام تخلی

که شامل سه مورد است:

۱- مانند این که از محل خروج مدفوع چند سنگ ریزه خارج شود بدون اینکه آغشته به مدفوع باشد، که وضو را باطل نمی کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۶)

اول: چگونگی تخلی

در هنگام تخلی، پوشاندن عورت، واجب^(۱) و پوشاندن کل بدن، مستحب است.^(۲) رو به قبله یا پشت به قبله بودن حرام است،^(۳) چه در صحرا و چه در ساختمان. در صورتی که ساختمان طوری بنا شده است که محل تخلی رو به قبله یا پشت به آن باشد، باید در آن محل طوری بنشیند که این عمل رو به قبله و یا پشت به آن صورت نگیرد.^(۴)

۱- البته پدر و مادر می‌توانند در حد ضرورت برای نظافت طفل و یا کارهای ضروری دیگر به عورت طفل نگاه کنند، تا زمانی که خود طفل از انجام چنین کارهایی ناتوان باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۷)

۲- نکته: آن بخش از بدن، که باید مرد و زن در مقابل دیگران پوشانند به شرح ذیل می‌باشد:
زن در مقابل نامحرم: تنها آشکار کردن صورت و دست‌ها و پاها تا مچ جایز است.
زن در مقابل محرم: تنها آشکار کردن حلقه گردن و بالاتر از آن، و دست‌ها، آن اندازه که برای وضو گرفتن لازم است آشکار شود، و پاها نیز تا نصف ساق جایز است.
زن در مقابل زن دیگر: پوشاندن عورتین واجب است اما بهتر، پوشاندن سینه‌ها تا زانو‌ها می‌باشد.
مرد در مقابل دیگران (مرد و زن): تنها پوشاندن عورتین واجب است و پوشاندن ناف تا زانو نیز بهتر است.

و پدر و مادر نیز نمی‌توانند به عورت فرزندشان نگاه کنند، مگر در حالت ضرورت (مثلاً برای شستن نجاست). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۷)

۳- اما اگر کودک باشد برگرداندن او از سمت قبله واجب نیست، ولی مستحب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۸)

۴- اگر در رو به قبله یا پشت به قبله بودن محل تخلی شک کند، باید جهت قبله را جست‌وجو کند، تا مرتکب حرام نشود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۸)

دوم: استنجاء (شستن مجرای بول و غائط)

شستن مجرای ادرار با آب واجب است و در صورت امکان پذیر بودن، غیر از آن کفایت نمی‌کند. کمترین مقدار شستن مجرای ادرار دو مرتبه است.^(۱) مجرای مدفوع نیز تا از بین رفتن عین نجاست و اثر آن باید شسته شود، ولی به بوی نجاست اعتنایی نمی‌شود.

اگر اثر نجاست از مقدار مخرج بیشتر شد شستن آن با آب واجب است و غیر از آب کفایت نمی‌کند؛ اما اگر از مخرج تجاوز نکرد بین شستن با آب و پاک کردن با سنگ مخیر است و شستن با آب بهتر است و جمع بین هر دو کامل‌تر است و استفاده از کمتر از سه سنگ کفایت نمی‌کند. واجب است هر کدام از سنگ‌ها را بر محل نجاست بکشد و همین که عین نجاست با این کار برطرف شود کافی است و لازم نیست اثر آن از بین برود. اگر با سه سنگ پاک نشد باید با سنگ‌های بیشتری ادامه دهد تا پاک شود ولی اگر با کمتر از سه سنگ پاک شد واجب است تا سه سنگ ادامه دهد و استفاده از یک سنگ از سه جهت کفایت نمی‌کند.

با این چیزها نمی‌شود استنجا نمود: سنگی که قبلاً برای استنجا استفاده شده

۱- یک بار برای از بین بردن نجاست و یک بار برای تطهیر محل آن. البته لازم نیست آب را قطع کند و بار دیگر بر آن آب بریزد، بلکه همین که آب را (چه در آب قلیل و چه در آب جاری) اندکی پس از رفع نجاست بر آن محل نهد کفایت می‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۹)

است، عین نجاسات، استخوان، سرگین و پهن حیوانات، خوراکی‌ها و سنگ صاف که روی نجاست بلغزد؛ که اگر از این موارد استفاده شود موجب پاکی و طهارت نمی‌گردد.

سوم: سنت‌های تحلی

که شامل مستحبات و مکروهات است.

مستحبات:

پوشاندن سر و بهتر این است که سروصورت با هم پوشانده شود، پناه بردن به خداوند، نام خدا را بردن، ورود با پای چپ، استبراء،^(۱) دعا هنگام استنجا و بعدازآن، و خروج با پای راست و دعا کردن بعد از خروج.^(۲)

مکروهات:

قضای حاجت در خیابان و محل عبور و مرور، ورودی آب رودخانه، زیر

۱- خالی کردن مجرای ادرار از بول به این صورت که سه بار از مقعد تا ریشه آلت بکشد و بعدازآن سه بار از آن محل تا سر آلت بکشد و بعدازآن سه بار سر آلت را فشار دهد تا ادراری در آن باقی نماند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۱)

۲- مثلاً هنگام استنجا بگوید: «اللهم حصن فرجی و أعفّه و استر عورتی و حرّمنی علی النار»، و بعد از استنجا بگوید: «الحمد لله الذی عافانی من البلاء و أماط عنی الأذى»، و بعد خروج بگوید: «بسم الله، الحمد لله الذی رزقنی لذّته و أبقى قوّته فی جسدی و أخرج عنی أذاه». (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۱)

درختان میوه‌دار، محل استراحت قافله‌ها، محل‌هایی که موجب لعنت دیگران است، عورت فرد رو به خورشید و ماه باشد، ادرار کردن به سمت باد و روی زمین سفت و در سوراخ و لانه حیوانات و در آب ساکن یا جاری، خوردن و آشامیدن و مسواک کردن در حین تخلی و استنجا کردن با دست راست و با دست چپ اگر انگشتی در دست داشته باشد که نام خداوند سبحان یا یکی از پیامبران یا اوصیاء علیهم السلام و یا حضرت زهرا علیها السلام بر آن باشد؛^(۱) و سخن گفتن مگر به ذکر خداوند متعال یا قرائت آیه الکرسی یا حاجتی که از بین رفتنش سبب زیان شود، همگی مکروه است.

فصل سوم: نحوه وضو گرفتن

وضو پنج عمل واجب دارد:

-
- ۱- نجس کردن اسم خدا حرام است؛ پس اگر یقین دارد که نجس می‌شود باید آن را خارج کند و استنجا در این حالت حرام است و اگر گمان به نجس شدن آن دارد مکروه است. نکته ۱- اگر انگشتی که نام‌های مقدس بر آن حک شده از روی غفلت داخل چاه فاضلاب بیفتد، در صورتی که امکانش باشد باید چاه دیگری ایجاد کنند و از این چاه استفاده نشود ولی اگر ممکن نبود می‌توان از همین چاه استفاده نمود.
 - ۲- سوزاندن اسماء متبرکه جایز نیست و باید در آب پاک رودخانه‌ها و دریاچه‌ها افکنده شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۲)

واجب اول: نیت

نیت، اراده انجام کاری به صورت قلبی است و چگونگی آن به این ترتیب است: نیت کند که برای نزدیک شدن به خداوند متعال و پاکی باطن^(۱) وضو می‌گیرد. واجب نیست که نیت رفع حدث یا مباح شدن عملی که در آن طهارت، شرط است [مانند نماز] و یا نیت وجوب یا استحباب وضو را داشته باشد. برای پاک کردن لباس یا چیز دیگری از هرگونه نجاست، نیت لازم نیست. اگر به نیت تقرب به خداوند قصد خنک شدن یا غیر آن را نیز ضمیمه کند وضویش صحیح است. زمان نیت، هنگام شستن دست‌ها (قبل از شروع وضو) است و پایان وقت آن، زمان شستن صورت است و باید تا پایان وضو بر نیت خود باقی بماند.^(۲)

تبصره: اگر چند مورد از اسباب وجوب وضو با هم پیش بیاید، یک وضو با نیت قربت کفایت می‌کند و نیازی به تعیین کردن حدث مورد نظر (که می‌خواهد از آن پاکی بجوید) نیست؛ همین حکم هنگام واجب شدن چند غسل بر او، جاری می‌شود.

واجب دوم: شستن صورت

۱- مقصود از طهارت باطنی، حالتی است که با آن اعمال مشروط به طهارت مانند نماز یا لمس قرآن و غیره مجاز می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۳)

۲- اگر در حال انجام وضو در نیتش شک کرد اشکالی پیش نمی‌آید، به شرط این که وضو را قطع نکند و نیت کردنش را هم نداشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت:

محدوده صورت از جهت طولی، از محل رشد موی سر تا چانه و از جهت عرضی فاصله میان انگشت شصت و انگشت وسط دست می باشد و هرچه خارج آن باشد جزو صورت نیست. کسی که موی جلوی سرش کمتر یا بیشتر از حد طبیعی باشد، یا کسی که فاصله انگشتانش از عرض صورتش بیشتر یا کمتر باشد، وظیفه اش این است که ببیند مردم متعارف تا چه اندازه از صورت را می شویند و همان مقدار را بشوید.

صورت را باید از بالا به پایین تا چانه شست و اگر عکس آن عمل شود صحیح نیست. شستن قسمت های پایینی ریش که خارج از صورت است واجب نیست و همچنین نیازی به رساندن آب به میان محاسن نیست،^(۱) بلکه تنها شستن ظاهر آن کافی است. اگر در صورت زنی، مو به قدری بود که ریش به حساب آید گذراندن آب از میان آن لازم نیست و رساندن آب به ظاهر آن کفایت می کند.

واجب سوم: شستن دست ها

واجب در آن، شستن دست ها از آرنج تا نوک انگشتان است و دو آرنج نیز باید شسته شود و باید شستن از آرنج آغاز شود. شستن برعکس آن از پایین به

۱- رساندن آب به دو طرف چشم ها و ورودی حفره های بینی با دقت تمام نیازی نیست، بلکه کافی است که آب را روی اجزای ظاهری صورتش جریان دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۵)

بالا کفایت نمی‌کند. واجب است ابتدا دست راست را بشوید. اگر فردی قسمتی از دستش قطع شده باشد باقی‌مانده آن را از آرنج به پایین بشوید؛^(۱) و اگر دستش از آرنج قطع شده باشد شستن آن از او ساقط می‌گردد. اگر از یک آرنج دو ساعد یا انگشتان زائد یا گوشت اضافه داشته باشد، در تمام موارد باید آن عضو اضافه را بشوید، اما اگر این عضو اضافه بالای آرنج باشد شستن آن واجب نیست؛ اگر دارای یک دست اضافه باشد باید آن را نیز بشوید.

واجب چهارم: مسح سر

مقدار واجب مسح سر آن است که گفته شود مسح شده است^(۲) و مقدار مستحب آن است که از جهت عرض سه انگشت باشد. مسح سر باید تنها در قسمت جلوی سر انجام شود، و واجب است که با رطوبت باقی‌مانده از وضو انجام شود و نباید کف دست با آب دیگری مرطوب شود.^(۳) اگر آب دست خشک شود از آب روی ریش یا مژه‌ها می‌توان برای مسح استفاده کرد و اگر هیچ رطوبتی از وضو باقی نماند (که با آن مسح کند) باید مجدداً وضو بگیرد. بهتر است که مسح سر را رو به جلو انجام دهد و رو به پشت مسح کردن

۱- در این موارد اگر بتواند در حوض یا زیر شیر وضو بگیرد که این کار را انجام می‌دهد وگرنه باید کمک بگیرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۷)

۲- می‌تواند با کف دست راست یا چپ و اگر نتواند با پشت دست سر را مسح کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۹)

۳- اگر درحالی که سر را مسح می‌کند دستش به پیشانی‌اش بخورد و دستش با رطوبت پیشانی برخورد کند اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۹)

مکروه است. شستن موضع مسح صحیح نیست [بلکه باید آن را مسح نماید].
مسح بر آنچه موی قسمت جلوی سر و پوست سر نامیده می‌شود جایز است؛^(۱) اما اگر از دیگر قسمت‌های سر، مو را جمع کند و بعد روی آن مسح نماید صحیح نیست. همچنین مسح بر روی عمامه و کلاه و آنچه موجب پوشاندن محل مسح سر می‌باشد، صحیح نیست.

واجب پنجم: مسح پاها

در مسح پاها واجب است از سر انگشتان تا برآمدگی [روی] پا مسح شود که دو برآمدگی روی پاست و برعکس نیز جایز است. در مسح کردن پاها ترتیب وجود ندارد. اگر قسمتی از پا که باید مسح شود قطع شده باشد باقی مانده آن مسح گردد، ولی اگر پا از برآمدگی روی پا (کعب) قطع شده باشد مسح آن ساقط می‌شود.^(۲) در مسح پا واجب است که پوست پا مسح شود و جایز نیست که چیزی نازک یا ضخیم بین پوست پا و دست حایل شود. واجب است که در

۱- مسح بر قسمت جلوی سر و موی آن صحیح است حتی اگر موی جلوی سر بلند باشد و بر روی پیشانی باشد نیز مسح بر آن صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۹)

۲- تحجیل، این است که دست خود را برای مسح، دور و گرد مفصل پا بگردانید. با توجه به اینکه واجبی که در شرایع ذکر شده است، مسح تا دو برآمدگی پاهاست و همان‌طور که نزد ما، نص مکتوبی از امام علیه السلام وجود ندارد که مستحب بودن تحجیل را بیان کند؛ ولی بسیاری از مؤمنین هستند که امام علیه السلام را مشاهده کردند که این کار «تحجیل» را انجام می‌داد. اللجنة الفقهية (۲۵ جولای ۲۰۱۷)

حد امکان با تمام کف دست روی پا را مسح کند و واجب نیست که تمام اعضای کف دست، تمام اعضای روی پا را مسح کند، بلکه کف دست از روی پا گذرانده می‌شود.^(۱)

هشت مسئله:

مسئله اول: ترتیب در وضو واجب است و باید وضو را با شستن صورت آغاز کند و بعد دست راست، سپس دست چپ و بعد از آن، سر و سپس پاها را مسح کند. اگر وضوگیرنده از روی عمد یا غیر عمد (فراموشی) ترتیب را رعایت نکند و آب وضو خشک شده باشد، باید دوباره وضو بگیرد، اما اگر رطوبت باقی باشد، وضو برحسب ترتیب تکرار می‌شود.^(۲)

مسئله دوم: موالات در وضو واجب است؛ یعنی نباید بین شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها چنان فاصله بیندازد که از نظر عُرف، یک عمل واحد (وضو) محسوب نشود؛ اگر صورت را شست باید مشغول شستن دست راست و پس از آن دست چپ شود، سپس بلافاصله سر و بعد از آن پاها را مسح نماید و این کار باید بدون سستی و اهمال انجام گیرد.

مسئله سوم: شستن صورت و دست‌ها برای بار اول واجب، بار دوم سنت و

۱- برای مسح سر و پاها خشک بودن محل مسح لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۳۹)

۲- به عنوان مثال اگر صورتش را شسته و سپس دست چپ را شسته و هنوز صورتش خیس است، می‌تواند دست راست را بشوید و بعد دست چپ و به همین ترتیب تا آخر وضو. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۱)

بار سوم، بدعت^(۱) است؛ و در مسح، تکرار وجود ندارد.

مسئله چهارم: در شستن، آن مقدار که گفته شود شسته شده است کفایت می‌کند حتی اگر به اندازه روغن مالی باشد. کسی که در دست خود بند یا انگشتری داشته باشد واجب است که آب را به زیر آن برساند و اگر گشاد و فراخ باشد حرکت دادن آن (برای رساندن آب به زیر آن) مستحب است.

مسئله پنجم: کسی که بر اعضای وضویش جبیره وجود داشته باشد^(۲) اگر بتواند آن را برداشته یا با چند مرتبه ریختن آب بر آن، آب را به پوست برساند واجب است این کار را انجام دهد، اما اگر ممکن نبود، مسح بر جبیره کفایت می‌کند، چه زیر جبیره پاک باشد و چه نجس باشد؛^(۳) و هنگامی که

۱- اگر اعضای وضو را بیش از دو بار شسته و بعد از آن متوجه شده است که شستن بیش از دو بار وضو را باطل می‌کند نمازهایی که خوانده، صحیح است و نیازی به تکرار ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء اول، طهارت: ص ۴۱)

۲- هیچ چیز نباید مانع رسیدن آب به پوست شود و در صورت امکان باید اگر مانعی بر روی پوست باشد، مانند رنگ یا جوهری که جرم دارد از بین برود؛ اما اگر برداشتن آن ممکن نباشد لازم نیست؛ همچنین کسانی که در تعمیرگاه‌ها یا تراشکاری‌ها و... کار می‌کنند و دستشان در اثر لمس آهن‌آلات یا روغن، سیاه می‌شود، اگر می‌توانند، برای وضو آن را پاک کنند و اگر ممکن نیست، اشکالی ندارد که با وجود همین سیاهی‌ها وضو بگیرند و وضویشان صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء اول، طهارت: ص ۴۳)

۳- اگر در یکی از اعضای وضو زخمی وجود داشته باشد که از آن خون می‌آید، باید بر آن جبیره- ای قرار دهد و آن را مسح کند؛ و اگر از زخم خون می‌آید، می‌تواند بر آن پنبه و باند طبی قرار دهد و آن را ببندد و بر روی آن مسح کند و اگر مساحت باند پیچی شده بیشتر از زخم باشد اشکالی ندارد و

عذر برطرف شد باید وضو بگیرد.^(۱)

مسئله ششم: در حال اختیار جایز نیست شخص دیگری او را وضو دهد، ولی در حالت اضطرار جایز است.

مسئله هفتم: کسی که وضو ندارد نباید به کلمات قرآن کریم دست بزند؛^(۲) اما لمس کردن قرآن به غیر از نوشته‌هایش اشکالی ندارد.^(۳)

مسئله هشتم: دائم‌الحدث (کسی که از مجرای ادرار او ناخواسته ادرار خارج می‌شود و کسی که از مجرای شکم او باد و... خارج می‌گردد) اگر بین دو حدث، آن قدر زمان داشته باشد که نماز بخواند، باید در همین فاصله وضو بگیرد و نماز بخواند، در غیر این صورت باید حین نماز وضو بگیرد و نماز را

همچنین لازم نیست که تمام سطح جیره (باندپیچی) شده را مسح کند بلکه همین که دست را به اندازه ممکن بر تمام اطراف آن بکشد کفایت می‌کند. (و لا یكلف الله نفسا الا وسعها)؛ (خداوند هر شخصی را فقط به اندازه توانایی‌اش تکلیف می‌کند). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۲)

۱- اگر روی زخم، خون خشکیده باشد و یا ضماد گذاشته باشند و تطهیر آن نیز ممکن نباشد، روی آن را با پارچه می‌پوشاند و وضوی جیره می‌گیرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۲)

۲- منع کردن بچه از لمس کلمات قرآن واجب نیست، اما مستحب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۴)

۳- خال کوبی کردن اسم جلاله و نام‌های معصومین (علیهم‌السلام) بر بدن جایز نیست، اما اگر نوشته است پاک کردن آن در صورت امکان واجب است و گرنه نجس کردن آن حرام است و اگر نجس شد باید فوراً پاک کند؛ اما وضو گرفتن به دلیل وجود خال کوبی بر بدن او لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۴)

ادامه دهد و به پایان برساند. اگر پاک کردن نجاست در حین نماز برای او سخت باشد، لازم نیست تطهیر کند و وضو کافی است.

سنت‌های وضو:

مستحبات:

ظرفی که از آن آب برمی‌دارد را در سمت راست خود بگذارد، با دست راست آب بردارد، بسم‌الله بگوید و دعا کند.^(۱) دست‌ها را اگر خواب بود و یا ادرار کرده بود یک بار و اگر غائط کرده بود، دو بار قبل از داخل کردن در ظرف بشوید. مضمضه کردن آب در دهان و استنشاق کردن بینی همراه خواندن دعا و همچنین خواندن دعا هنگام شستن صورت و دست‌ها و مسح و سر و پاها

۱- در وقت شستن دست راست: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبِي حِسَاباً بَيْسِيراً»؛ (پروردگارا! کتاب و نامه اعمالم را در روز قیامت به دست راستم و جاودانگی در بهشت را در دست چپم قرار ده و محاسبه مرا سهل و آسان نما). در وقت شستن دست چپ: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بَيْسَارِي وَ لَا تُجْعَلْهَا مَعْلُوكَهُ إِلَى عُنُقِي وَ اعُوذُ بِكَ مِنْ مُقْطَعَاتِ الْبَيْرَانِ»؛ (بارها! نامه اعمالم را در روز محشر به دست چپم مده و آن را به گردنم آویزان مکن و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم). در وقت مسح سر: «اللَّهُمَّ عَشِيْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ»؛ (خدایا! رحمت و برکات و بخشایشت را بر من بگستران). در وقت مسح پاها: «اللَّهُمَّ تَبَتَّنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي»؛ (خدایا! در آن روز که قدم‌ها می‌لغزد، مرا بر پل صراط ثابت‌قدم بدار؛ و تلاش و کوششم را در آنچه باعث رضایت تو از من است، قرار ده). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۵-۴۶).

مستحب است. مستحب است مرد در هنگام شستن ساعدهای خود نخست قسمت بیرونی را بشوید و بعد قسمت داخلی دست را؛ و مستحب است که زن عکس آن عمل نماید و اینکه وضو با یک مُد آب (۷۵۰ گرم) انجام شود.

مکروهات:

کمک گرفتن از دیگران برای وضو و خشک کردن اعضای شسته شده بعد از وضو مکروه است.

فصل چهارم: احکام وضو

اگر کسی یقین داشته باشد حدث از او سر زده و شک کند در اینکه طهارت (وضو) گرفته است یا نه، یا اینکه یقین دارد حدثی از او سرزده و طهارت (وضو) هم گرفته است، ولی نمی‌داند کدام یک از آن‌ها اول و کدام یک بعد اتفاق افتاده است، باید طهارت حاصل کند.

همچنین اگر یقین کند که عضوی را در وضو ترک کرده است، باید آن عضو و مابعد آن را دوباره انجام دهد، و اگر رطوبت خشک شده باشد باید از ابتدا وضو بگیرد؛ اما اگر در حال وضو به یکی از اعمال خود شک کند، نخست عملی را که در آن شک دارد و سپس اعمال بعد از آن را باید انجام دهد.

اگر کسی از طهارت خود یقین داشته باشد و شک کند که آیا بعد از آن حدثی از او سرزده است و یا اینکه بعد از اتمام وضو در انجام دادن یکی از افعال وضو شک کند، لازم نیست دوباره وضو بگیرد.

کسی که محل خروج مدفوع و یا ادرار را نشوید و نماز بخواند - چه از روی عمد باشد یا از روی ندانستن یا فراموش کردن - باید نماز را دوباره بخواند. اگر کسی برای استحباب، تجدید وضو کند و بعد از نماز به یاد آورد که در یکی از اعمال یکی از دو وضویش اشتباه نموده است، طهارت و نمازش صحیح است؛ اما اگر با هر وضو یک نماز بخواند باید فقط نمازی را که با وضوی اول خوانده است دوباره بخواند.

اگر (در حالتی که با هر وضو یک نماز خوانده است) بعد از یکی از دو وضو حدثی از او سر زده باشد و نداند بعد از کدام یک از دو وضو بوده است، اگر نمازها از نظر تعداد رکعات متفاوت باشند هر دو نماز را باید دوباره بخواند، اما اگر یکسان باشند،^(۱) ادای یک فریضه به نیت آنچه بر او واجب است کفایت می کند. برای کسی که وضو بگیرد و نماز بخواند، سپس حدثی از او سر بزند و دوباره وضو بگیرد و نماز دیگری بخواند و پس از آن به یاد آورد که در یکی از وضوها یکی از واجبات را به جا نیاورده، همین حکم جاری است.

اگر پنج نماز شبانه روزش را با پنج وضو انجام دهد و سپس یقین حاصل کند که بعد از یکی از وضوها حدثی از او سر زده است باید سه نماز واجب را دوباره

۱- از نظر تعداد رکعات مختلف باشند، مانند نماز مغرب و عشاء، و یکسان باشند مانند نماز ظهر و عصر؛ که در صورت یکسان بودن تعداد رکعات، نماز خاصی را نیت نمی کند و در نیت می آورد که نماز چهار رکعتی می خوانم به نیت آنچه بر عهده ام است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۷)

بخواند: یک نماز دور کعتی، یک نماز سه رکعتی و یک نماز چهار رکعتی.^(۱)

غسل

دو نوع است: واجب و مستحب.

غسل‌های واجب شش مورد می‌باشد: غسل جنابت، حیض، استحاضه‌ای که در آن خون از پنبه بگذرد، نفاس، غسل لمس میتی که غسل داده نشده و بدنش سرد شده باشد، و غسل دادن میت. بیان آن در پنج فصل می‌آید:

فصل اول: غسل جنابت

در جنابت سه چیز مورد توجه قرار می‌گیرد: سبب جنابت، احکام جنابت و غسل آن.

سبب جنابت:

دو چیز است:

انزال (خروج منی): اگر بداند آنچه از او خارج شده، منی است بر او غسل جنابت واجب می‌شود؛ حال اگر چیزی از او خارج شود که نداند منی است یا نه

۱- نماز چهار رکعتی را به نیت ما فی الذمه می‌خواند و تعیین نمی‌کند که ظهر باشد یا عصر یا عشاء.
(احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۴۸)

و آن مایع با فشار و جهش و همراه با شهوت و سستی بدن خارج شود، غسل بر او واجب می‌گردد. اگر مریض باشد، شهوت و سستی بدن برای او واجب شدن غسل کافی است (حتی اگر با جهش خارج نشود). اگر بدون فشار و شهوت باشد و خودش نداند منی است یا نه، غسل بر او واجب نمی‌گردد.

اگر فرد روی بدن و یا لباس خود منی بیابد، در صورتی که کسی در پوشیدن آن لباس با او شریک نباشد غسل بر او واجب می‌گردد.

اگر از زن نیز منی خارج شود، غسل بر او واجب می‌گردد.^(۱)

جماع: اگر کسی با زنی از طرف جلو جماع و آمیزش کند با ورود آلت تا محل ختنه گاه غسل بر هر دو واجب می‌گردد حتی اگر زن، مرده باشد. اگر از مقعد نیز نزدیکی کند -حتی بدون انزال- غسل واجب می‌شود.

اگر (العیاذ بالله) کسی عمل قوم لوط (که لعنت خدا بر آنان و هر کس که عمل آن‌ها را مرتکب می‌شود) را انجام داد -حتی بدون انزال- غسل بر او واجب می‌گردد. اگر کسی با حیوانی نزدیکی کند -حتی بدون انزال- غسل بر او واجب می‌گردد.

تبصره: غسل بر کافر هنگام وجود سبب آن واجب می‌گردد، اما انجام آن در

۱- خروج منی در زن با دو علامت مشخص می‌شود: شهوت زیاد یا رعشه بدن و سرازیر شدن مایع منی به فرج. اگر زنی در خواب این علامت‌ها برایش پیش آمده باشد، اما توجه نکرده و با همان حال، نماز خوانده باشد، باید نمازهایی که در این حالت خوانده است را قضا کند. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۰)

۴۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

حالت کفر صحیح نیست؛ زمانی که مسلمان شد، غسل بر او واجب می‌شود و انجامش صحیح است؛ و اگر غسل ننماید، سپس مرتد شود و دوباره مسلمان شود، غسلش باطل نمی‌شود.

احکام جنابت:

مواردی که بر فرد جنب حرام است: خواندن همه یا بخشی از یکی از سوره‌های عزائم (سوره‌هایی که سجده واجب دارند) حتی ذکر بسم‌الله، اگر نیتش یکی از این سوره‌ها باشد.

دست‌زدن به نوشته قرآن یا آنچه نام خداوند سبحان و متعال یا یکی از پیامبران و یا اوصیا بر آن نوشته شده باشد، نشستن در مسجد^(۱) و یا گذاشتن چیزی در آن، عبور کردن از مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ [در مدینه] به طور خاص. اگر کسی در مسجد الحرام و یا مسجد النبی ﷺ جنب شد باید تیمم کند، سپس از آنجا خارج گردد.

آنچه بر جنب مکروه است: خوردن و آشامیدن، و کراهت آن با مضمضه و

۱- حرم‌های ائمه علیهم‌السلام نیز حکم مساجد را دارد و بلکه حرمتش از آن نیز بیشتر است و محدوده حرم، قبر و بنای اولی که قبر را در بر گرفته است می‌باشد و اگر آن بنا توسعه یافته باشد، مقدار افزوده شده نیز در حکم داخل است و اگر کوچک‌تر شده باشد نیز مقدار کاهش یافته از حکم خارج می‌باشد. البته این حکم شامل فرزندان ائمه [امامزادگان] نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت:

استنشاق کمتر می‌شود. خواندن^(۱) بیش از هفت آیه از قرآن، غیر از سوره‌های دارای سجده واجب؛ و خواندن هفتاد آیه و بیش از آن، کراهت بیشتر است؛^(۲) همچنین لمس کتاب قرآن، و خوابیدن قبل از آنکه غسل کند یا وضو بگیرد یا تیمم کند، و خضاب کردن (حنا بستن و رنگ کردن ریش و موی سر).

چگونگی غسل کردن:

پنج چیز در غسل واجب است:

نیت و باقی ماندن بر آن تا پایان اعمال غسل، شستن پوست بدن، به آن گونه که به آن شستن گفته شود و (تخلیل) رساندن آب به جایی که به خودی خود آب به آنجا نمی‌رسد.

ترتیب: یعنی اینکه نخست سر^(۳) را بشوید بعد باقی بدن، و بهتر است که ابتدا

۱- شنیدن و گوش دادن به قرائت قرآن حکم خواندن آن را ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۲)

۲- کراهت به معنای این است که بهتر است این عمل ترک شود نه به این معنا که ثوابش کمتر است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۲)

۳- پرسش: آیا غسل کردن، در غسل با سر واجب است؟ یا طرف راست یا چپ؟ پاسخ: غسل و شستن کردن، با سر است؛ اما ترتیبی که واجب است، این است که با سر آغاز کند. سپس جسد؛ و ترتیب سمت راست و سپس چپ مستحب است. (اللجنة الفقهية: ۲۱ سؤال ۱۴۳۸ هـ.

سمت راست بدن را بشوید و بعد سمت چپ و رعایت ترتیب میان راست و چپ واجب نیست؛ اگر به یک‌باره در آب فرو رود، ترتیب ساقط می‌شود. (یعنی در غسل ارتماسی ترتیب وجود ندارد).

مستحبات غسل: هنگام شستن دست‌ها و قبل از شروع غسل، نیت کند؛ و پایان وقت نیت، هنگام آغاز شستن سر (شروع غسل) می‌باشد. دست کشیدن بر بدن در هنگام غسل و رساندن آب به قسمت‌هایی از بدن که به خاطر ظهور و آشکار کردن [استظهار] معمولاً آب به آن‌ها می‌رسد، و ادرار کردن قبل از غسل و استبرا نمودن.

• **چگونگی استبرا نمودن:** خالی کردن مجرای ادرار از بول به این صورت که سه بار از مقعد تا ریشه آلت بکشد و بعد از آن سه بار از آن محل تا سر آلت بکشد و بعد از آن سه بار سر آلت را فشار دهد تا ادراری در آن باقی نماند.

دیگر مستحبات غسل: سه بار شستن دست‌ها قبل از داخل کردن در ظرف، مضمضه کردن، استنشاق و غسل نمودن با یک صاع (سه لیتر آب).

مسائل سه گانه:

اول: اگر غسل کننده بعد از غسل رطوبتی ببیند که نداند منی است یا نه، اگر قبل از غسل ادرار یا استبرا نموده باشد غسل را تکرار نمی‌کند، در غیر این صورت، باید دوباره غسل کند.

دوم: اگر مقداری از بدن را غسل نموده، سپس حدثی از او سر بزند،

باید دوباره از شستن سر شروع کند ولی دائم‌الحدث اگر آن قدر وقت نداشته باشد که دوباره غسل کند و حدثی از او سر نزده باشد، باید پس از پایان همین غسل، برای طهارت وضو بگیرد.

سوم: کسی نمی‌تواند دیگری را غسل دهد، مگر در حالت اضطرار؛ و کمک گرفتن در غسل مکروه است.

فصل دوم: حیض

این فصل مشتمل بر بیان حیض و متعلقات آن می‌باشد.

حیض چیست؟

خونی است که با تمام شدن عدّه [در زنان مطلقه] ارتباط دارد؛^(۱) و کمترین مقدار آن اندازه مشخصی دارد. بیشتر اوقات تیره و غلیظ است و با حرارت و همراه با احساس سوزش خارج می‌شود. ممکن است خون حیض و بکارت اشتباه گرفته شوند؛ به همین دلیل زن باید به پنبه‌ای که در مجرا قرار می‌دهد بنگرد؛ اگر خون به شکل حلقوی بود، خون بکارت است.^(۲) و آنچه دختر قبل از سن بلوغش (نه سالگی) ببیند خون حیض نیست.

کمترین مقدار حیض سه روز^(۳) و بیشترین آن ده روز می‌باشد. همچنین کمترین میزان پاکی (بین دو حیض) ده روز است و برای حداکثر آن، اندازه‌ای

۱- یعنی زن مطلقه آزاد (در مقابل کنیز)، اگر حیض می‌شد، باید سه حیض را عدّه نگه دارد، و با دیدن سومین خون حیض بعد از طلاق، عدّه‌اش به پایان می‌رسد؛ به همین خاطر، خون حیض با دو خون استحاضه و نفاس که با عدّه زن مطلقه ارتباطی ندارد، تفاوت پیدا می‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۵)

۲- اگر پنبه به صورت آغشته به خون خارج شد، حیض است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۶)

۳- هر روز ۲۴ ساعت است؛ پس اگر ساعت ۱۲ ظهر خون ببیند تا ساعت ۱۲ ظهر روز بعد یک روز می‌باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۸)

تعیین نشده است. برای کمترین مقدار حیض، شرط است که سه روز پشت سر هم باشد. ^(۱) آنچه زن بعد از یائسگی می بیند حیض نیست. زن قریشی ^(۲) در پایان شصت سالگی و دیگر زنان در پایان پنجاه سالگی به سن یائسگی می رسد. هر خونی که زن، کمتر از سه روز بیند حیض نیست؛ چه مبتدئه ^(۳) باشد و چه دارای عادت ماهانه ^(۴) باشد. خونی که زن، بین روز سوم تا دهم می بیند اگر امکان حیض بودنش باشد (یعنی دارای شرایط آن باشد) حیض است، خواه شبیه خون حیض باشد یا نباشد.

زن زمانی صاحب عادت می شود که یک بار خون بیند و بعد تا کمترین

۱- پس اگر دو روز خون بیند و یک روز خون نبیند، سپس دوباره خون بیند حکم حیض را ندارد؛ و اگر در ماه رمضان بلافاصله با دیدن خون افطار کرده و نماز را ترک کند به دلیل آنکه گمان می کند حیض شده است ولی خون قطع شود، (تنها) قضای روزه و نماز بر او واجب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۶)

۲- زنی که از طریق پدر به یکی از قبایل قریش منتسب باشد؛ که بعضی از قبایل مانند علویان و عباسیان مشهور هستند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۷). «مترجم»

۳- زنی که برای اولین بار خون می بیند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۸)

۴- یعنی دارای عادت ماهانه منظم باشد که دارای سه حالت می باشد:
عادت عددیه و قتیّه: در زمان مشخص (اول ماه) و تعداد روز مشخص (هفت روز) حیض می بیند.
عادت عددیه: تنها تعداد روزی که حیض می بیند مشخص است، نه زمان آغاز آن.
عادت قتیّه: زمان آغاز حیض مشخص است، نه تعداد روز آن. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۸)

مدت طهارت (ده روز) یا بیشتر از آن پاک باشد و بعد از آن دوباره به همان میزان خون ببیند. اختلاف در رنگ خون در این مورد مهم نیست.

مسائل پنج‌گانه:

اول: زن دارای عادت [معین] با دیدن خون باید نماز و روزه را ترک کند. زن مبتدئه اگر مطمئن شد حیض است باید عبادات را ترک کند و در غیر این صورت عباداتش را به‌جا می‌آورد تا سه روز بگذرد.^(۱)

دوم: اگر زن سه روز خون ببیند و بعد قطع گردد و قبل از روز دهم دوباره خون ببیند، همه این مدت یک حیض حساب می‌گردد، ولی اگر از ده روز بیشتر شد باید به تفصیلی که ذکر خواهیم کرد مراجعه کند.^(۲) اگر ده روز بگذرد سپس خون ببیند، خونی که اول دیده به‌تنهایی یک حیض بوده و آنچه بعد از ده روز دیده ممکن است حیض دیگری باشد (اگر شروط آن را داشته باشد حیض دیگری است).

سوم: اگر خون قبل از ده روز قطع شد بر زن واجب است که با پنبه خود را واریسی کند،^(۳) اگر پنبه پاک بود باید غسل کند و اگر به خون

۱- اگر سه روز گذشت و خون ادامه داشت، و در این سه روز، روزه گرفته بود، باید قضای آن را بگیرد زیرا در این مدت حیض بوده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۸)

۲- رجوع شود به ابتدای احکام استحضاره. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۹)

۳- واریسی با پنبه فقط زمانی بر حائض واجب است که در پاک شدنش شک داشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۹)

آغشته شد، زن مبتدئه باید صبر کند تا پاک شود یا اینکه ده روز کامل گردد؛ و زن صاحب عادت معین تا سه روز بعد از عادت خود صبر کند سپس غسل نماید؛ پس اگر تا روز دهم خون دیدن استمرار یابد و قطع شود، روزه‌هایی را که از زمان غسل کردن تا روز دهم گرفته، باید قضا کند و اگر بیش از ده روز بود، آنچه را که به‌جا آورده است مورد قبول است. (۱)

چهارم: اگر زن از حیض پاک شد شوهر می‌تواند قبل از غسل با او نزدیکی کند؛ گرچه این عمل مکروه است. (۲)

پنجم: اگر وقت نماز داخل شود و زن، حائض گردد اگر به مقدار طهارت و اقامه نماز وقت داشته باشد قضای آن نماز بر او واجب می‌گردد، و اگر کمتر از طهارت و اقامه نماز وقت داشت قضا واجب

۱- به‌عنوان مثال، کسی که عادت ماهانه‌اش پنج روز بوده و واریسی کرده و هنوز قطع نشده باشد، روز هشتم غسل کرده و اعمالش را به‌جا می‌آورد، اما اگر روز دهم خون قطع شد، باید روزه‌های روز نهم و دهم را قضا کند، چراکه آن دو روز هم حیض بوده است؛ ولی اگر از ده روز گذشت و باز هم قطع نشده بود، اعمالش مورد قبول است، زیرا آن روزهای اضافی (نهم به بعد)، استحاضه است و در ایام طهر می‌باشد نه حیض. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۵۹)

۲- زنی که در پاک شدنش شک دارد، باید خود را با پنبه واریسی کند و اگر پاک شده بود می‌تواند قبل از غسل با همسرش نزدیکی کند و اگر واریسی نکند، حرام است قبل از غسل با همسرش نزدیکی نماید؛ اما اگر بدون واریسی غسل کند می‌تواند با همسرش نزدیکی کند؛ و اگر بعداً بفهمد که هنوز حیض بوده، کفاره‌ای بر عهده آنان نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص

نیست؛ و اگر زن قبل از پایان وقت نماز پاک شود، به گونه‌ای که از وقت نماز به مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد، ادای نماز واجب است و اگر انجام ندهد باید قضای آن را به‌جا آورد.

متعلقات حیض:

هشت مورد است:

اول: هر آنچه داشتن طهارت (وضو و غسل) در آن واجب است، بر زن حائض حرام می‌باشد؛ مانند نماز و طواف و لمس نوشته‌های قرآن. ❖ حمل کردن قرآن و لمس حاشیه آن برای زن حائض مکروه است و حتی اگر وضو بگیرد و یا غسل کند نیز طاهر نمی‌شود.

دوم: روزه زن حائض صحیح نیست.

سوم: نشستن در مسجد برای او حرام و عبور از آن مکروه است.

چهارم: خواندن هر قسمتی از سوره‌های عزائم (سوره‌هایی که سجده واجب دارند) بر او حرام و خواندن باقی آیات و سوره‌های قرآن برای او مکروه است. چنین زنی اگر آیه‌ای که سجده دارد را بخواند یا بشنود باید سجده کند.

پنجم: نزدیکی با زنی که در حیض است بر همسرش حرام است تا زمانی که پاک شود؛ اما لذت بردن از دیگر راه‌ها غیر از فرج اشکالی ندارد. اگر مرد بداند که نزدیکی در این زمان حرام است و باین حال از روی عمد این کار را انجام دهد باید کفاره بدهد؛ کفاره آن عبارت است از: در اولین روزهای حیض، یک دینار طلا (معادل یک مثقال طلای ۱۸

عیار) و در روزهای میانی عادت ماهانه، نصف دینار و در آخرین روزهای عادت، ربع دینار است.^(۱) اگر در زمانی که کفاره در آن یکسان است نزدیکی را تکرار کند، کفاره تکرار نمی‌شود؛ اما اگر نزدیکی را در زمان‌هایی تکرار کند که مقدار کفاره در آن متفاوت است، کفاره دادن را باید تکرار کند.

ششم: زن حائضی که پیش از آن، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، در ایام حیض و درحالی که شوهرش در کنارش حاضر باشد^(۲) طلاق دادنش صحیح نیست.

هفتم: اگر زن از خون حیض پاک شد باید غسل کند. کیفیت آن مانند غسل جنابت است و مستحب است قبل یا بعد از غسل وضو هم بگیرد. قضای روزه بر زنی که پاک شده واجب است، ولی قضای نمازهای روزانه [که در ایام حیض قضا شده] بر او واجب نیست.

هشتم: مستحب است زن در حین عادت ماهانه خود، در وقت هر نماز وضو بگیرد و به اندازه زمانی که در حالت عادی به نماز می‌ایستد در محل نماز خود بنشیند و ذکر خدا بگوید.

۱- یعنی باید تعداد روزهای عادت را تقسیم بر سه کند مثلاً اگر شش روز باشد دو روز اول، اول ایام حیض است، دو روز دوم، روزهای میانی و دو روز سوم، ایام آخر عادت می‌باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء اول، طهارت: ص ۶۲)

۲- در سفر نباشد. (مترجم)

۵۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

❖ خضاب کردن (حنا یا رنگ کردن موی سر) بر زنی که در حالت حیض است مکروه می‌باشد.

فصل سوم: استحاضه

این فصل مشتمل بر اقسام و احکام استحاضه است:

خون استحاضه:

در بیشتر موارد زردرنگ، سرد و رقیق است و به آرامی خارج می شود. گاهی خون حیض نیز همین اوصاف را دارد؛ بنابراین، خون زرد و کدر در ایام حیض، خون حیض است و همین خون (با همین اوصاف) در ایام پاکی، خون حیض نیست (استحاضه است).

هر خونی که زن کمتر از سه روز ببیند و دلیل آن زخم یا جراحت نباشد، خون استحاضه است. خونی که بیشتر از عادت و بیشتر از ده روز باشد نیز همین گونه است. به همین ترتیب خونی که بیشتر از حداکثر ایام نفاس (ده روز) باشد و علائم خون حیض را نداشته باشد، یا خونی که در حاملگی باشد یا خونی که قبل از بلوغ یا بعد از یائسگی خارج شود، همگی استحاضه هستند.

زنی که خون دیدنش بیشتر از ده روز طول بکشد و از زنانی باشد که حیض می بینند (یائسه یا کمتر از نه سال نباشد)، ایام پاکی اش با حیض مخلوط شده است؛ در این صورت او یا مبتدئه است یا دارای عادت ماهانه و یا مضطربه.

زمن مبتدئه:

به رنگ خون و علائم آن بنگرد؛ آنچه دارای علائم خون حیض است برای

او حیض محسوب می‌شود و آنچه شبیه خون استحاضه باشد، استحاضه است، به شرطی که آنچه شبیه خون حیض است از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد. اگر این مقدار کمتر یا بیشتر باشد و یا رنگ آن تغییر نکند و یا شرط‌های تشخیص حیض در آن تحقق نیابد، اگر عادت ماهانه زنان فامیل یکسان است، مانند آن‌ها عمل کند و اگر یکسان نبودند مقدار حیض خود را در هر ماه، هفت روز قرار دهد.

زنی داری عادت معین:

عادت ماهانه خود را حیض و مابقی را استحاضه قرار دهد. اگر با وجود عادت ماهانه در کیفیت خون نیز تغییر حاصل شود به آن اعتنا نکند و بر عادت خود عمل کند. در اینجا چند مسئله وجود دارد:

اول: زنی که داری عادت ماهانه معین از نظر عدد و زمان می‌باشد، اگر زودتر یا دیرتر از وقت مشخص حیض ببیند ولی تعداد روزهایش همان تعداد معین باشد، باید همان تعداد روز را حیض قرار دهد و وقت از اعتبار ساقط می‌شود،^(۱) زیرا ممکن است عادت زودتر و یا دیرتر اتفاق بیفتد، چه خون را با اوصاف حیض ببیند و چه اوصافش متفاوت باشد.

۱- یعنی زمان شروع عادت ماهانه که به‌طور منظم در آن روز آغاز می‌شده است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً همیشه پنجم ماه شروع می‌شده ولی الآن سوم یا هشتم شروع شده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۶۵)

دوم: اگر قبل از ایام عادت ماهانه، خون دیدن او شروع شود و در ایام عادت نیز ادامه یابد، اگر از ده روز بیشتر نشود تمام این مدت حیض است، و اگر از ده روز بیشتر باشد، روزهای عادت را حیض و ایام قبل از آن را استحاضه قرار می‌دهد. همین حکم اگر در هنگام عادت، خون ببیند و بعد از آن ادامه یابد نیز برقرار می‌باشد؛ بنابراین اگر قبل از عادت، هنگام عادت و بعد از آن خون ببیند، اگر تعداد ایام از ده روز بیشتر نباشد تمام مدت حیض محسوب می‌شود و اگر بیشتر از ده روز باشد روزهای عادت حیض و قبل و بعد از آن، استحاضه است.

سوم: اگر عادت زن در هر ماه یک بار و دارای عدد معینی (مثلاً پنج روز) باشد، اگر در یک ماه دو بار به تعداد ایام عادت خون ببیند و بین این دو به اندازه کمترین مدت پاکی (ده روز) یا بیش از آن فاصله بیفتد، هر دوی این‌ها حیض می‌باشد و اگر در هر بار بیشتر از مدت معمول عادت خون ببیند، اگر از ده روز بیشتر نباشد، تمام آن حیض می‌باشد. اگر بیشتر از ده روز شود، اندازه عادت همیشگی را حیض و مابقی را استحاضه به شمار آورد.

نرنی که مضطر به است:

باید بر اساس کیفیت خون عمل کند؛ اگر از صفات آن مطمئن شود که خون حیض است باید عبادت را ترک کند؛ در غیر این صورت نباید نماز را ترک کند

تا اینکه سه روز بگذرد و از حیض بودنش اطمینان حاصل نماید؛ اما اگر نتواند از روی صفات خون تشخیص دهد، سه حالت به وجود خواهد آمد:

اول: اگر تعداد ایام حیض را به یاد داشته باشد ولی زمان آغاز عادت را فراموش کرده باشد، اولین روز خون دیدن خود را روز اول حیض قرار دهد و به تعداد ایام عادت خود بشمارد و مابقی را استحاضه حساب کند.

دوم: اگر وقت آغاز عادت ماهانه خود را به یاد داشته باشد ولی تعداد ایام را فراموش کند، اگر اولین روز خون دیدن خود را به یاد بیاورد، اگر زنان فامیل دارای عادت یکسان باشند باید طبق عادت ایشان عمل کند و اگر یکسان نبودند هفت روز را حیض قرار دهد. اگر فقط روز پایان عادتش را به یاد آورد و زنان فامیل عادت یکسان داشته باشند، همان مقدار را به عنوان حیض حساب کند و اگر عادت ایشان یکسان نباشد، هفت روز قبل از روز پایانی عادتش را حیض محسوب نماید و در مابقی ایام خون دیدن به تکلیف مستحاضه عمل کند و فقط روزه خود را برای روزهایی که حیض قرار داده است قضا کند.

سوم: اگر همگی (هم تعداد و هم زمان آغاز عادت خود) را فراموش کرده باشد، اگر زنان فامیل دارای عادت یکسان باشند باید هر ماه طبق عادت ایشان عمل کند، و اگر یکسان نبودند، هفت روز را حیض قرار دهد، و این کار را تا زمانی که زمان یا تعداد را به یاد نیاورده است ادامه دهد.

احکام استحاضه:

خون استحاضه یا به عمق پنبه نفوذ و آن را پُر نمی‌کند (قلیله) و یا به آن نفوذ کرده اما از آن گذر نمی‌کند (متوسطه) و یا اینکه به آن نفوذ کرده و از آن گذر می‌کند و جاری می‌شود (کثیره).

در نوع اول: بر زن واجب است که برای هر نماز (در صورت دیدن خون روی پنبه) پنبه را عوض و برای هر نماز تجدید وضو کند. می‌تواند با یک وضو دو نماز را با هم بخواند.^(۱)

در نوع دوم: بر او لازم است هم پنبه و هم پارچه بیرون را تغییر دهد و برای نماز صبح غسل کند.^(۲)

در نوع سوم: علاوه بر موارد مذکور در نوع دوم، دو غسل دیگر نیز بر چنین زنی واجب است: یک غسل برای نماز ظهر و عصر البته اگر هر دو نماز را با هم بخواند، و یک غسل نیز برای نماز مغرب و عشا، اگر آن‌ها را با هم بخواند.^(۳) اگر

۱- خارج شدن خون بعد از وضو و بین دو نماز اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۶۸)

۲- اگر درحالی که استحاضه قلیله است نماز صبح را بخواند، سپس در هنگام ظهر استحاضه متوسطه شود، واجب نیست در آن هنگام غسل کند بلکه غسل قبل از نماز صبح واجب می‌گردد؛ و اگر هنگام نماز صبح استحاضه متوسطه بود و به علت عذر و یا مشقت زیاد نتوانست قبل از نماز صبح غسل کند، در هر زمان که توانست غسل می‌کند اگرچه بهتر است قبل از نماز واجب بعدی، این کار را انجام دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۶۹)

۳- اگر نمازها را جدا بخواند، باید برای هر نماز یک غسل به‌جا آورد؛ البته اگر بعد از غسل نماز اول

چنین کند حکمش مانند حکم زن پاک است. اگر وظایف مذکور را به درستی انجام ندهد^(۱) نمازش صحیح نیست و نیز اگر غسل‌ها را به درستی انجام ندهد روزه‌اش هم صحیح نیست.

فصل چهارم: نفاس

نفاس، خونِ هنگامِ زایمان است و برای حداقل آن حدی نیست و ممکن است یک لحظه باشد. اگر زنی زایمان کند و خونی نبیند، این زن نفاسی ندارد. اگر قبل از زایمان خونی ببیند پاک (و استحاضه) محسوب می‌شود. حداکثر مدت خون نفاس ده روز است. اگر زنی دو قلو باردار بود و تولد یکی از آن دو با تأخیر اتفاق افتاد، شروع نفاسش از زمان تولد اولین فرزند است، ولی باید ده روز را از تولد دومین نوزاد بشمارد.

اگر زن زایمان کند و خون نبیند و روز دهم خون ببیند، آن خون، خون نفاس است. اگر بعد از زایمان خون ببیند، سپس پاک شود و بعد در روز دهم یا قبل از آن دوباره خون ببیند، کل این مدت نفاس است. اگر خون بیش از ده روز ادامه یابد، اگر اوصاف خون استحاضه را داشته باشد استحاضه است، در غیر این

خون نیامده باشد، برای نماز بعدی غسل لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص ۶۹)

۱- یعنی آنچه در هر نوع از انواع استحاضه بر او واجب می‌گردد، اعم از تغییر پنبه و پارچه و تجدید وضو و یا غسل. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۰)

صورت حیض است. اگر عادت، عددی مشخص داشته باشد، به همان تعداد روز حیض حساب کند و گرنه باید به تعداد روزهای عادت زنان فامیل خود حیض قرار دهد یا اینکه هفت روز حیض به شمار آورد،^(۱) و اگر باز خون دیدن ادامه بیابد سه روز واریسی کند،^(۲) سپس مابقی را استحاضه قرار دهد.

هرچه بر زن حائض حرام است بر زن دارای حکم نفاس نیز حرام، و مکروهات آن دو نیز یکسان است.

طلاق دادن زنی که در حال نفاس است، صحیح نیست؛

و غسل نفاس نیز مانند غسل حیض است.

۱- عمل کردن طبق عادت زنان فامیل در صورتی است که عادت آنان یکسان باشد، در غیر این صورت هفت روز را به عنوان حیض قرار می دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۱)

۲- مثلاً اگر زنی عادتش پنج روز بوده باشد و پس از ولادت فرزندش تا هجده روز خون ببیند، ده روز اول نفاس است و در روز یازدهم به خصوصیات خون دقت می کند، اگر نتوانست تشخیص دهد که خون استحاضه است یا حیض، ابتدا آن را حیض قرار می دهد. اگر بعد از تعداد روزهای عادتش (پنج روز) خون متوقف شد، حیض بوده است ولی اگر ادامه یافت، فهمیده می شود که حیض نبوده و باید اعمالش را قضا کند به جز روزهای یازده و دوازده و سیزده که ایام واریسی بوده و حکمش همان حکم ایام حیض می باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۲)

فصل پنجم: احکام اموات

پنج حکم دارد: ^(۱)

اول: احتضار

واجبات زمان احتضار: رو به قبله قرار دادن میّت، به گونه‌ای که به پشت خوابانده شود و صورت و کف پاهایش رو به قبله باشد، و این کار واجب کفایی ^(۲) است.

مستحبات زمان احتضار: شهادتین و اقرار به پیامبر، امامان و مهدیین (علیهم السلام) و خواندن کلمات فرج ^(۳) به او تلقین شود، به محل نمازش منتقل گردد و اگر مرگش در شب باشد نزد او چراغی گذاشته شود و کسی برای او قرآن بخواند. هنگامی که مُرد، چشمان و دهانش بسته شود و دست‌هایش را در کنار بدنش قرار دهند و با پارچه‌ای او را بپوشانند. هر چه زودتر میّت را تجهیز نمایند، مگر اینکه وضعیتش نامشخص باشد (یعنی نمی‌دانند مرده است یا نه) که برای مطمئن شدن

۱- احتضار، غسل میّت، کفن کردن، نماز میّت و دفن کردن (مترجم)

۲- یعنی اگر یک نفر این کار را انجام دهد، از بقیه ساقط می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و

المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۳)

۳- لا إله إلا الله الحليم الكريم، لا إله إلا الله العلي العظيم، سبحان الله ربّ السّموات السّبع و ربّ الارضين السّبع و ما فيهنّ و ما بينهنّ و ربّ العرش العظيم و الحمد لله ربّ العالمين. (احکام الشریعه بین

السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۳)

از مردن او باید علامات مرگ را واری نمود یا اینکه سه روز صبر کنند.^(۱)

مکروهات: مکروه است بر روی شکمش آهن قرار دهند و اینکه جُنب یا زن حائض نزد او حاضر گردد.

دوم: غسل دادن میت

غسل میت و همچنین کفن کردن، دفن کردن و نماز خواندن بر او واجب کفایی است. سزاوارترین فرد به انجام واجبات میت، نزدیکترین فرد به او از جهت میراث است. اگر نزدیکان میت هم مرد و هم زن باشند، مردان از زنان در انجام امور مربوط به میت سزاوارترند.^(۲)

شوهر نسبت به همسر خود در همه امور از دیگران سزاوارتر است. اگر نزد میت مسلمان هیچ مرد مسلمان یا هیچ زن مسلمان محرمی نباشد، جایز است که کافر او را غسل دهد. همچنین جایز است زن کافر، زن مسلمانی را که نزد او زن مسلمان یا مرد مسلمان محرمی وجود نداشته باشد غسل دهد.

۱- در صورتی که علامات‌های مرگ در او به روشنی پدیدار بود، لازم نیست سه روز صبر کنند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۳)

۲- البته این در صورتی است که در طبقه ارث با هم برابر باشند، اما در غیر این صورت اگر زنی از نظر طبقه ارث به میت نزدیک‌تر بود، از مردی که طبقه‌اش دورتر است، سزاوارتر خواهد بود؛ مانند این که وارثان میت، دختر و برادرش باشند که در این صورت دختر مقدم است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۴)

اگر زن مسلمانی موجود نباشد، مرد باید زنان محرم خود را به همراه لباس غسل دهد و صورت و دست‌ها تا مچ و پاها را تا مچ باز کند. همچنین زن، هنگام غسل دادن مردان محرم خود، تنها بالای ناف و پایین زانوهای میت را می‌تواند آشکار کند.

مرد نمی‌تواند زن نامحرم را غسل دهد، مگر اینکه سن میت زیر سه سال باشد و زن نامحرم نیز نمی‌تواند مرد را غسل دهد مگر این که عمر میت زیر پنج سال باشد؛ که در این دو حالت می‌توان هنگام غسل، تمام بدن میت را آشکار کرد. هر کس شهادتین را بر زبان جاری کند حتی اگر به حق اعتقاد قلبی نداشته نباشد غسل دادنش جایز است، به جز خوارج،^(۱) غلات^(۲) و نواصب.^(۳) شهیدی که در محضر امام و در میدان جنگ کشته شود، غسل و کفن داده نمی‌شود؛ اما باید بر او نماز خواند.^(۴) همچنین کسی که کشتن او واجب است^(۵) قبل از کشته

۱- خوارج نهران و کسانی که شبیه آنان هستند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۱)

۲- آنان که به الوهیت مطلق یکی از مخلوقات معتقد هستند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۱)

۳- کسانی که چه با ائمه و چه با مهدیین علیهم السلام و چه شیعیان آن‌ها دشمنی نمایند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۲۱)

۴- و همچنین لمس بدن سرد او نیاز به غسل مس میت ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۵)

۵- مانند کسی که باید بر او حد، جاری شده و کشته شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۵)

شدنش به او دستور غسل کردن داده شود و دیگر بعد از مرگ غسل داده نمی‌شود.

هنگامی که بخشی از جسد یک میت پیدا شود اگر سینه او در آن باشد یا اینکه فقط سینه میت پیدا شده باشد، باید غسل داده شود، کفن گردد و بر آن نماز گزارده و دفن گردد. اگر این گونه نبود ولی در آن استخوان باشد، باید اجزای یافت شده را غسل داد و آن را در پارچه‌ای پیچید و دفن کرد. همین حکم در مورد جنین سقط شده، اگر روح در او حلول کرده باشد یا اینکه چهار ماه یا بیشتر داشته باشد^(۱) نیز برقرار است.

اما اگر عضو یافت شده استخوان نداشت، فقط در پارچه‌ای پیچیده و دفن گردد؛ این حکم برای جنین سقط شده اگر روح در آن حلول نکرده باشد نیز جاری است.

اگر مرد مسلمانی بمیرد و مرد مسلمان یا مرد کافر و یا زنی از محارمش نزد او نباشد، زن کافر نباید به او نزدیک شود و زن مسلمان نامحرم نیز فقط می‌تواند بر قسمت بالای ناف و زیر زانوهای میت از پس لباس آب بریزد، سپس او را با کافور حنوط کرده،^(۲) دفن نماید.

۱- یعنی غسل داده شده، در پارچه‌ای پیچیده و دفن می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۷۶)

۲- واجب است به مواضع هفت گانه سجده میت (پیشانی و کف دست‌ها و سر زانو‌ها و نوک دو انگشت شست پا)، به هر اندازه که ممکن است، کافور بمالد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۸)

اما اگر زن مسلمان بمیرد، مرد مسلمان نامحرم تنها روی صورت و دو دست او تا مچ و دو پای او تا مچ آب می‌ریزد و با کافور حنوط می‌کند و دفن می‌نماید.

واجبات غسل میت:

در ابتدا باید هرگونه نجاست از بدن میت زدوده شود، سپس میت با آب مخلوط با سدر غسل داده شود؛ یعنی از سر میت آغاز نمایند بعد سمت راست و سپس سمت چپ بدن میت را بشویند.^(۱) کمترین مقدار سدر که در آب مخلوط می‌شود به قدری است که بتوان به آن آب سدر گفت؛ بعد از آن باید با آب مخلوط با کافور،^(۲) میت را به همان کیفیت غسل داد. در مرتبه سوم با آب معمولی - همان طور که برای جنابت غسل می‌شود - باید میت را غسل داد. وضو دادن میت مستحب است و واجب نیست. جایز نیست هیچ‌یک از غسل‌های مذکور کم شود، مگر اینکه ضرورتی وجود داشته باشد.^(۳) در صورتی که سدر و کافور موجود نباشد، میت را یک بار با آب معمولی غسل می‌دهند، ولی سه بار غسل دادن میت بهتر است.

۱- ترتیب بین سمت چپ و راست بدن واجب نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۶)

۲- کمترین مقدار کافوری که در آب مخلوط می‌شود نیز به قدری است که بتوان به آن آب کافور گفت. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۸)

۳- مانند زمانی که آب موجود نداشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۷)

اگر به دلیلی مانند سوختگی یا بیماری آبله و... احتمال داده شود که پوست مُرده هنگام غسل متلاشی شود، باید مانند زنده ناتوان از وضو و غسل، او را با خاک تیمّم داد.

مستحبات غسل میّت:

مستحب است که میّت را روی تخته چوبی^(۱) رو به قبله و در سایه غسل دهند. برای آب غسل میّت گودالی حفر کنند. فرستادن آب غسل به چاه توالت مکروه است، اما فرستادنش به فاضلاب اشکالی ندارد. شکافتن لباس و خارج کردن آن از قسمت پایین بدن و ستر عورت میّت و نرم کردن انگشتانش نیز مستحب است؛ همچنین مستحب است قبل از غسل، سر میّت را با کف سدر،^(۲) و فرج میّت با سدر و اشنان (نوعی گیاه) یا صابون بدون عطر شسته شود و نیز مستحب است دستانش را قبل از غسل بشویند.

مستحب است غسل را از نیمه راست سر شروع نماید و هر عضو را در هر غسل سه بار بشوید. در دو غسل اول سه بار بر شکم میّت دست کشیده شود، مگر اینکه مُرده، زن باردار باشد.

غسل دهنده در سمت راست میّت قرار بگیرد و با هر بار غسل دادن دست‌های

۱- چوبی که از درخت ساج گرفته می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول،

طهارت: ص ۷۷)

۲- کفی که هنگام مخلوط کردن آب و سدر روی آن جمع می‌شود و می‌ایستد. (احکام الشریعه بین

السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص: ۷۷)

خود را بشوید، سپس بدن میّت را بعد از اتمام غسل با پارچه‌ای خشک کند.

مکروه است:

هنگام غسل، میّت را میان پاهای خود قرار دهد، یا او را بنشانند؛ همچنین چیدن ناخن و شانه کردن موی سر میّت، و اینکه شخص مخالف را غسل دهد، اما اگر مجبور شد به شیوه آنان غسل دهد.

سوم: کفن کردن میّت

واجب است میّت در سه قطعه پارچه کفن شود. میّز،^(۱) قمیص^(۲) و إزار.^(۳) در صورت اضطرار، یک قطعه کفایت می‌کند. کفن کردن میّت با حریر جایز نیست.

واجب است بر مساجد (مواضع هفتگانه سجود) میّت به قدر امکان کافور مالیده شود، مگر اینکه میّت مُحَرَّم (در احرام حج) باشد که در این صورت نباید کافور بر بدن او مالید. کمترین مقدار کافور، یک درهم است و بهتر آن است که چهار درهم باشد و کامل‌ترین مقدار کافور سیزده و یک سوم درهم است. در هنگام ضرورت، میّت بدون کافور دفن می‌گردد و استعمال بوی خوش جز با کافور یا ذریره (گیاهی خوشبو) جایز نیست.

۱- یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو. (مترجم)

۲- یک قطعه برای پوشاندن تن. (مترجم)

۳- یک قطعه برای کل بدن. (مترجم)

مستحبات کفن کردن:

مستحب است غسل دهنده میّت قبل از کفن کردن، غسل کند یا وضو بگیرد. به کفن مرد، یک حبرهٔ عبری (نوعی پارچه یمانی بلند که میّت را کاملاً می پوشاند) که زربافت نباشد اضافه نماید، همچنین پارچه‌ای برای بستن ران‌ها که طول آن سه ذراع و نیم^(۱) و عرض آن تقریباً یک وجب باشد، قرار دهد و دو طرف آن را محکم از بالای مثانه ببندد و بعد از قرار دادن مقداری پنبه میان باسن میت، مابقی پارچه را دور ران‌های او محکم ببیچد، و اگر احتمال خروج چیزی از مقعد میّت را می دهد می تواند در مقعد او نیز مقداری پنبه قرار دهد.

می توان پارچه‌ای را به عنوان سر بند و عمامه به کفن مرد افزود به گونه‌ای که پارچه را دور سر ببیچند، بعد دو طرف آن را از زیر چانه رد کرده و روی سینه قرار دهند.

می توان به کفن زن، پارچه‌ای برای بستن پستان‌هایش و یک پارچهٔ بزرگ سرتاسری اضافه کرد و به جای عمامه نیز می توان برای زن روبند اضافه کرد.

مستحب است که کفن از پنبه باشد، و روی حبره و قمیص (پیراهن) و لفافه (که دور میّت پیچیده می شود) ذریره (گیاه معطر) ریخته شود. حبره روی لفافه و قمیص زیر آن باشد، و نوشتن نام میّت و اینکه او به شهادتین اقرار کرده بر روی حبره و قمیص و ازار (قطعه بالایی کفن) و قرار دادن دو ساقهٔ نخل همراه او مستحب است. اگر نام ائمه و مهدیین علیهم السلام و تعدادشان را از ابتدا تا انتها بنویسد

۱- ذراع: طول آرنج تا نوک انگشت دست. (مترجم)

خوب است و صاحبش که به واسطه او مسلمان به شمار می‌آید و از اهل جاهلیت نیست را ذکر کند، و این نوشته‌ها با تربت حسین (علیه السلام) و در صورت موجود نبودن آن با انگشت انجام شود.^(۱) در صورت نداشتن حبره، از پارچه دیگری استفاده شود. برای بستن کفن از خود کفن، ریسمان و بند درست کنند. نباید بندهای کفن (هنگام بستن) با آب دهان آغشته شود. همراه میّت دو شاخه نخل و اگر نبود از درخت سدر و اگر نبود دو شاخه متفاوت (یعنی یکی سدر و دیگری نخل) و اگر نبود از درخت سبز دیگری قرار دهند؛ به این صورت که در سمت راست مُرده، شاخه را به ترقوه بچسباند، طوری که با پوست بدن میّت تماس داشته باشد و دیگری را در سمت چپ بین پیراهن و ازار (قطعه بالایی کفن) قرار دهد. مستحب است که کافور را با دست خُرد کنند و باقی‌مانده کافور از محل سجده‌هایش بعد از حنوط را بر سینه میّت قرار دهد. مستحب است قسمت چپ لفافه را به طرف راست و سمت راستش را به طرف چپ بپیچند.

مکروه است:

که کفن از کتان باشد، و اینکه برای کفن‌های آماده، آستین درست شود.^(۲) و یا با رنگ مشکلی چیزی روی کفن بنویسد و اینکه در گوش و چشم مرده کافور

۱- نوشتن دعای جوشن بر کفن با زعفران مستحب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۷۹)

۲- این کراهت مختص کفنی است که تازه برای او درست کرده‌اند و اگر مثلاً او را در لباس خودش که دارای آستین است کفن کنند کراهت ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۸۰)

بریزد.

مسائل سه گانه:

اول: اگر از میت بعد از غسل و کفن نجاستی خارج شود، اگر با بدن یا کفن تماس یافت باید با آب شسته شود، و اگر بعد از گذاشتن میت در قبر از او نجاست خارج شود کافی است همان قسمت نجس شده را بیرون آورد (و نیاز به شستن ندارد).

دوم: بهای کفن زن بر عهده شوهر است حتی اگر زن اموالی داشته باشد؛ اما بیش از واجبات کفن بر مرد لازم نیست. بهای کفن مرد نیز باید از اصل مال او قبل از دادن بدهی‌ها و وصیت‌هایش برداشته شود. اگر مرده مالی نداشته باشد که با آن کفن تهیه نماید نمی‌توان او را به صورت عریان دفن کرد و بر مسلمانان واجب است تا برای او کفن تهیه کنند و مستحب است که سدر و کافور و سایر چیزهایی که نیاز دارد را نیز آنان تهیه کنند.

سوم: اگر مو یا چیزی از بدن میت بیفتد واجب است که همراه میت در کفن گذارده شود.

چهارم: در احکام دفن کردن و در خاک قرار دادن^(۱)

این کار مقدماتی دارد که همه مستحب هستند:

تشیع کنندگان پشت جنازه یا در کنار آن حرکت کنند؛ و چهار فرد، میت را حمل کنند؛ به گونه‌ای که ابتدا، سمت راست جلوی جنازه را بگیرند؛ سپس از پشتش، به سوی چپ برود. سایر مؤمنان را از مرگ مؤمن با خبر کنند و کسی که جنازه را می‌بیند بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ»؛ (سپاس خداوند را که مرا جزو سیاهی نابودشده قرار نداد). میتِ مرد را هنگام رسیدن به قبر، سمت پایین پای قبر بر زمین بگذارند و زن را در جانب قبله بگذارند و جنازه را در سه مرحله وارد قبر کنند. مرد را از سمت سر وارد قبر کنند و زن را از عرض بدن، و کسی که جنازه را در قبر قرار می‌دهد پابرهنه و سربرهنه باشد و دکه‌هایش را باز کند.

مکروه است که این کار را یکی از نزدیکان میت انجام دهد مگر اینکه مرده زن باشد که همسر یا یکی از محارم او جنازه‌اش را وارد قبر می‌کند. مستحب است هنگام گذاشتن میت در قبر دعا کند. دفن کردن دارای واجبات و مستحباتی می‌باشد.

واجبات تدفین:

میت را در صورت امکان در زمین خاک کنند. اگر در دریا بود و نمی‌شد او

۱- چهارمین واجب، نماز میت است که در کتاب نماز توضیح داده می‌شود. (مترجم)

را به خشکی رساند یا باید مرده را سنگین کرد و یا او را در ظرفی مناسب و سنگین (که روی آب نمی‌ایستد) گذاشت و آن را به دریا انداخت. میت را رو به قبله و بر پهلوئی راست بخواباند، مگر اینکه میت زنی غیرمسلمان باشد که از مسلمانی باردار شده باشد و بمیرد که باید پشت به قبله در قبر گذارده شود.^(۱)

مستحبات تدفین:

مستحب است که عمق قبر به اندازه قد یک انسان یا تا شانه او باشد، و برای قبر از جانب قبله لحد قرار دهد. گره‌های کفن را از طرف سر و پاهایش باز کند، و همراه با او مقداری از تربت امام حسین (علیه السلام) قرار دهد، و او را تلقین دهد و برایش دعا کند،^(۲) سپس روی لحد میت را با خشت گلی ببندد و گل بگیرد. از سمت پاهای میت از قبر خارج شود و حاضرین درحالی که با پشت دست‌ها خاک را در قبر می‌ریزند، بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». قبر را به ارتفاع چهار انگشت از سطح زمین بالا بیاورند^(۳) و خاک اطراف قبر را به صورت چهار گوش

۱- تا جنین رو به قبله قرار گیرد. (مترجم)

۲- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: هنگامی که میت را در قبر قرار دادی بگو: بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله؛ و آیت الکرسی را بخوان و با دستت به شانه راست او بزنی و بگو، ای فلانی بگو رَضِيتُ بالله رباً و بالإسلام ديناً و بمحمد رسولاً و بعلي إماماً و امام زمانش را نام ببر. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۸۶)

۳- بلند کردن ارتفاع قبر بیش از این مقدار مکروه است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۸۶)

۷۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

در بیاورند، و از سمت سر میت شروع به آب ریختن کنند و دور تا دور قبر را آب بریزند و اگر چیزی از آب باقی ماند بر وسط قبر بریزند. دست بر قبر بگذارند و بر مرده طلب رحمت کنند و ولی میت بعد از رفتن مردم از کنار قبر با بلندترین صدا دوباره او را تلقین دهد.

«تعزیه» (تسلیت گفتن) مستحب است و چه قبل از تدفین و چه بعد از آن جایز است؛ و کمترین مقدار آن این است که صاحب عزا او را ببیند.^(۱)

مکروه است:

که قبر را با ساج (چوب) فرش کنند مگر در صورت ضرورت. نزدیکان میت هنگام دفن، خاک را بر جنازه بریزند. تجدید بنای قبر و گچ کاری و دفن دو مرده (به صورت طبقاتی) در یک قبر و منتقل کردن مرده از شهری به شهر دیگر مکروه است مگر به یکی از مشاهد مشرفه. تکیه کردن یا عبور از روی قبر نیز مکروه است.

پنجم: ملحقات تدفین

چهار مسئله:

اول: نبش قبر و منتقل کردن میت بعد از دفن^(۲) و گریبان چاک

۱- پوشیدن لباس سیاه اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص

۲- تشریح جنازه میت حرام است مگر این که شک داشته باشند که دارای بیماری بوده است که مؤمنین را تهدید می کند. تشریح جنازه برای آموزش، بدون اجازه پیشین از میت، حرام است. (احکام

کردن در مرگ بر غیر از پدر و برادر جایز نیست.^(۱)

دوم: شهید با لباس‌هایش دفن می‌شود ولی پوستین و کفش‌های او، چه به خون آغشته باشد و چه نباشد، باید از او جدا شود. فرقی نمی‌کند که شهید با آهن کشته شده باشد یا چیز دیگری.

سوم: کودک و دیوانه اگر شهید شوند حکم [شهید] بالغ عاقل را دارند.

چهارم: اگر جنین در شکم مادر بمیرد باید او را جدا و خارج نمود. اگر زن باردار بمیرد ولی جنین زنده باشد باید سمت چپ شکم زن را شکافت و بعد از خارج کردن جنین، محل شکاف دوخته شود.^(۲)

غسل‌های مستحب:

الشريعة بين السائل والمجيب جزء اول، طهارت: ص ۸۷)

۱- نوحه و لطمه زدن اشکالی ندارد و قرمز شدن سینه یا صورت به سبب آن اگر دارای ضرر اذیت‌کننده نباشد اشکالی ندارد، اما بعضی از افعال خاص مانند این که مرد در مرگ پسر یا زنش پیراهنش را پاره کند، و این که زن، صورتش را ناخن بکشد و موهایش را بکند اشکال دارد و کسی که آن‌ها را انجام دهد باید کفاره بدهد. (احکام الشريعة بين السائل والمجيب جزء اول، طهارت: ص ۸۸)

۲- اهدای عضو از انسان زنده به انسان زنده جایز است ولی فروش آن حرام است. همچنین اهدای عضو از مُرده به زنده با اجازه ولیّ میت مؤمن (اگر پدر یا مادر یا پسر یا دختر میت باشد) جایز است. (احکام الشريعة بين السائل والمجيب جزء اول، طهارت: ص ۸۹)

غسل‌های مستحب که (از جمله آنها) سی غسل هستند:
هفده غسل برای زمان‌های خاص است:

غسل روز جمعه:

که وقت آن از طلوع فجر تا زوال خورشید (اذان ظهر) است^(۱) و هرچه به زوال نزدیک‌تر باشد بهتر است. می‌توان به دلیل ترس از نداشتن آب، در روز پنج‌شنبه نیز این غسل را انجام داد و یا این که تا بعد از زوال جمعه انجام آن را به تأخیر انداخت و یا قضای آن شنبه به‌جا آورده شود.^(۲)

شش غسل در ماه رمضان:

شب اول و شب نیمه ماه و شب هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم ماه و شب عید فطر.

روز عید فطر و قربان، روز عرفه، شب نیمه ماه رجب، روز بیست و هفتم ماه رجب، شب نیمه شعبان، روز عید غدیر، روز مباحله و روز ترویجه.^(۳)

هشت غسل که به دلیل انجام برخی از اعمال، مستحب می‌گردند:

۲- زن حائض نیز می‌تواند این غسل را انجام دهد و از ثواب آن مانند ذکر خدا بهره‌برد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۹۰)

۲- تمام غسل‌های مستحبی از وضو کفایت می‌کنند، حتی غسل جمعه‌ای که پیش از وقت و یا بعد از آن در روز شنبه انجام شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۹۰)

۳- هشتم ذی‌حجه (مترجم)

غسل احرام و غسل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، غسل کسی که بخواهد نماز کسوف (و آیات) را قضا کند، در صورتی که در انجام به موقع آن کوتاهی کرده باشد، غسل توبه^(۱) چه از گناه^(۲) باشد چه از کفر، و غسل نماز حاجت، نماز استخاره و نماز طلب باران.

پنج غسل هم به دلیل حضور در مکانی خاص مستحب می شود: غسل وارد شدن به محدوده حرم، ورود به مسجد الحرام، کعبه، مدینه و مسجد النبی صلی الله علیه و آله.

چهار مسئله:

اول: غسلی که به دلیل اعمال و مکان های خاص مستحب می شود، بر آن دو عمل مقدم می باشد. غسلی که به دلیل زمان خاص مستحب می گردد، بعد از ورود در آن وقت انجام می شود.

دوم: اگر چند غسل مستحب با هم جمع شوند، تنها یک غسل به قصد قربت کفایت می کند.

سوم و چهارم: کسی که از روی عمد برود تا به دار آویخته شدن کسی را ببیند، مستحب است بعد از سه روز غسل کند. غسل دادن نوزاد نیز

۱- البته بر هر کس که به حق ایمان می آورد واجب است که به نیت توبه، غسل نماید. در بقیه موارد، غسل توبه مستحب است. کسی که در حال حیض ایمان می آورد می تواند در همان حال غسل کند، هر چند اگر بعد از پاک شدن، غسل را تکرار کند یا این که همراه با غسل حیض آن را نیز در نیت داشته باشد بهتر است. اگر کسی ایمان بیاورد و غسل توبه را به جا نیاورده باشد، عباداتش صحیح است ولی واجب است آن را به جا آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۹۱)

مستحب است.

تمام این غسل‌ها جایگزین وضو نیز هستند. بهتر است هنگام غسل و بعد از آن اسم خداوند را یاد کند و بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین الطّیّبین الطّاهرین و طهّر قلبی من الشّکّ و الشّرك و الظُّلمة و الخبائث».

بخش سوم: طهارت با خاک (تیمم)

این بخش چهار قسمت دارد:

قسمت اول: جاهایی که تیمم صحیح است

این قسمت شامل چند مورد است:

اول: نبود آب

در این صورت واجب است که اگر زمین هموار باشد، در هریک از چهار جهت، هزار متر (یک کیلومتر) و اگر زمین ناهموار باشد، پانصد متر به دنبال آب برود. اگر در جست و جوی آب کوتاهی کرد، تا وقت نماز تنگ شود خطا کرده، ولی تیمم و نماز او صحیح است. فرقی نمی کند که اصلاً آب موجود نباشد یا اینکه مقدار آب برای طهارت (وضو یا غسل) کافی نباشد.

دوم: عدم دسترسی به آب

هرکس پولی برای خرید آب نداشته باشد مانند کسی است که به آب دسترسی ندارد. اگر آب به قیمتی یافت شود که در حال حاضر به ضرر او باشد

نیز به همین صورت است؛ اما اگر تهیه آب به ضرر او نباشد، باید آن را بخرد، حتی اگر قیمت آن چندین برابر قیمت معمولش باشد؛ همچنین این حکم در مورد وسایل استخراج آب نیز برقرار است.

سوم: ترس

در جایز بودن تیمم به دلیل ترس، فرقی میان ترس از دزد یا حیوان درنده و یا نابود شدن مال نیست. همچنین ترس از بیماری شدید یا پاره شدن و ترک خوردن پوست و التهاب آن به سبب سرمای شدید آب، تیمم را مجاز می‌کند. اگر فقط مقداری آب برای نوشیدن به همراه داشته باشد و در صورت استفاده از آب برای طهارت، از تشنگی بترسد، تیمم جایز است.

قسمت دوم: آنچه تیمم با آن صحیح است

تیمم بر هر چیزی که نام زمین به آن اطلاق شود، صحیح است. تیمم با مواد معدنی، خاکستر، گیاهان پودر شده مانند اشنان (گیاهی معطر) و آرد جایز نیست. تیمم کردن با خاک زمین، نوره،^(۱) گچ، خاک قبر و خاکی که برای تیمم استفاده شده، جایز است. تیمم کردن بر خاک غصبی و نجس صحیح نیست. همچنین در صورت وجود خاک، تیمم با لجن^(۲) صحیح نیست. در صورتی که

۱- در زبان عامیانه «موبر» یا داروی نظافت نیز نامیده می‌شود. (مترجم)

۲- با خاکی که اندکی قطره‌های آب بر آن ریخته شده باشد می‌شود تیمم کرد و خشک بودن آن شرط نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء اول، طهارت: ص ۹۴)

خاک با مواد معدنی مخلوط شده باشد، اگر خاک غالب باشد جایز است و گرنه جایز نیست.

تیمم بر شوره‌زار و شنزار مکروه است. مستحب است که بر بلندی‌های زمین تیمم نماید.

در صورت نبود خاک، می‌تواند بر غبار لباس و یا خاک جلوی زین اسب و یا غبار روی یال مرکبش تیمم نماید، و در صورت نبود این‌ها می‌توان بر لجن تیمم کرد.^(۱)

قسمت سوم: چگونگی تیمم

تیمم قبل از داخل شدن در وقت، صحیح نیست و با تنگ شدن وقت، صحیح می‌باشد؛ و با وجود زیاد بودن وقت، صحیح نیست، مگر در حالتی که از طهارت با آب ناامید شده باشد، مانند بیماری که آب برایش ضرر دارد.

واجبات تیمم:

نیت^(۲) و تداوم آن تا پایان انجام عمل؛ و ترتیب: یعنی باید دست‌ها را بر زمین

۱- در شرایط اضطرار می‌شود بر کاشی که غباری بر آن نیست تیمم کرد. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء اول، طهارت: ص ۹۵)

۲- در نیت باید توجه داشته باشد که تیمم بدل از وضو انجام می‌دهد یا غسل. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء اول، طهارت: ص ۹۵)

بگذارد، سپس از محل رویش موی پیشانی تا نوک بینی، دست‌ها را بر صورت بکشد، سپس دوباره دست‌ها را بر زمین بگذارد و پشت دست‌ها را با خاک مسح کند.

هم در تیمّم بدل از وضو و هم در تیمّم بدل از غسل، باید دو بار دست‌ها را بر زمین بزند یکی برای مسح صورت و یکی برای مسح دست‌ها. اگر دست‌هایش از مچ قطع شده باشد، مسح دست‌ها ساقط می‌شود و باید فقط پیشانی را مسح کند، ولی اگر مقداری از دست قطع شده باشد، باید باقی‌مانده دست را مسح نماید.

اعضایی که باید در تیمّم مسح گردند، باید کاملاً مسح شوند، در غیر این صورت، تیمّم صحیح نیست.

(مستحبات تیمّم):

مستحب است که دست‌ها را بعد از زدن بر زمین بتکاند. اگر تیمّم کند و بر بدنش نجاستی باشد ^(۱) تیمّم صحیح است، همان‌گونه که اگر وضو بگیرد و بر بدن نجاستی باشد وضو صحیح است؛ اما در صحت تیمّم، تنگی وقت باید در نظر گرفته شود. ^(۲)

۱- در تیمّم، طهارت اعضای تیمّم (پیشانی و دست‌ها) شرط است. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء اول، طهارت: ص ۹۶)

۲- به این معنی که در صحت تیمّم شرط است که وقت تنگ باشد و یا این‌که بعد از داخل شدن وقت نماز از یافتن آب تا انتهای وقت، ناامید باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء اول، طهارت: ص ۹۶)

قسمت چهارم: احکام تیمم

که ده مورد است:

اول: کسی که با تیمم نماز می خواند لازم نیست نمازش را تکرار کند، چه در سفر باشد و چه در شهر خود.

دوم: جست و جوی آب بر او واجب است؛ اگر در جست و جوی آب کوتاهی کند و با تیمم نماز بخواند بعد نزد خود و یا همراهانش آب بیابد، باید وضو بگیرد و نمازش را دوباره بخواند.

سوم: اگر به دلیل مقید یا زندانی بودن در مکانی نجس، به آب و یا چیزی که بر آن تیمم صحیح باشد دسترسی نداشت، نماز واجب از وی ساقط می شود چه ادا باشد و چه قضا؛ و به جای آن باید در زمان نماز واجب، دعا نماید.

چهارم: اگر فرد قبل از ورود به نماز آب بیابد باید وضو بگیرد؛ و اگر بعد از اتمام نماز آب بیابد لازم نیست نماز را دوباره بخواند. اگر به نماز ایستاد و آب یافت، اگر توانست بدون قطع نماز وضو بگیرد، باید این کار را انجام دهد و نماز را کامل کند، اما اگر نتوانست، باید نماز را با همان تیمم به پایان برساند، حتی اگر فقط تکبیرة الاحرام را گفته باشد.^(۱)

۱- اگر کسی به این گمان که زمان کافی برای غسل و نماز ندارد، تیمم کند و نمازش را بخواند، بعد بفهمد برای آن وقت داشته است، غسل می کند و دوباره نماز را می خواند. (احکام الشریعه بین

پنجم: هر عملی که با طهارت با آب (وضو و غسل) مجاز می‌شود، با تیمم بدل از آن دو نیز مجاز می‌گردد.

ششم: اگر یک میّت و کسی که حدّی از او سرزده و کسی که جنب شده است درجایی باهم باشند و آب موجود فقط یکی از آنها را کفایت کند، اگر آب مال یکی از آنها باشد به او اختصاص می‌یابد، اما اگر آب مال همه آنها باشد و یا مالکی نداشته باشد و یا اینکه مالکش آن را بخشیده باشد، بهتر است که آب را به میّت اختصاص دهند.

هفتم: شخص جُنب اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، بعد حدّی^(۱) از او سر بزند، اگر نتواند وضو بگیرد باید به جای وضو نیز تیمم کند.

هشتم: اگر فرد بتواند از آب استفاده کند تیممش نقض می‌گردد، ولی اگر دوباره آب را از دست دهد، نیاز دارد که مجدداً تیمم کند. با تمام شدن وقت عبادت تا زمانی که از فرد حدّی سر نزند یا تا زمانی که آب نیافته است، تیممش باقی خواهد بود.

نهم: اگر کسی بعضی از اعضایش بیمار باشد و نتواند آنها را با آب بشوید و یا مسح کند، می‌تواند تیمم کند و صحیح نیست که بخشی از وضو و بخشی از تیمم را به جا آورد.

دهم: می‌توان برای نماز میّت با وجود آب به نیت استحباب تیمم نمود، ولی اقامه دیگر نمازها با این تیمم ممکن نیست.

السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص ۹۸)

۱- کاری که وضو را باطل می‌کند. (مترجم)

بخش چهارم: نجاسات و احکام آن‌ها

سخنی درباره نجاسات:

نجاسات ده نوع است:

اول و دوم: ادرار و مدفوع^(۱)

ادرار و مدفوع هر حرام گوشتی که خون جهنده داشته باشد نجس است، فرقی ندارد که ذاتاً حرام گوشت باشد، مانند شیر و پلنگ و یا اینکه این صفت بر او عارض شده باشد، مانند حیوان نجاست خوار. فضله و ادرار حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است.

سوم: منی

منی همه حیوانات^(۲) نجس است، چه حرام گوشت باشند و چه حلال گوشت؛

۱- بول مصنوعی که در آزمایشگاه‌ها ساخته می‌شود، نجس نیست. (احکام الشریعه بین السائل و

المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۰)

۲- مقصود، همه حیواناتی است که خون جهنده دارند، مثل انسان، قاطر و... (مترجم)

و منی حیوانی که خون جهنده ندارد^(۱) پاک است.

چهارم: مُردار

فقط مردار هر موجودی که خون جهنده دارد نجس است، و هر عضوی از حیوانی که مردارش نجس باشد قطع شود -چه حیوان زنده باشد و چه مرده- آن عضو نجس خواهد بود.^(۲) عضوی که دارای روح نیست -مانند استخوان و مو- پاک است، مگر آنکه عین نجاست باشد، مانند سگ، خوک و کافر.

کسی که جسم انسان مرده‌ای را بعد از سرد شدن و قبل از تطهیر (غسل دادن یا تیمم دادن میت) لمس کند، غسل بر او واجب می‌گردد؛ همچنین اگر به عضوی از او که دارای استخوان است (و قطع شده باشد) دست بزند، غسل بر او واجب می‌گردد. کسی که با دست مرطوب، قطعه‌ای که در آن استخوان نباشد و یا مرداری که خون جهنده داشته باشد و انسان نباشد را لمس کند، واجب است دستش را بشوید.^(۳)

پنجم: خون‌ها

۱- مثل ماهی، افعی و... (مترجم)

۲- قطعه‌های کوچک پوست مانند پوست اطراف ناخن یا غیر آن که از انسان زنده گاهی به دلیل زخم یا غیر آن کنده می‌شود پاک است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۲)

۳- غسل بر او واجب نمی‌شود و شستن دست کفایت می‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۲)

فقط خون حیواناتی که دارای رگ هستند نجس است، اما حیوانی که خون جهنده نداشته باشد -مانند ماهی و شبیه آن- خونش نجس نیست.^(۱)

ششم هفته: سگ و خوک (گرانز)

هم جسم و هم آب دهان سگ و خوک، نجس است. اگر سگ با حیوان دیگری آمیزش کند، در اینکه بچه به وجود آمده احکام سگ را دارد یا خیر باید به اطلاق اسم او مراجعه کرد.^(۲) غیر از این دو حیوان، سایر حیوانات نجس نیستند. روباه، خرگوش، موش و مارمولک، همه پاک هستند؛ و اما آب قلیلی که موش یا موش صحرائی یا مارمولک در آن افتاده باشد و آب قلیلی که مارمولک یا عقرب یا مار در آن مرده باشد، برای خوردن و طهارت استفاده نمی شود.

۱- اگر خون خشک شود و رنگش سیاه شود، باز هم نجس است، ولی اگر استحاله شود و هم رنگ پوست شود، یعنی تبدیل به آن شود، نجس نیست؛ و خونی که در دهان یا گوش یا بینی باشد نیز نجس است و بلعیدن خونی که در دهان وجود دارد، جایز نیست و می توان دهان را با آب و یا بدون آب (با بیرون انداختن خون از دهان به گونه ای که اثر باقی مانده از خون در آب دهان مستهلک شود) تطهیر کرد. و همچنین خونی که در تخم مرغ یا در تخم هر حیوان دارای خون جهنده، وجود دارد، نجس است و خوردن آن حرام است. اگر کافر یا ناصبی، تبرعاً و مَجَاناً به مسلمان خون بدهد، اشکالی ندارد. رنگی که بعد از تطهیر خون یا مدفوع بر لباس باقی می ماند نجس نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المعجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۳)

۲- یعنی اگر به او سگ گفته می شود نجس است و گرنه نجس نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المعجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۳)

هشتم: مست‌کننده‌ها

همه مایعاتِ مست‌کننده ^(۱) نجس هستند. ^(۲)

آب انگور اگر بجوشد و غلیظ شود حتی اگر مست‌کننده نباشد نجس است ^(۳) و با از بین رفتن دوسوم آن بر اثر جوشیدن پاک می‌شود.

۱- اما جامدات مانند حشیش، نجس نیستند، گرچه حرام‌اند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص ۱۰۴)

۲- استفاده از مسکرات برای استفاده‌های پزشکی و صنعتی جایز است؛ و چون در این حالت به نیت استفاده در پزشکی یا صنعت ساخته شده، نجس نمی‌باشند. همچنین استفاده از الکل برای استفاده‌های پزشکی یا صنعتی یا استفاده در کرم و عطر اشکالی ندارد و نجس نیست. اگر پزشک دارویی تجویز کند که در آن، درصدی الکل صنعتی وجود دارد و خوردن آن اگر مست‌کننده نباشد و الکل از آن چیزی که اهل فسق برای مست شدن می‌خورند نباشد، اشکالی ندارد. استفاده از مقدار کمی مواد مخدر برای ساخت دارو و همچنین خوردن آن برای بیمار طبق تجویز و دستور پزشک به لحاظ مقدار و تعداد دفعات مصرف، جایز است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۵)

۳- اما بخار آن پاک است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۴)

نهم: فقاغ (آب جو) ^(۱)

دهم: کافر

قاعده‌اش از نظر نجس بودن به شرح زیر است: هر کسی که وجود خداوند را انکار کند (نه اینکه موضع نمی‌دانم یا لادری‌گری را اتخاذ کرده باشد) نجس است. فرد ناصبی که دشمن یکی از امامان یا مهدیین یا شیعیان‌شان - از آن رو که شیعه آن‌ها هستند - باشد نیز همین حکم را دارد. سایر مردم به خودی خود نجس نیستند و تنها نجاست بر آن‌ها عارض می‌شود (به طریقی بدنشان نجس شود) و در ظاهر به پاک‌بودنشان حکم می‌شود؛ و در نتیجه در صورتی که با وجود رطوبتی که سرایت داده می‌شود لمس شوند به پاک‌بودن حکم می‌گردد و به پاک‌بودن خوردن از غذایشان نیز حکم می‌شود، مگر آنچه باید تذکیه (ذبح) شرعی شود یا آنچه از اصل و اساس خوردنش حرام باشد.

۱- نوعی نوشیدنی است که از جو گرفته می‌شود و حرام و نجس است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب، جزء اول، طهارت: ص ۱۰۵)

ماء‌الشعیر یا آب‌جویی که اکنون موجود است، اگر قبل از تخمیر شدن، خیساندن جو تمام‌شده باشد و جو را از آب خارج کرده باشند، حلال است و گرنه نجس و حرام است و نمی‌توان به این دلیل که در کشور اسلامی ساخته شده است، به حلال بودن آن حکم کرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۵)

مکروهات^(۱)

ادرار قاطر، الاغ و جانداران اهلی، و عرق فرد جُنُب از حرام،^(۲) و عرق شتر نجاست خوار، حیوان‌های مسخ‌شده (مانند میمون و مارمولک) و فضلۀ مرغ، مکروه هستند.

سخنی در احکام نجاسات:

واجب است قبل از نماز و طواف و وارد شدن به مساجد، نجاست از بدن و لباس برطرف گردد؛ همچنین قبل از استعمال ظروف، واجب است نجاست از آن‌ها زایل گردد.

در لباس و بدن، آنچه اجتناب از آن ممکن نباشد، مانند خون زخمی که بند نمی‌آید حتی اگر زیاد باشد، بخشیده شده است،^(۳) همچنین اگر قُطر لکۀ خونی کمتر از یک سانتی‌متر باشد (غیر از خون‌های سه‌گانه حیض، نفاس و استحاضه)، تطهیرش لازم نیست، و تطهیر بیش از این مقدار خون، واجب است، چه در یکجا جمع شده و چه متفرق باشد.

اگر در لباسی که با آن به تنهایی نمی‌شود نماز خواند (پوشاننده نیست)^(۴)

۱- مکروه در اینجا یعنی بهتر است از این موارد اجتناب شود، هرچند نجس نیستند. (مترجم)

۲- جُنُب از حرام به فردی اطلاق می‌شود که بر اثر انجام کاری حرام جنب شده باشد. (مترجم)

۳- تطهیرش واجب نیست. (مترجم)

۴- مانند دستکش، جوراب، عرقچین و... (مترجم)

نجاستی باشد که در غیر آن لباس بخشیده شده نیست،^(۱) نماز با آن جایز است. در هنگام شستن محل نجاست باید لباس را فشار داد تا نجاست از آن جدا گردد^(۲) مگر در ادرار طفل شیرخوار، که فقط ریختن آب روی آن کفایت می‌کند. هنگامی که محل نجاست معلوم باشد باید شسته شود و هنگامی که محل نجاست معلوم نباشد هرجایی که گمان شود نجس است باید شسته شود. لباس و بدن برای پاک شدن از ادرار باید دو بار با آب شسته شود. اگر لباس انسان درحالی که مرطوب است با بدن سگ و خوک و کافر تماس پیدا کند، شستن محل تماس واجب است؛ و اگر خشک بود، پاشیدن آب بر محل تماس مستحب است؛ و اگر بدن انسان درحالی که مرطوب است با بدن سگ و خوک و کافر تماس حاصل کرد باید شسته شود. اگر نمازگزار در پاک کردن نجاست از لباس یا بدن خود کوتاهی کند [و نماز بخواند]، چه در وقت نماز و چه در خارج از وقت [به یاد آورد که لباس یا بدنش نجس بوده است]، باید نماز را تکرار کند؛ اما اگر قبل از نماز نمی‌دانسته که لباسش نجس شده و نماز بخواند و بعد بفهمد که قبل از نماز لباس او نجس بوده است، لازم نیست نمازش را دوباره بخواند، چه در وقت بفهمد و چه در

۱- مثلاً بیش از یک سانتی‌متر خون یا چیزی غیر از خون باشد. (مترجم)

۲- اگر این فشار دادن در آب نیز انجام شود، کفایت می‌کند. همچنین در ماشین‌های لباسشویی که با گرداندن، آب از لباس خارج می‌گردد، نیازی به دخالت دست نیست، و لباس‌ها با چرخش ماشین لباسشویی و درحالی که شیر آب داخل آن باز است، پاک می‌شوند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۸)

خارج وقت. اگر در حال نماز خواندن، نجاستی را در لباسش مشاهده کرد، اگر می‌تواند آن لباس را بیرون بیاورد و عورتش را با لباس دیگر بپوشاند باید لباس را درآورد و نماز را تمام کند، و اگر جز با باطل کردن نماز نمی‌تواند لباس را در بیاورد نماز را از ابتدا بخواند.

زنی که از نوزاد مراقبت می‌کند، اگر فقط یک لباس داشته باشد باید هر روز یک بار آن لباس را آب بکشد، و اگر این کار را قبل از نماز ظهر انجام دهد بهتر است تا بتواند نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را با لباس پاک بخواند.

اگر نمازگزار دو لباس دارد که یکی از آنها نجس است، اما نمی‌داند کدام لباس نجس و کدام یک پاک است، با هر کدام از آن دو، یک بار نماز بخواند.^(۱) اگر لباس‌های فراوانی داشته باشد و فقط یکی پاک باشد و نداند کدام یک پاک است نیز باید با هر کدام جداگانه نماز بخواند، مگر هنگام تنگی وقت که در این حال اگر در آن محل کسی غیر از او نباشد، باید عریان نماز بخواند و اگر این کار ممکن نباشد با همان لباس نجس نماز بخواند و لازم نیست نماز را تکرار کند.

تابیدن خورشید^(۲) باعث طهارت ادرار و دیگر نجاسات از روی زمین و بوریها و حصیرها می‌شود، و همچنین آنچه انتقال آن ممکن نیست مانند درختان

۱- مثلاً یک بار نماز ظهر را با این لباس می‌خواند و دوباره همان نماز ظهر را با لباس دیگر تکرار می‌کند. (مترجم)

۲- انعکاس نور خورشید به وسیله آینه یا از پشت پنجره نیز کفایت می‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۱۱)

و ساختمان به شرط از بین رفتن عین نجاست با تابش خورشید پاک می گردد. بهتر است بر موضع ادرار آب ریخته شود، سپس زمانی که خورشید بر آن بتابد و خشکش کند پاک می شود.

آتش آنچه را که استحاله می کند^(۱) پاک می نماید.

خاک، کف کفش و لایه زیرین پا و دمپایی را پاک می کند، و قسمت هایی از زمین، قسمت های دیگر را پاک می کند. آب باران در حال بارش و نیز در حال جریان از ناودان و شبیه آن نجس نمی شود، مگر اینکه در اثر نجاست تغییر کند.

آبی که با آن نجاست شسته می شود نجس است،^(۲) چه در شستن بار اول باشد و چه در بار دوم؛ و یکسان است که به نجاست آلوده شده باشد یا نه؛ این در حالتی است که عین نجاست بر چیز شسته شده باقی مانده باشد، اما اگر نجاستی بر آن باقی نمانده باشد آب باقی مانده از شست و شو پاک است؛ حکم آب باقی مانده هنگام شستن ظروف نیز به همین صورت است.^(۳)

۱- یعنی آن شیء را تبدیل به چیز دیگری می کند. (مترجم)

۲- این آب نجس است، اما نجس کننده نیست، مگر این که اوصاف نجاست را داشته باشد؛ پس با تلاقی با چیزهای دیگر (مثلاً آبی که در حین شستن بر روی لباس یا بدن یا چیز دیگری می ریزد) آن ها را نجس نمی کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۱۰)

۳- چند نکته:

* اگر انسان، لباس یا چیزی که متعلق به دیگری است را نجس کند واجب است به او اطلاع دهد.
* حشراتی که از محل های نجس خارج می شوند، اگر به صورت ظاهری دارای نجاست نباشند نجس

نیستند.

* اگر شیء متنجس (نجس شده) با چیز دیگری برخورد کند آن را نجس نمی‌کند، مگر این که اوصاف نجاست را به آن انتقال دهد.

* اگر بخواهیم فرش یا لباس یا چیزی شبیه آن را از نجاستی تطهیر کنیم:

- با آب قلیل: باید دو بار شسته شود، یک بار برای برطرف کردن عین نجاست و بار دوم برای تطهیر.
- با آب جاری: ریختن آب بر روی موضع نجس به گونه‌ای که عین نجس و اوصافش برطرف شود و آب غلبه کند، کافی است.

* اگر بخواهیم فرش یا موکتی که به زمین چسبیده است و همچنین زمین کف خانه را از نجاست پاک کنیم:

- با آب قلیل: همان گونه که گفتیم، باید دو بار شسته شود. بار اول بر روی موضع نجس آب می‌ریزیم تا این که آب بر آن غلبه کند، سپس با یک قطعه پارچه یا اسفنج، آب را برمی‌داریم. بار دوم آب را بر موضع نجس می‌ریزیم و بار دیگر آب را با قطعه‌ای اسفنج یا پارچه جمع می‌نماییم، این کار، شستن تطهیر است. بعد از این، موضع پاک می‌باشد.

- با آب جاری: کافی است یک بار روی موضع نجس آب بریزیم، به گونه‌ای که آب بر اوصاف نجاست غلبه نماید.

* اگر اشیاء ثابت مانند در و پنجره خانه نجس شد، به شیوه زیر آن را تطهیر می‌کنیم:

- با آب قلیل: ابتدا اسفنجی را در آب پاک فرو می‌بریم تا پر از آب شود، سپس آن را روی موضع نجس می‌کشیم تا عین نجاست رفع گردد؛ سپس بار دیگر اسفنج را با آب پاک شسته و آن را پر از آب می‌کنیم و بار دیگر بر روی موضع می‌کشیم که این مرتبه همان شستن تطهیر است که پس از آن، موضع پاک می‌باشد.

- با آب جاری: بر موضع نجس روی در، دیوار و یا... آب ریخته و دست می‌کشیم تا پاک شود. اگر آب جاری بر نجاست و اوصاف آن غلبه نماید، پس آب باقی مانده، پاک است.

* چیزی که با عین نجاست برخورد کرده (متنجس)، نجس است ولی چیزهای دیگر، در برخورد با آن نجس نمی‌شوند، مگر این که قسمتی از عین نجاست به آن منتقل شده باشد یا این که اوصاف عین نجاست (رنگ یا بو یا طعم) بر اوصاف آن غلبه کرده باشد.

سخنی در مورد احکام ظرف‌ها

خوردن و آشامیدن با ظروف طلا و نقره جایز نیست؛ همچنین استفاده در موارد دیگر از آن‌ها نیز جایز نیست. استفاده از ظرف نقره کوب در خوردن و آشامیدن مکروه است، اما در موارد غیر استعمالی (مثلاً تزئین) استفاده از آن مجاز است. استفاده از ظرف‌های ساخته‌شده از دیگر فلزات و یا معادن و جواهرات (غیر از طلا و نقره) اشکالی ندارد، هر چند گران‌قیمت‌تر باشند. ظروف مورد استفاده کافران پاک است تا زمانی که علم به نجاست آن‌ها حاصل شود. استفاده از پوست حیوانات صحیح نیست، مگر اینکه در حیات، پاک و طاهر و ذبح شرعی شده باشند.^(۱)

دوری کردن از استعمال پوست حیوانی که گوشتش خورده نمی‌شود مستحب است مگر این که بعد از ذبح، دباغی شوند.^(۲)

* اگر نجاستی مانند فضلۀ موش داخل دیگ برنج یا مثل آن یافت شود، اولاً باید در صورت امکان عین نجاست رفع شود، سپس برنج را دو بار می‌شویم، یک‌بار برای رفع عین نجاست باقی‌مانده و بار دوم برای تطهیر.

* پسایی که در هنگام شستن نجاست بر روی لباس یا بدن انسان پاشیده می‌شود، آن را نجس نمی‌کند، مگر این که عین نجاست در آن باشد یا این که اوصافش با عین نجاست تغییر کرده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۰۹-۱۱۰)

۱- نشستن بر مبلی که نمی‌داند رویۀ آن از چه پوستی است اشکالی ندارد، اما لمس آن با رطوبت موجب نجس شدن می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۱۳)

۲- کیف، ساعت، کفش، کمر بند، کاپشن و... که از پوست حیوانات ساخته شده، اگر از کشورهای

استفاده از ظرف‌های شراب - اگر قیراندود یا روغن اندود باشند - بعد از شستن اشکال ندارد؛ اما استعمال ظروف چوبی و سرامیکی و شیشه‌ای شراب که روغن اندود نشده باشد، مکروه است.

ظرفی که آب دهان سگ در آن باشد باید سه بار شسته شود که بار اول آن باید با خاک باشد. ظرفی که در آن شراب بوده و یا موش صحرائی در آن مرده باشد، باید سه بار با آب شسته شود ولی هفت بار بهتر است. در مورد دیگر نجاسات غیر از شستن عین نجاست، یک‌بار شستن کفایت می‌کند، اما سه بار بهتر است.

* * *

کتاب نماز^(۱)

که شامل چهار بخش می‌باشد و دانش به آن، روشن شدن چهار اصل را می‌طلبد:

غیر اسلامی باشد، حکم مذکبی را ندارد تا این که یقین به ذبح شرعی آن داشته باشیم. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص ۱۱۲)

۱- کتاب نماز دارای چند فصل اصلی است: مقدمات نماز، افعال نماز، مبطلات نماز، سایر نمازها (غیر یومیّه و نوافل)، شکیات نماز، نماز قضا، نماز جماعت، نماز خوف و مطارده، نماز مسافر. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۷)

اصل اول: مقدمات نماز^(۱)

و آن هفت مورد است:

مقدمه اول: در مورد تعداد نمازها

نمازهای واجب نه تاست: نمازهای شب و روز (نمازهای یومیّه)، نماز جمعه، نماز عید قربان و عید فطر، نماز کسوف، نماز زلزله، نماز آیات، نماز طواف، نماز میّت و نمازی که انسان با نذر و شبیه آن، بر خود واجب می کند و غیر از این، بقیه نمازها مستحب است.

نمازهای پنج گانه یومیّه:

در حَضَر^(۲) هفده رکعت است: نماز صبح دو رکعت، نماز مغرب سه رکعت، نماز ظهر و عصر و عشاء، هر کدام چهار رکعت. در سفر، از هر نماز چهار رکعتی، دو رکعت کسر می شود.

۱- مقدمات نماز هفت مورد است: تعداد نمازها، وقت نمازها، قبله، لباس نماز گزار، مکان نماز، آنچه سجده بر آن صحیح است، اذان و اقامه. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸)

۲- وطن یا جایی که حکم وطن را دارد. (مترجم)

نوافل نمازهای یومیّه:

در حضر، سی و چهار رکعت است.^(۱) قبل از نماز ظهر هشت رکعت (چهار نماز دورکعتی)، قبل از نماز عصر هشت رکعت (چهار نماز دورکعتی)، بعد از نماز مغرب چهار رکعت (دو نماز دورکعتی)، بعد از نماز عشا دو رکعت نشسته که یک رکعت حساب می‌شود، و نماز شب یازده رکعت است (چهار نماز دورکعتی نافله شب و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر)، و دو رکعت نافله قبل از نماز صبح.

در سفر، نوافل ظهر و عصر ساقط می‌شود؛ اما نماز و تیره (نافله عشا) ساقط نمی‌گردد.

همه نوافل، دورکعتی است با تشهد و سلام، به جز آنچه در مورد آن تصریح شده که کمتر یا بیشتر از دو رکعت است، مانند نماز وتر و نماز اعرابی.^(۲)

۱- امام عسکری علیه السلام فرمودند: (علامات مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست نمودن، پیشانی بر خاک نهادن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم).

وسائل الشیعه: ج ۱۴، ص ۴۷۸. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹)

۲- روایت شده است که مردی از اعراب بادیه نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: (یا رسول الله پدر و مادرم به فدای شما، ما در این بیابان و دور از مدینه هستیم و نمی‌توانیم هر جمعه نزد شما بیاییم، عملی به من بیاموزید که فضیلت نماز جمعه را داشته باشد تا وقتی به سوی اهل و عیالم برگشتم به ایشان خبر دهم). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: (زمانی که روز برآمد، دو رکعت بخوان، در رکعت اول، حمد را یکبار و سوره فلق را هفت مرتبه بخوان و در رکعت دوم، حمد را یکبار و سوره ناس را هفت مرتبه قرائت کن، زمانی که سلام دادی، آیت الکرسی را هفت مرتبه بخوان، سپس برخیز و هشت رکعت نماز با دو سلام بگزار، در هر رکعت از آن، حمد را یکبار و سوره نصر و توحید را بیست و پنج مرتبه قرائت

ان شاء الله تعالی توضیح سایر نمازها را در جای خودش، به زودی بیان خواهیم کرد.

مقدمه دوم: وقت نمازها

بحث در مورد زمانها و احکام آن است:

وقت نمازهای واجب و نمازها:

وقت نماز ظهر و عصر، از زوال آفتاب تا غروب آن است. وقت مخصوص نماز ظهر، از آغاز زوال به اندازه خواندن آن^(۱) می باشد، وقت مخصوص نماز عصر، به اندازه زمان اقامه آن تا غروب، و بین این دو زمان، وقت مشترک است. همچنین با غروب خورشید وقت نماز مغرب شروع می شود، از اول غروب به مدت اقامه سه رکعت وقت مخصوص نماز مغرب است، سپس وقت مشترک نماز مغرب و عشا در حالت اختیار تا نیمه شب است ولی در حالت اضطرار تا طلوع فجر (اذان صبح) می باشد؛ و زمان مخصوص نماز عشا به اندازه خواندن

نما. هرگاه از نمازت فارغ شدی، هفتاد بار بگو: «سبحان رب العرش الکریم، ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم»، سوگند به کسی که مرا به پیامبری برگزید، هر زن و مرد مؤمنی که در روز جمعه این نماز را بخواند، من برای او بهشت را ضمانت می کنم و قبل از این که از جایگاهش برخیزد، گناهان خودش و پدر و مادرش بخشیده می گردد. وسائل الشیعه (آل البیت): ج ۷، ص ۳۶۹. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰)

۱- یعنی اقامه چهار رکعت در حضر و یا دو رکعت در سفر. (مترجم)

۱۰۲..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

چهار رکعت مانده به آخر وقت می‌باشد. ^(۱) بین طلوع فجر دوم - فجر منتشر شده در افق - تا طلوع خورشید، وقت نماز صبح است. ^(۲)

زوال آفتاب وقتی فهمیده می‌شود که سایه شاخص بعد از رسیدن به کمترین حد خود، شروع به زیاد شدن کند. غروب نیز هنگام ناپدید شدن قرص خورشید است، اما بهتر است منتظر از بین رفتن سرخی افق از سمت مشرق بمانیم تا از ناپدید شدن خورشید اطمینان حاصل کنیم.

بهترین اعمال، نماز اوّل وقت است. بهتر است نماز عشا تا از بین رفتن سرخی افق در سمت مغرب به تأخیر انداخته شود، و بهتر است تأخیر نماز عصر با توجه

۱- نیمه شب شرعی، وسط وقت بین غروب آفتاب و طلوع فجر (اذان صبح) می‌باشد؛ مثلاً اگر غروب خورشید ساعت ۶ عصر و اذان صبح ساعت ۵ باشد، فاصله مابین آن دو، یازده ساعت است، نصف این مقدار که همان پنج ساعت و نیم است را به وقت غروب اضافه می‌کنیم (می‌شود ۶+۵/۵) در نتیجه، نیمه شب می‌شود ساعت یازده و نیم. حال اگر کسی در حالت اختیار بود، وقت مختص نماز عشا به اندازه خواندن یک نماز عشا تا نیمه شب شرعی می‌باشد، اما اگر در حال اضطرار بود، تا طلوع فجر برای خواندن نماز عشا وقت دارد و وقت مختص نماز عشا به اندازه خواندن یک نماز عشا تا طلوع فجر است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴)

۲- فجر دوم آن است که در افق منتشر شده و به آن متصل است و به آن فجر صادق نیز می‌گویند، زیرا هر کس آن را ببیند، می‌فهمد که پس از آن صبح خواهد بود، اما فجر اول این گونه نیست، بلکه روشنی‌ای است که در آسمان به طرف بالا منتشر شده است ولی به افق متصل نیست و به آن فجر کاذب می‌گویند، زیرا بعد از آن دوباره تاریکی برمی‌گردد. برای تشخیص فجر صادق به ترتیب، به یکی از این سه راه عمل می‌کنیم: اگر ممکن بود، از روی پخش شدن و انتشار روشنی در افق به صورت متصل، می‌فهمیم که طلوع فجر صادق اتفاق افتاده است و اگر نشد، زمانی را که خورشید در ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد، فجر محاسبه می‌شود و اگر این راه هم نشد، ۹۰ دقیقه قبل از سر زدن آفتاب، وقت فجر صادق می‌باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴)

به کوتاهی یا بلندی روز، یک یا دو ساعت بعد از زوال خورشید باشد.

وقت نمازهای نافله مروانیه:

وقت نافله ظهر، از اذان ظهر، به مدت نیم ساعت، و وقت نافله نماز عصر با توجه به طول روز، یک ساعت و نیم یا دو ساعت و نیم (بعد از اذان ظهر) است. اگر شروع به خواندن نافله کرد و وقت آن تمام شد، حتی اگر یک رکعت خوانده باشد، نافله را به کوتاه‌ترین شکل، به اتمام برساند [و بعد از آن نماز واجبش را اقامه کند]؛ و اگر از نافله چیزی نخوانده بود، باید اول نماز واجب را بخواند و بعد از آن، نافله را به جا آورد. به جا آوردن نافله ظهر قبل از اذان ظهر جایز نیست، مگر در روز جمعه. به نافله‌های ظهر و عصر روز جمعه چهار رکعت افزوده می‌شود، که دو رکعت از آن هنگام اذان ظهر خوانده می‌شود.^(۱)

وقت نافله مغرب، بعد از نماز مغرب است تا زمانی که به مقدار خواندن نماز عشا تا ناپدید شدن سرخی سمت مغرب، وقت باقی مانده باشد.^(۲) اگر سرخی از بین رفت و فرد شروع به خواندن نافله نکرده بود، ابتدا باید نماز واجب را ادا

۱- برای اطلاع از کیفیت بیست رکعت نافله ظهر و عصر جمعه، به مبحث آداب نماز جمعه مراجعه شود. (مترجم)

۲- مثلاً ناپدید شدن سرخی سمت افق ساعت ۱۹:۰۰ می‌باشد و برای خواندن نماز عشا ۵ دقیقه نیاز باشد، در این صورت بعد از خواندن نماز مغرب تا ۱۸:۵۵ برای خواندن نافله مغرب وقت دارد. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۷)

کند.

نافله عشا (وُتیره) دو رکعت است که بعد از نماز عشا و به حالت نشسته خوانده می‌شود، و وقتش تا آخر وقت نماز واجب (عشا) ادامه دارد، و نیکوست که این دو رکعت را پایان نافله‌هایش قرار دهد.

وقت نماز شب از نیمه‌شب شروع می‌شود و هر چه به فجر نزدیک‌تر باشد، بهتر است. خواندن نماز شب قبل از نیمه‌شب جایز نیست، مگر برای مسافری که به دلیل حرکت در شب نمی‌تواند آن را بعد از نیمه‌شب بخواند، یا جوانی که به دلیل خواب‌سنگین نتواند به‌موقع بیدار شود، گرچه قضای آن بهتر است. پایان وقت نماز نافله شب، اذان صبح است.

اگر اذان صبح شود و چهار رکعت از نماز شب را خوانده باشد، نمازهای نافله شب را به‌طور مختصر به پایان می‌رساند گرچه اذان صبح را گفته باشند، ولی اگر کمتر از چهار رکعت خوانده باشد و اذان صبح شده باشد نافله صبح و سپس نماز صبح را می‌خواند. وقت نافله صبح، بعد از طلوع فجر اول (کاذب) است و قبل از طلوع فجر اول نیز خوانده می‌شود، ولی (اگر قبل از فجر اول خواند) تکرار آن مستحب است. وقت نافله صبح تا آغاز سرخی افق^(۱) ادامه دارد، و بعد از آن، اولویت با نماز صبح است.^(۲)

۱- به سرخی پدید آمده در طرف شرق افق قبل از طلوع آفتاب، حُمرة مَشْرِقیه می‌گویند. (احکام

الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۸)

۲- اگر حُمرة مَشْرِقیه طلوع کرد، ابتدا نماز فریضه را می‌خواند، بعد از فریضه، اگر هنوز خورشید طلوع نکرده بود نافله را به نیت ادا می‌خواند و اگر خورشید طلوع کرده بود و خواست نافله را به‌جا آورد، به نیت قضا می‌خواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۸)

خواندن قضای نمازهای یومیّه و سایر نمازهای واجب در هر زمان جایز است، به شرطی که باعث تنگی وقت نماز واجب کنونی نشود (این حکم در مورد سایر نمازهای واجب نیز برقرار است). نافله‌ها و قضای نافله‌ها را نیز می‌تواند در هر زمانی بخواند، به شرطی که وقت نماز واجب داخل نشده باشد.

احکام وقت نماز

هشت مسئله:

اول: هرگاه یکی از عذرهایی که مانع نماز هستند - مثل جنون و حیض - برایش پیش بیاید و قبل از پیش آمدن آن درحالی که به اندازه طهارت و خواندن نماز از وقت اذان گذشته باشد، واجب است [بعد از برطرف شدن عذر]، قضای نماز را به‌جا آورد و اگر به‌اندازه طهارت و نماز از اذان نگذشته باشد قضا ساقط می‌شود. اگر عذرش [که مانع نماز است، دقایقی] قبل از اتمام وقت نماز برطرف شود و به‌اندازه طهارت و خواندن یک رکعت از نماز وقت داشته باشد، باید نماز را به نیت ادا به‌جا آورد، و اگر کوتاهی کند ^(۱) باید بعداً قضایش را به‌جا آورد.

اگر دقایقی قبل از غروب (برای نماز ظهر و عصر) یا قبل از فجر (برای

۱- یعنی سریع نماز را نخواند و وقت تمام شود. (مترجم)

۱۰۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

نماز مغرب و عشا) عذرش برطرف شود و فقط به اندازه طهارت^(۱) و اقامه یکی از دو نماز وقت داشت، باید همان نمازی که وقت مخصوصش است را بخواند؛^(۲) و اگر قبل از غروب به اندازه طهارت و پنج رکعت نماز وقت داشت، باید هر دو نماز (ظهر و عصر) را بخواند.^(۳)

دوم: نوجوانی که (قبل از بلوغ) نمازهایش را [به نیت استحباب] داوطلبانه سر وقت می‌خوانده، اگر با موردی که طهارت را باطل نمی‌کند، بالغ شود [مثلاً پانزده سال یا نه سالش کامل شود] و وقت نماز باقی مانده باشد، نمازش را دوباره [به نیت وجوب] بخواند، ولی اگر از وقت نماز کمتر از یک رکعت مانده باشد بر همان نیت مستحب که داشته است باقی بماند و تجدید نیت به نماز واجب نکند.

سوم: اگر انسان راهی داشته باشد که نسبت به وقت نماز یقین پیدا کند نمی‌تواند به ظن و گمان خود اکتفا نماید، اما اگر نتوانست نسبت به وقت نماز یقین پیدا کند باید کوشش نماید [تا نسبت به وقت نماز یقین یابد]؛ اگر ظن و گمان غالب برایش پدید آمد که وقت داخل شده است، نماز را بخواند؛ و اگر پیش از آنکه وقت داخل شود، فهمید که ظن و گمانش

۱- منظور از طهارت وضو، غسل یا تیمم است. (مترجم)

۲- یعنی باید فقط عصر را بخواند، یا اگر قبل اذان صبح بود، فقط عشا را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۱)

۳- اگر قبل از اذان صبح بود و به اندازه طهارت و چهار رکعت وقت داشت، باز هم باید هر دو نماز (مغرب و عشا) را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۱)

اشتباه بوده و هنوز وقت نماز نبوده است، [دو حالت دارد] اگر قبل از اینکه وقت نماز شود، نمازش تمام شد، باید بعد از اینکه وقتش شد نماز را دوباره بخواند؛ اما اگر وقت داخل شد و هنوز نمازش تمام نشده بود، حتی اگر فقط سلام نماز باقی مانده باشد، نیاز نیست نماز را دوباره بخواند. اگر کسی قبل از داخل شدن وقت نماز، عمداً یا نادانسته یا به سبب فراموشی نماز بخواند، نمازش باطل است.^(۱)

چهارم: در به جا آوردن نمازهای قضای یک روز، باید ترتیب را رعایت کرد، یعنی اگر خواندن یک نماز واجب را شروع کرد و به یاد آورد که نماز واجب قبل از آن را (که مربوط به همین روز بوده است) نخوانده است، تا وقتی که امکان برگشت وجود داشته باشد، باید از نیت خود به نیت نماز قبل بازگردد و گرنه باید [نماز قضاشده] مُتَرْتَّب [بر نماز حاضر] را از نو بخواند.^(۲)

اما در قضای نمازهای دو روز مختلف ترتیب لازم نیست و مثلاً

۱- اگر با شنیدن اذان نماز بخواند و بعد بفهمد هنوز وقت داخل نشده است، باید دوباره نمازش را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۲)

۲- مثلاً اگر فردی شروع به خواندن نماز ظهر کرد و به یاد آورد که نماز صبح آن روز را نخوانده است، تا وقتی وارد رکعت سوم نشده است وقت دارد به نیت نماز صبح قضا شده خود عدول کند، اما در رکعت سوم به بعد، دیگر این عدول ممکن نیست، در اینجا نماز ظهر را کامل کرده، سپس قضای صبح را به جا می آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۳)

می‌توان نماز صبح یک روز را قبل از به‌جا آوردن قضای نماز ظهر روز قبل از آن به‌جا آورد.

پنجم: اقامه نوافل مبتدئه^(۱) هنگام طلوع خورشید و غروب و در طول روز و بعد از نماز صبح و عصر، مکروه نیست.

ششم: مستحب است نوافلی را که در شب انجام نداده است، هرچه سریع‌تر به‌جا آورد، هرچند که در روز باشد و نوافل روز را هرچه سریع‌تر به‌جا آورد، هرچند در شب باشد و منتظر روز نماند.

هفتم: به‌جا آوردن همه نمازها در اول وقت بهتر است، به‌جز نماز مغرب و عشاء کسی که از عرفات (به سمت مزدلفه) به راه افتاده، که تأخیر انداختن آن تا وقتی به مزدلفه برسد بهتر است، هرچند که یک چهارم شب نیز گذشته باشد.

همچنین مستحب است نماز عشا را تا ناپدید شدن سرخی مغربی^(۲) به تأخیر بیندازد. کسی که نافله می‌خواند نیز نماز ظهر و عصر را تا اقامه نوافل به تأخیر اندازد. همچنین زن مستحاضه نماز ظهر و مغرب را به تأخیر اندازد.^(۳)

۱- نوافلی که دارای زمان و کیفیت خاصی نیستند و تنها برای نزدیکی به خداوند خوانده می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۳)

۲- شَفَقُ حُمْرَة مغریه، سرخی پدید آمده در افق غربی پس از غروب آفتاب است. (مترجم)

۳- زن مستحاضه‌ای که غسل کردن بر او واجب است، نماز ظهر را تا آخر وقتش به تأخیر می‌اندازد، تا بین آن و نماز عصر با یک غسل جمع نماید، همچنین نماز مغرب را تا آخر وقتش به تأخیر می‌اندازد

هشتم: اگر به گمان اینکه نماز ظهرش را خوانده است نماز عصر را شروع کند، سپس در حال خواندن نماز عصر به یاد آورد که نماز ظهر را نخوانده است، نیت خود را به نماز ظهر تغییر دهد؛ و اگر به یاد نیورد و نماز عصر خود را تمام کرد، [دو حالت پیش می‌آید]: یا اقامه نماز عصر در اول وقت ظهر (وقت مخصوص ظهر) بوده است، که نمازش باطل است و باید نماز ظهر و سپس عصر را بخواند، و یا اینکه تمام یا بخشی از نماز در وقت مشترک دو نماز بوده است که در این حالت نماز عصر خوانده شده صحیح است و فقط نماز ظهر خود را به جا می‌آورد.

مقدمه سوم: قبله

مباحث آن عبارت‌اند از: جهت قبله، استقبال [کسی که لازم است رو به قبله بایستد]، چیزهایی که روبه قبله بودن در آن شرط [واجب] است و احکام قبله.

اول: [جهت] قبله

قبله برای کسی که در مسجد الحرام است، کعبه، برای کسی که در حرم است، مسجد الحرام، و برای کسی که خارج از حرم است، خود حرم می‌باشد. مراد از قبله، جهت کعبه است نه خود ساختمان و اگر ساختمان از بین رفت باید در جهت کعبه نماز گزارد. به همین شکل، کسی که در ارتفاع بالاتری از

کعبه قرار دارد، به سوی آن و در جهت آن نماز می‌گزارد. اگر کسی درون کعبه نماز بگذارد به سوی هر کدام از دیوارهای آن که بخواهد، می‌ایستد، گرچه خواندن نماز واجب درون ساختمان کعبه، مکروه است. اگر کسی بر بام کعبه نماز بگذارد، باید مقداری فضا که بتوان به سوی آن نماز خواند در پیش روی خود باقی بگذارد،^(۱) اما لازم نیست روبه‌روی خود چیزی قرار دهد و به سوی آن نماز بخواند.^(۲) همچنین اگر (داخل کعبه) به سوی در کعبه در حالی که باز باشد نماز بخواند، باید همین‌طور عمل کند.^(۳)

اگر صف نمازگزاران در مسجد الحرام طولانی شود و طوری قرار گیرد که تعدادی از آنان خارج از جهت کعبه نماز بخوانند، نماز کسانی که در جهت کعبه نیستند باطل است.

مردم هر سرزمین باید به سوی رکنی که رو به سرزمینشان است نماز بخوانند؛ اهل عراق به سوی رکن عراقی یعنی همان رکنی که حجرالأسود در آن است، مردم شام به سوی رکن شامی، و مردم مغرب به سوی رکن مغربی، و مردم یمن به سوی رکن یمنی.

قبله مردم عراق در جهت جنوب غربی واقع می‌شود. اگر کسی بتواند ستاره

۱- یعنی نباید در قسمت‌های انتهایی ضلع‌های بام کعبه به نماز بایستد به طوری که چیزی از کعبه روبه‌رویش نباشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۵)

۲- مانند آنچه بعضی از اهل سنت به آن معتقدند که در نماز خواندن بر بام کعبه چیزی را به‌عنوان قبله، مقابل خود قرار می‌دهند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۵)

۳- یعنی لازم نیست وسیله خاصی را روبه‌رویش قرار دهد، ولی مقداری با فاصله از درب بایستد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۵)

جُدَى^(۱) را تشخیص دهد، شمال و جنوب را تشخیص خواهد داد. اگر به سوی جنوب بایستد، قبله بین صورت و دست راست او قرار خواهد گرفت (همان جنوب غربی).

دوم: کسی که رو به قبله ایستاده

اگر جهت قبله را می‌داند، واجب است برای نماز، به سوی قبله بایستد؛ و اگر جهت قبله را نداند، باید به علائمی که او را به گمان می‌رساند، تکیه کند. اگر سعی کند که جهت قبله را بیابد و فردی دیگر، خلاف جهتی که او یافته بود را به او خبر دهد، باید به هر کدام که گمان می‌کند صحیح‌تر است عمل کند. در صورتی که راهی برای یافتن جهت قبله نداشت و کافری به او جهت قبله را گفت، اگر گمان بر صحت خبرش داشته باشد به خبر او عمل کند؛ باید به جهت قبله‌ای که برای شهر تعیین شده است اعتماد داشته باشد، مگر زمانی که بداند آن قبله اشتباه است. کسی که خودش امکان تشخیص قبله را ندارد -مانند نابینا- به تشخیص دیگران اعتماد کند.

کسی که در تعیین جهت قبله نتواند به علم یا گمان برسد، اگر وقت داشت، به هریک از چهار جهت، یک بار نماز بخواند و اگر وقت کمتر از این بود به آن تعداد از جهت‌ها که زمان اجازه می‌دهد نماز بخواند، و اگر فقط به اندازه اقامه

۱- جُدَى یا آلفای خرس بزرگ، ستاره‌ایست که در صورت فلکی خرس کوچک قرار دارد. این ستاره در حال حاضر به عنوان ستاره قطبی برای پیدا کردن قطب شمال در نیمکره شمالی زمین، مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مترجم)

یک نماز وقت داشت (همان یک نماز را) به هر جهت که خواست بخواند. مسافر هنگام نماز باید به سمت قبله بایستد و در صورت ضرورت می‌تواند سوار بر مرکب^(۱) -درحالی‌که روبه‌قبله است- برخی از نمازهای واجب را بخواند؛ و اگر نتوانست همه نماز را به سمت قبله بخواند، هرچقدر از نمازش را که می‌تواند روبه‌قبله بخواند و هرگاه مرکب از جهت قبله منحرف شد، تا حد امکان به سوی قبله بچرخد، و اگر باز هم نتوانست فقط تکبیرة الاحرام را به سمت قبله بگوید (و بقیه نماز را بخواند)، و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد به هر سو که نماز بخواند کفایت می‌کند، حتی اگر روبه‌قبله نباشد. کسی که مجبور است به دلیل تنگی وقت در حال راه رفتن نماز بخواند، همین‌گونه عمل کند. کسی که بر مرکب سوار است، اگر بتواند رکوع و سجود و واجبات نماز را به‌جا آورد جایز است که با اختیار (بدون اینکه اضطراری باشد) اعمال نماز واجب را بر روی مرکب به‌جا آورد.

سوم: چیزهایی که باید برای آن روبه‌قبله ایستاد:

ایستادن به سوی قبله در نمازهای واجب -در صورت امکان- واجب است؛ همچنین هنگام ذبح [حیوان و پرنده] و هنگام احتضار و تدفین، و نماز بر میت، روبه‌قبله ایستادن واجب است؛ اما در نوافل، روبه‌قبله ایستادن بهتر است (واجب

۱- مانند اسب و شتر و همچنین ماشین و هواپیما و سایر وسایل نقلیه جدید. (مترجم)

نیست).^(۱) نماز [نافله] در حال سواره، در سفر و حَضْرَ (۲) مجاز است، اما اینکه به سوی قبله نباشد، در حضر کراهت شدید دارد، البته تا زمانی که پشت به قبله نشود و اگر پشت به قبله شد نمازش باطل می‌شود.

هر جا امکانش نبود، وجوب استقبال (روبه قبله بودن) ساقط می‌شود، مانند نماز مطارده (ترس شدید مثل زمان جنگ و جدال)، و هنگام ذبح حیوان صائله^(۳) و مُتْرَدِّیه^(۴) که نمی‌توان آن را روبه قبله نمود.

چهارم: احکام مربوط به روبه قبله ایستادن

سه مسئله:

اول: فرد نابینا چون خودش نمی‌تواند جهت یابی کند باید به راهنمایی دیگران رجوع کند؛ و اگر با داشتن علامتی که خودش به دست آورده است بر نظر خود اتکا کند و به یک سمت نماز بخواند (حتی اگر فرد بینا

۱- البته پشت به قبله نبودن در نافله واجب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۸)

۲- وطن یا جایی که قصد ده روز ماندن دارد یا... (مترجم)

۳- مانند حیوانی که دچار جنون یا مرضی شده که رو به قبله کردنش دشوار است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۲۹)

۴- مانند حیوانی که در چاه افتاده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

هم وجود داشته باشد)، نماز او صحیح است؛ و در غیر این صورت (اگر علامتی نداشته و جهت را اشتباه تشخیص داده باشد) باید نماز را دوباره بخواند.

دوم: اگر نماز گزار، نماز را به حکم گمان خود و یا به دلیل تنگی وقت به سمتی بخواند که بعداً معلوم شود به سوی قبله نبوده است، اگر انحراف او از قبله در حد چپ و راست بوده و پشت به قبله نباشد، نماز او صحیح است و نیازی به تکرار آن ندارد (چه وقت نماز تمام شده یا هنوز وقت باقی باشد)؛ اما اگر پشت به قبله بود و وقت نماز تمام نشده باشد باید نماز را تکرار کند، ولی اگر پشت به قبله بود و وقت نماز گذشته بود نیاز به تکرار نیست، اما اگر در حین نماز بفهمد که خطانموده، در هر صورت و به هر جهتی که ایستاده است، باید به سمت قبله برگردد و نیاز به تکرار نماز نیست.

سوم: اگر برای یک نماز، جهت قبله را با تلاش بیابد و نماز بخواند، سپس در وقت نماز دیگری وارد شود، و نماز گزار به صحت جهت قبله شک کند، باید از نو جست و جو کند تا یقین یابد، در غیر این صورت بر همان جهت (که نماز قبلی را خوانده) نماز بخواند.

مقدمه چهارم: احکام لباس نمازگزار

مسائل هشت گانه:

اول: نماز خواندن با لباسی که از پوست مردار تهیه شده باشد - هر چند

که حلال گوشت باشد - صحیح نیست، چه دباغی^(۱) شده باشد و چه نشده باشد.

حیوان حرام گوشت (که در حین حیات ذاتاً پاک بوده و قابلیت ذبح شرعی داشته است)^(۲) اگر ذبح شرعی شود پاک است، ولی در نماز نباید از آن استفاده گردد و در غیر از نماز می توان بدون دباغی کردن از آن استفاده نمود، البته مکروه است (که قبل از دباغی از آن استفاده کند).

دوم: پشم، مو، کرک و پر حیوانات حلال گوشت، پاک است، چه از حیوان زنده جدا شده باشد، چه از ذبح شده و چه از مردار، و نماز خواندن با آن جایز است. اگر از مردار کُنده شده باشد فقط محل اتصال آن با بدن حیوان باید شسته شود، و همه اجزای بدون روح^(۳) حیوان مرده ای که زنده اش پاک است، همین حکم را دارد (پاک است و نماز با آن صحیح است). حیوانی که در حال حیاتش نجس باشد (پس از ذبح) تمام موارد ذکر شده آن (پشم، مو، کرک و پر) نجس است.

در صورتی که لباسی از اجزای بدون روح حیوان حرام گوشت درست شده باشد، نماز خواندن با آن صحیح نیست، حتی اگر ذبح شرعی

۱- یعنی آن را با ماده ای خاص نرم کرده و رطوبت و بوی بد آن را از بین می برند و برای استفاده آماده می کنند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۰)

۲- مانند شیر و پیر و... (مترجم)

۳- مثل شاخ، دندان یا... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۱)

شده باشد، مگر خَزْ^(۱) خالص که نمازخواندن با آن جایز است، اما نمازخواندن در لباس خزی که در آن کرک روباه و خرگوش مخلوط باشد، جایز نیست.^(۲)

سوم: نماز با پوست سنجاب جایز است، ولی با پوست انواع روباه و خرگوش جایز نیست.

چهارم: پوشیدن حریر خالص برای مردان جایز نیست و نمازخواندن با آن نیز جایز نیست، مگر در هنگام جنگ (که مستحب است تکه‌ای از پارچه حریر بر سینه بگذارد) و هنگام ضرورت مثلاً زمانی که سرمای شدید مانع از بیرون آوردن آن از تن باشد (که در این دو حالت نماز گزاردن با لباس ابریشمی مجاز می‌شود)، اما پوشیدن لباس حریر خالص (در نماز و غیر آن) برای زن‌ها مجاز است. همچنین استفاده مردان از حریر برای بند لباس و یا کلاه‌خود نیز جایز نیست،^(۳) اما نمازخواندن روی آن و فرش نمودنش جایز است. نمازخواندن با لباسی که با حریر لبه‌دوزی شده

۱- پوست کوبیده شده سمور آبی، سمور دریایی، روباه دریایی و راسو، و پوشیدن خز این حیوانات در نماز اشکالی ندارد، هر چند تذکیر نشده باشند؛ و پوشیدن خز این‌ها همراه با پوست، در صورتی در نماز ممکن است که ذبح شرعی شده باشد؛ و ذبح شرعی آن همانند سایر حیواناتی است که خون جهنده دارند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۱)

۲- اگر شک کند که لباسی از اجزای بدون روح حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۱)

۳- البته همراه داشتن حریر در نماز، اگر جزئی از لباس نباشد، جایز است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۲)

باشد نیز مکروه است.

اما زمانی که حریر با نوع دیگری از پارچه‌ها مخلوط باشد، به گونه‌ای که از حالت حریرِ خالص خارج گردد، پوشیدن آن مجاز و نماز خواندن با آن نیز جایز است، چه مقدار آن جنس از حریر بیشتر باشد یا کمتر (البته در حالت کمتر بودن آن جنس از حریر، نماز با آن مکروه است).

پنجم: نماز خواندن با لباس غضبی جایز نیست و اگر صاحب لباس به غاصب یا غیر او اجازه استفاده دهد نماز با آن جایز است، گرچه غضب، محقق شده باشد،^(۱) ولی اگر به صورت مطلق، اجازه دهد^(۲) نماز خواندن با آن [برای غاصب اشکال دارد، اما] برای سایرین، جایز است.^(۳)

ششم: نماز خواندن با کفشی که نوکش طوری باشد که انگشت شصت پا به زمین نرسد و در هوا معلق باشد جایز نیست، ولی نماز خواندن

۱- مانند این که فردی بگوید: «به فلانی اجازه می‌دهم که با لباس نماز بخواند»، در این صورت برای آن شخص، نماز خواندن با آن لباس جایز است و فرقی ندارد که آن شخص، غاصب باشد یا نباشد؛ اما اگر به صورت مطلق بگوید: «اگر کسی خواست، می‌تواند با لباس نماز بخواند»، در این صورت، شخصی که خودش غاصب است، اجازه نماز خواندن با آن را ندارد، اما سایرین می‌توانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۳)

۲- یعنی به طور کلی گفته اگر کسی با لباس من نماز بخواند اشکال ندارد، در اینجا به طور خاص به غاصب اجازه نداده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۳)

۳- حتی اگر لباس‌های کوچک مثل کمر بند و جوراب غضبی باشد، باز هم نماز با آن جایز نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۳)

با کفش و پاپوشی که این گونه نباشد، جایز است.

هفتم: نماز خواندن با غیر از امور ذکر شده صحیح است، به شرطی که یا مالک آن بوده یا برای استفاده از آن اجازه گرفته باشد، و اینکه لباس نماز گزار پاک باشد؛ و حکم لباس نجس را هم پیش از این بیان کردیم.^(۱)

نماز خواندن با یک پوشش (پیراهن بلند) برای مرد جایز است، اما زن باید با دو تکه لباس نماز بخواند، پیراهن سرتاسری و شال، به گونه‌ای که تمام بدن او پوشیده شود به جز صورت و دست‌ها تا مچ و روی پاها.^(۲)

عریان نماز خواندن (به شرطی که عورتین را بپوشاند) برای مردان جایز است، هر چند کراهت دارد، و اگر لباسی برای پوشش عورتین نداشته باشد می‌تواند با هر چیزی حتی با برگ درختان عورت خود را بپوشاند، و اگر چیزی برای پوشاندن عورتین نداشته باشد، اگر مطمئن باشد که کسی او را نمی‌بیند می‌تواند عریان و ایستاده نماز بخواند، و اگر مطمئن نباشد باید نشسته نماز بگذارد، و در هر دو حالت به جای رکوع و سجود، اشاره

۱- در برخی موارد از نجاست لباس، چشم‌پوشی شده و می‌توان با لباس نجس نماز خواند، مثلاً نماز خواندن با جوراب و کمر بند و لباس‌هایی که به تنهایی، نماز در آن‌ها مجاز نیست، جایز است، هر چند نجس باشند. یا این که خروج خون از بدن در بین نماز، باطل کننده نماز نیست. همچنین برخی دیگر از احکام لباس نجس که بیان شد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۴)

۲- خانمی که وسط نماز مقداری از مویش از زیر شال یا روسری بیرون آمده، مویش را می‌پوشاند و به نماز ادامه می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۵)

کند.^(۱)

کنیز و دختر غیر بالغ می‌توانند بدون شال و مقنعه نماز بخوانند، و اگر کنیز در حین نماز آزاد شود (و از بندگی خارج گردد) باید سرخود را بپوشاند، اما اگر برای این کار نیاز است که حرکت و عمل فراوانی انجام دهد باید نمازش را از نو بخواند؛ همچنین دختر اگر در حین نماز با چیزی که باعث ابطال نماز نگردد بالغ شود نیز همین حکم را دارد.^(۲)

هشتم: نمازخواندن با لباس سفید، مستحب است و نمازخواندن با لباس سیاه مکروه نیست.

نازک بودن لباس نمازگزار مردی که فقط یک لباس بر تن دارد مکروه است، و اگر لباسش آن قدر نازک باشد که زیر آن معلوم باشد^(۳) نمازخواندن با آن جایز نیست.

[موارد مکروه:]

پیراهن را داخل شلوار قرار دادن یا پوشاندن خود با پارچه بزرگ، به طوری که

۱- یعنی به جای خم و راست شدن، با سر، دست، چشم یا سایر اعضای بدن اشاره کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۶)

۲- به جز نکاتی که اینجا گفته شد، در سایر احکام لباس نمازگزار (مانند طهارت، غضبی نبودن و...)، زن و مرد یکسانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۶)

۳- یعنی عورتش نمایان باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۶)

دو سر آن بر روی یک کتف قرار گیرد و با دست گرفته شود، یا با عمامه بدون **تَحْتَ الحَنْك**^(۱) نماز گزاردن. ضمناً به طور کلی پوشیدن عمامه بدون تحت الحنک مکروه است. پوشیدن روبند برای مرد و پوشیه و نقاب برای زن کراهت دارد و اگر این پوشش، مانع صحت قرائت باشد، حرام است. نماز با قبای بسته شده - مگر در حال جنگ - مکروه است؛ همچنین بدون عبا بودن امام جماعت. همراه داشتن شیء آهنی آشکار و نماز با لباسی که صاحبش (به عدم رعایت نجس و پاکی یا غاصب بودن یا...) متهم است. نماز خواندن زن با خلخال و پابندی که صدا داشته باشد؛ و همچنین پوشیدن لباس دارای تصاویر^(۲) و انگشتری که تصویر داشته باشد نیز مکروه است.

مقدمه پنجم: مکان نمازگزار

نماز در همه مکان‌هایی که نماز گزار مالک آن باشد یا از مالکش اجازه داشته باشد، جایز است.

اجازه [نماز خواندن]، در مقابل دریافت اجرت و مانند آن است، و یا در مقابل آن چیزی طلب نشده؛ که یا مالک صریح اشاره کند، مثلاً بگوید: در آن نماز بخوان، یا با لفظی که رضایتش را بیان کند^(۳) یا از حالتش ناراضی بودن برداشت

۱- قسمتی از تای عمامه را باز می‌کنند و از یک سمت از زیر گلو رد کرده و در طرف دیگر بر روی شانه می‌اندازند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۷)

۲- مقصود، تصویر انسان یا حیوان است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

۳- مانند این که مالک اجازه داده باشد شب در آن مکان اقامت کند که قطعاً نمازش را هم می‌تواند

نشود.

نمازخواندن در مکان غضبی، برای غاصب و کسی که علم به غضبی بودن مکان دارد صحیح نیست و اگر عمداً و با آگاهی در مکان غضبی نماز بخواند نمازش باطل است، ولی اگر فراموش کند یا نداند که مکان غضبی است نمازش صحیح می‌باشد، ولی اگر به حکم (حرمت نماز در مکان غضبی) جاهل باشد، معذور نیست (و نمازش باطل است).

اگر وقت نماز تنگ گردد و او در حال خارج شدن (از مکان غضبی) باشد نمازش صحیح است،^(۱) ولی اگر در حال خارج شدن از مکان غضبی نباشد و نماز بخواند نمازش صحیح نیست.

اگر با اجازه وارد ملک غیر شود سپس مالک بگوید که باید بیرون بروی، واجب است که خارج شود، و اگر در این حال نماز بخواند نمازش باطل است، اما اگر وقت تنگ باشد در حال خارج شدن نماز بخواند (و نمازش صحیح است).

نمازخواندن مرد در مکانی که یک طرف یا مقابل او زنی نماز می‌خواند جایز نیست و فرقی ندارد که زن به مرد اقتدا کرده باشد و یا فرادا نماز بخواند و نیز فرقی ندارد که زن، محرم او باشد یا نامحرم؛ اما اگر بینشان حایلی باشد و یا ده

در آنجا بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۸)

۱- نماز در حال خروج به این شکل است که تا جایی که توانست رو به قبله می‌ایستد و رکوع و سجده را به جا می‌آورد و اگر نتوانست، رو به قبله بودن نمی‌خواهد و رکوع و سجود را هم با اشاره انجام می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۹)

ذراع از یکدیگر فاصله داشتند، منعش از بین می‌رود. نماز زن پشت سر مرد به گونه‌ای که محل سجده‌اش کنار پای مرد باشد، اشکالی ندارد. اگر در مکانی باشند که نتوانند از هم دور شوند (نشود زن پشت سر مرد بایستد) باید اول مرد نماز بخواند و بعد زن.

نماز در مکان نجسی که نجاست به لباس و بدن نمازگزار سرایت نکند و محل سجده پاک باشد اشکالی ندارد.

نماز در این مکان‌ها کراهت دارد: (۱)

حمام، (۲) محل قضای حاجت، محل خواب شتر، لانه مورچه، (۳) محل جریان آب، زمین شوره‌زار، روی یخ، قبرستان - مگر اینکه میان او و قبرها حایلی باشد، حتی اگر حایل یک چوب بلند باشد و یا ده ذراع با قبرها فاصله داشته باشد - آتشکده، و مشروب‌فروشی و مشروب‌خوری - البته اگر نجاست به بدن و لباس سرایت نکند - کناره راه‌های اصلی و خانه‌های مجوس (اما در دیرها و کلیساها اشکال ندارد).

همچنین خواندن نماز در مقابل آتش افروخته یا تصاویر و خواندن نماز واجب داخل کعبه و بر بام آن، و خواندن نماز در اصطبل اسب، الاغ و قاطر،

۱- تمامی موارد مکروهی که گفته شده است، هم برای نمازهای واجب است و هم نوافل می‌باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۱)

۲- مقصود، محل غسل است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۱)

۳- منظور زمینی که مورچه‌ها در آن سوراخ‌ها و لانه‌های فراوانی دارند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۱)

مکروه است اما در آغل گوسفندان مکروه نیست؛ همچنین خواندن نماز در خانه‌ای که در آن مجوسی باشد مکروه است، اما وجود یهودی و مسیحی مشکلی ندارد. نمازخواندن در مقابل قرآن گشوده شده و همچنین نمازخواندن رو به دیواری که از چاه فاضلاب که در آن بول هست رطوبت گرفته باشد، و رو به یک انسان نمازخواندن، مگر اینکه حجت بر مردم باشد مانند امام (علیه السلام)^(۱) و مقابل در باز نمازخواندن، مکروه است.

مقدمه ششم: چیزهایی که می‌توان بر آن سجده نمود

سجده بر این موارد جایز نیست: آنچه از زمین نیست، مانند پوست، پشم، مو و کرک؛ و آنچه از زمین است اما معدن به شمار می‌رود، مانند نمک، عقیق، طلا، نقره و قیر مگر در حال ضرورت^(۲) و همچنین چیزهایی که از زمین سبز می‌گردد و خوردنی است^(۳)، مانند نان و میوه‌ها، یا پوشیدنی است، مانند پنبه و کتان؛ و نیز سجده بر گل ولای [و فضله حیوانات] جایز نیست، و اگر مجبور

۱- پشت به قبر معصومین (علیهم السلام) ایستادن نیز جایز نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۹)

۲- سجده بر کاشی و سرامیک در صورتی که تکه‌های سنگ در آن پدیدار باشد، صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۲)

۳- البته سجده بر گیاهانی که حیوانات می‌خورند، جایز است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۲)

باشد، باید اشاره کند.

سجده بر کاغذ جایز است^(۱) ولی اگر داخلش نوشته داشته باشد مکروه است. نباید نمازگزار بر بدن خود سجده کند، اما اگر به دلیل گرما نتواند بر زمین سجده کند می‌تواند بر لباس خود سجده کند و اگر نتوانست بر پشت دست خود سجده می‌کند.

آنچه گفته شد در مورد پیشانی است نه بقیه اعضای سجده (کف دست‌ها و زانوها و نوک پاها).

محل سجده باید ملک شخص باشد یا اینکه اجازه آن را داشته باشد و نجس هم نباشد. اگر در مکان محدودی مانند خانه و مثل آن، نجاستی باشد و مکان دقیق آن را نداند، سجده در هیچ جای آن جایز نیست، اما اگر در مکان بزرگی باشد برای دفع سختی، سجده در آن جایز است.^(۲)

مقدمه هفتم: اذان و اقامه

شامل چهار مبحث است:

۱- بر دستمال کاغذی نیز می‌توان سجده کرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۳۰)

۲- چون اگر آنجا هم بگوییم نمی‌تواند سجده کند، مشقت خیلی زیادی پیش می‌آید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۳)

اول: آنچه برای آن اذان و اقامه گفته می‌شود

اذان و اقامه در نمازهای پنج‌گانه واجب یومیّه، بر مرد و زن واجب است،^(۱) چه ادا باشد یا قضا و چه فرادا باشد یا جماعت؛ البته زن باید اذان و اقامه را آهسته بخواند^(۲) و این آهسته گفتن اذان و اقامه برای زنان در نمازهایی که با صدای بلند خوانده می‌شود^(۳) بیشتر تأکید شده و بیشترین تأکید برای نماز صبح و مغرب است.

اذان برای نوافل و همچنین برای نمازهای واجب دیگر به غیر از نمازهای پنج‌گانه، نباید گفته شود و مؤذن برای آن‌ها سه بار بگوید: (الصلاة). هنگام خواندن قضای نمازهای روزانه باید برای هر کدام از آن‌ها اذان و اقامه

۱- گفتن اذان و اقامه برای بچه‌ای که هنوز به سن تکلیف نرسیده و نمازهایش را به نیت مستحب به‌جا می‌آورد، واجب نیست.

و همچنین اگر وقت، تنگ بود، گفتن اذان و اقامه لازم نیست و اگر به‌اندازه گفتن یکی وقت داشت، اقامه را بگوید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۵) و اگر کسی در قسمتی از اذان شک کرد، اگر هنوز در حال گفتن اذان بود، از همان قسمت دوباره تا آخر اذان می‌گوید و اگر اذانش تمام شده بود، به شکش اعتنا نمی‌کند؛ و حکم در اقامه نیز همین‌گونه است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۹)

۲- البته این حکم برای زمانی است که مردی صدای او را می‌شنود، یا در مکانی نماز می‌خواند که ممکن است مردی وارد شود و صدای او را بشنود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۴)

۳- یعنی نماز صبح، مغرب و عشا. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۴)

بگوید، اما اگر برای اولین نماز اذان گفت و برای نمازهای بعدی فقط اقامه بگوید کفایت می‌کند، ولی فضیلت و ثوابش کمتر می‌شود.

برای نماز ظهر جمعه، باید اذان و اقامه گفته شود و برای نماز عصرش، اقامه بگوید؛ برای نماز ظهر و عصر روز عرفه نیز همین حکم برقرار است.

اگر امام (علیه السلام) به جماعت نماز بخواند و عده‌ای دیگر بیایند، تا وقتی صفوف نماز متفرق نشده باشند، اذان و اقامه نمی‌گویند - هرچند کراهت دارد - و اگر متفرق شدند اذان و اقامه می‌گویند.

اگر نمازگزار برای نماز فرادا، اذان و اقامه بگوید و بعد بخواند به جماعت ملحق شود مستحب است که دوباره اذان و اقامه بگوید.^(۱)

دوم: مؤذن

مؤذن باید عاقل، مسلمان، مؤمن و مرد باشد، اما بلوغ شرط نیست و همین که مُمَيِّز باشد، کفایت می‌کند.

مستحب است که مؤذن عادل و دارای صدایی رسا^(۲) و بینا باشد، اوقات

۱- و همچنین اگر فردی غیر از امام جماعت، اقامه بگوید صحیح است، و امام تکبیرة الاحرام گفته و نماز را شروع می‌کند. حتی کسی که می‌خواهد فرادا نماز بخواند، می‌تواند به اذانی که دیگری گفته است اکتفا کند و فقط اقامه بگوید و نمازش را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۴۶)

۲- البته این موارد، مستحب است، و اگر مؤذن صدای رسایی نداشت، و یا حتی اگر زبان‌ش می‌گرفت و بعضی حروف را خوب تلفظ نمی‌کرد یا بعضی قواعد نحوی را رعایت نمی‌کرد، اشکالی ندارد، و اذاتش صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص ۴۷)

نمازهای یومیّه را بداند، با طهارت باشد و بر ارتفاع بایستد.
 زن می‌تواند برای زنان اذان بگوید. اگر نمازگزار در نماز فرادا سهواً اذان
 نگوید و نماز را آغاز کند نمازش را ادامه می‌دهد. اگر کسی پیدا نشود که بدون
 اجرت اذان بگوید باید اجرت مؤذن از بیت‌المال داده شود.

سوم: کیفیت اذان

باید اذان را بعد از داخل شدن وقت بگویند. هنگام صبح می‌شود قبل از طلوع
 فجر اذان گفت ولی بعد از طلوع باید دوباره تکرار شود.
 بخش‌های اذان عبارت‌اند از: چهار تکبیر (الله اکبر)، شهادت به توحید (أشهد
 أن لا اله إلا الله)، بعد شهادت به رسالت (أشهد أن محمداً رسول الله)؛ و بعد
 شهادت به ولایت (أشهد أن علياً و الأئمة من ولده حجج الله)؛ و بعد شهادت به
 هدایت (أشهد أن المهدي و المهديين من ولده حجج الله)، سپس بگوید: (حَيَّ
 عَلَى الصَّلَاةِ)، (حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) بعد (حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) و تکبیر (الله اکبر) و
 تهلیل (لا الله الا الله) و هر کدام از این بخش‌ها را دو بار تکرار می‌کند.^(۱)
 اقامه، همین بخش‌ها را دارد با این تفاوت که در اقامه همه بخش‌ها دو بار
 گفته می‌شود و بعد از (حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ)، دو بار «قد قامت الصلاة» و تهلیل
 (لا الله الا الله) آخر نیز یک‌بار گفته می‌شود.
 ترتیب بخش‌ها باید در اذان و اقامه رعایت شود.

۱- یعنی (الله اکبر) اول اذان را چهار بار، و سایر بخش‌ها را دو بار تکرار می‌کند. (مترجم)

در اذان و اقامه هفت چیز مستحب است:

- * روبه‌قبله ایستادن
- * توقف کردن در آخر هر بند از اذان و اقامه
- * در اذان درنگ کند و آرام آرام اذان بگوید
- * اقامه را با شتاب بگوید
- * بین اذان و اقامه سخن نگوید
- * بین اذان و اقامه با یک نماز دورکعتی یا با یک نشستن یا سجده فاصله اندازد، به‌جز در نماز مغرب که بهتر است با یک گام یا با لحظه‌ای سکوت، بین آن‌ها فاصله بیندازد.
- * اگر مرد اذان می‌گوید با صدای بلند اذان بگوید.
- 👉 همهٔ این مستحبات، در اقامه استحبابش بیشتر است.
- * بیچاندن صدا در اذان مکروه است، مگر برای اطلاع دادن به تعداد بیشتری از مردم باشد.
- * گفتن: «الصلاة خیر من النوم» در اذان حرام است.

چهارم: احکام اذان

چند مسئله:

- اول:** اگر کسی هنگام خواندن اذان یا اقامه بخوابد و بعد بیدار شود، مستحب است که از ابتدا شروع کند، البته می‌تواند از همان‌جا که خوابش برده بود ادامه دهد؛ و کسی که از هوش برود نیز همین حکم را دارد.

دوم: اگر کسی اذان بگوید و بعد مرتد شود سایر افراد می‌توانند به اذان او اکتفا کرده، فقط اقامه بگویند؛ و اگر در بین گفتن اذان مرتد شود و دوباره از ارتدادش برگردد، باید اذان را از ابتدا شروع کند.

سوم: مستحب است کسی که اذان را می‌شنود خود نیز آن را زمزمه کند.

چهارم: هنگامی که مؤذن گفت: «قد قامت الصلاة» حرف زدن شدیداً مکروه می‌گردد، مگر در مورد چیزهایی که به تدبیر امور نمازگزاران مربوط باشد.

پنجم: مکروه است مؤذن به چپ و راست رو برگرداند. مؤذن باید هنگام اذان به سوی قبله بایستد.

ششم: اگر چندین نفر خواهان اذان گفتن باشند، اولویت با فرد عالم‌تر و سپس با فرد پرهیزگارتر است، و در صورت تساوی افراد با استخاره قرآن، مؤذن انتخاب می‌گردد.

هفتم: اگر گروهی با هم باشند، جایز است همه باهم اذان بگویند؛ و در صورت داشتن وقت، بهتر است یکی پس از دیگری اذان بگویند.

هشتم: اگر امام جماعت صدای اذان گفتن فردی را بشنود، می‌تواند به همان اذان برای آغاز نماز کفایت کند، هر چند مؤذن نیت فرادا داشته باشد.

نهم: اگر در حین اذان یا اقامه حدیثی از فرد سر بزنند، طهارت حاصل

کرده، از همان جا ادامه دهد، البته در مورد اقامه بهتر است بعد از طهارت، دوباره از ابتدا اقامه را شروع کند.^(۱)

دهم: اگر در حین نماز از نماز گزار حدثی سر بزند، طهارت حاصل کرده، نماز را از ابتدا بخواند، اقامه را تکرار نمی‌کند مگر اینکه سخن گفته باشد.

یازدهم: اگر کسی بخواند پشت سر امام جماعتی که نمی‌شود به او اقتدا کرد نماز بخواند،^(۲) باید برای خودش اذان و اقامه بگوید؛ و اگر بترسد که نماز را از دست دهد می‌تواند با دو تکبیر و گفتن (قد قامت الصلاة) نماز را به جا آورد، و اگر این امام جماعت در بخشی از اذان اشکال داشته باشد، مستحب است مأوم صحیح آن را بخواند.

۱- طهارت داشتن هنگام اذان و اقامه، مستحب است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۱)

و اگر کسی نماز ظهر را بخواند و مدتی طولانی مشغول خواندن نافله و دعا و... شود، تا زمانی که جایگاه سجده خود را ترک نکرده باشد، نیاز نیست برای نماز بعدش، دوباره اذان بگوید و همان اذان که برای نماز ظهر گفته بود کافی است. (احکام الشریعة بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۰)

۲- چون شروط امامت در او نبوده است. (مترجم)

بخش دوم: افعال نماز

افعال نماز دو بخش دارد: واجب و مستحب،^(۱) و واجباتش هشت چیز است:

واجبات نماز:

اول: نیت

نیت در نماز از ارکان^(۲) است؛ و اگر نماز گزار عمدأ و یا سهوآ، در نیت خللی ایجاد کند نماز آغاز نمی شود. حقیقت و اصل نیت این است که در ذهنش بداند که چه نمازی می خواند، یعنی در ذهنش این موارد مشخص باشد: واجب یا مستحب بودن نماز، قصد قربت، و تعیین نمازی که می خواند، و ادا و قضا بودن آن، و نیازی نیست به زبان آورده شود.

وقت نیت در هنگام انجام اولین جزء از تکبیرة الاحرام است و واجب است که تا آخر نماز نیت ادامه یابد، به این صورت که نیت اول نماز از بین نرود.

۱- واجبات نماز عبارت اند از: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، رکوع، سجود، تشهد و سلام؛ و مستحبات نماز عبارت اند از: دعا، قنوت، تعقیبات و... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۲)

۲- رکن در نماز، افعالی هستند که چه عمدأ و چه سهوآ و یا از روی فراموشی، کم یا زیاد شوند، نماز باطل است؛ و ارکان نماز پنج تا هستند: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام، رکوع و دو سجده. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۲)

اگر نیت کند از نماز خارج شود نمازش باطل نمی‌شود؛ همین‌طور اگر بخواهد (نیت کند) کاری که نماز را باطل می‌کند انجام دهد نیز نمازش باطل نمی‌شود، مگر اینکه آن عمل را انجام دهد که در آن صورت نمازش باطل می‌گردد. همچنین اگر قصدش از افعال نماز یا کاری غیر از نماز باشد، نمازش باطل می‌گردد.

تغییر دادن نیت نماز در مواردی جایز است: تغییر نیت نماز ظهر جمعه به نماز نافله، برای کسی که یادش برود سوره جمعه را بخواند و سوره دیگری خوانده باشد، و مانند تغییر نیت نماز واجب کنونی بر نماز قضای قبلی، درحالی که وقت برای خواندن نماز کنونی باقی باشد.

دوم: تکبیره الاحرام

تکبیره الاحرام در نماز رکن است و نماز بدون آن صحیح نیست و اگر به سبب فراموشی در آن خللی ایجاد شود، نماز باطل است. شکل آن، گفتن: «الله اکبر» است و با گفتن معنی آن، نماز منعقد نمی‌شود و حتی اگر در حرفی از حروف آن خلل ایجاد شود نماز منعقد نمی‌شود. اگر نتواند به‌طور صحیح آن را ادا کند (مانند اشخاص غیر عرب) لازم است یاد بگیرد و اگر وقت کافی داشته باشد، نماز را بدون آن آغاز نکند؛ و اگر وقت نماز تنگ شد، باید با ترجمه تکبیره الاحرام وارد نماز شود.

فرد لال تا حد امکان باید تکبیره الاحرام را بگوید و اگر اصلاً نتواند سخن بگوید با احساس قلبی خود معنای آن را به‌جا آورد و برای آن اشاره هم بکند.

رعایت ترتیب در تکبیره الاحرام واجب است^(۱) و اگر برعکس بگوید، نماز منعقد نمی شود.

واجب است بعد از تکبیره الاحرام، شش تکبیر بگوید که در مجموع هفت تکبیر می شود. تکبیر اول، تکبیر آغاز نماز است.

اگر تکبیر بگوید و نیت آغاز نماز داشته باشد و دوباره تکبیر بگوید و باز نیت آغاز کند، نمازش باطل می شود. اگر سومین تکبیر را بگوید و با آن نیت آغاز نماز کند، نماز منعقد می شود و باید بعد از آن شش بار تکبیر بگوید. واجب است نماز گزار ایستاده تکبیر بگوید. اگر نماز گزار توانایی ایستادن داشته باشد ولی نشسته و یا در حال بلند شدن تکبیر بگوید، نماز منعقد نمی شود.

مستحبات تکبیر چهار چیز است:

اینکه لفظ جلاله «الله» بدون مدّ بین حروف بوده و لفظ «اکبر» بر وزن «أفعل» باشد، و امام جماعت طوری تکبیر بگوید که نماز گزاران صدای او را بشنوند. نماز گزار دستانش را هنگام تکبیر به گونه ای بالا ببرد که کناره انگشت میانی اش به موازات گوش برسد و انگشت شصت، باز و به سمت گلو باشد.

۱- یعنی ابتدا باید کلمه (الله) و سپس کلمه (اکبر) را بگوید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب

سور: قیام

قیام در صورت توانایی از ارکان است و اگر نماز گزار سهواً و یا عمداً در آن خللی ایجاد کند نمازش باطل است. اگر بتواند بدون کمک گرفتن بایستد باید چنین کند و اگر نتواند، واجب است که از هر وسیله‌ای که ممکن بود کمک بگیرد، البته کمک گرفتن از دیوار حتی با وجود توان هم جایز است.

اگر بتواند بخشی از نماز را ایستاده بخواند باید همان قدر که می‌تواند بایستد و اگر نتواند، باید نشسته نماز بخواند. فردی که نشسته نماز می‌خواند اگر بتواند فقط برای رکوع بایستد باید چنین کند، در غیر این صورت نشسته رکوع کند. اگر نتواند نشسته نماز بخواند باید به پهلو بخوابد^(۱) و نماز بخواند و اگر نتواند، باید به پشت بخوابد^(۲) و نماز بخواند و در این دو حالت اخیر باید با اشاره رکوع و سجده را به جا آورد.

اگر فردی در حین نماز نتواند بر حالتی باقی بماند باید به کمتر از آن منتقل شود و نماز را ادامه دهد، مثلاً اگر ایستاده باشد و نتواند ادامه دهد باید بنشیند و اگر نشسته باشد و نتواند، باید به پهلو بخوابد و اگر به پهلو خوابیده باشد و نتواند، باید به پشت بخوابد و عکس آن نیز اینچنین است.^(۳) اگر کسی نتواند سجده

۱- به طوری که صورت و سینه‌اش به سمت قبله باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۹)

۲- شبیه محضّر، یعنی کف پاهایش رو به قبله باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۸)

۳- یعنی اگر کسی نمی‌تواند و نمازش را درحالی که به پشت خوابیده است می‌خواند و در بین نماز

کند، آنچه بر آن سجده می کند را بالا آورده و بر پیشانی بگذارد و اگر نتوانست باید به جای سجده اشاره کند.

سنت در حالتی که نشسته نماز می خواند دو چیز است:

اینکه نماز گزار در حال قرائت، چهارزانو و در حین رکوع، دوزانو بنشیند، و در حین تشهد، به حالت تَوَرُّك بنشیند.^(۱)

چهارم: قرائت

قرائت واجب است و منظور از آن، خواندن سوره حمد در هر نماز دورکعتی و در دو رکعت اول نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی است. باید همه سوره حمد، کامل خوانده شود. در صورتی که عمداً حمد را اشتباه بخواند، نمازش صحیح نیست، حتی اگر یک حرف و یا حتی تشدید حروف یا اعراب آن‌ها را اشتباه بگوید.^(۲) «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه (اول) سوره حمد و قرائت آن واجب است. قرائت ترجمه سوره «حمد» کفایت نمی کند. رعایت ترتیب کلمات و آیات سوره حمد همان گونه که نقل شده، واجب است و اگر عمداً خلاف آن

حالش بهتر شد و توانایی اش را پیدا کرد باید به پهلو دراز بکشد یا بنشیند یا حتی اگر نتوانست بایستد و نماز را ایستاده ادامه دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۹)

۱- یعنی بر ران پای چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۵۹)

۲- رعایت قوانین تجوید در نماز لازم نیست و همین قدر که به گونه ای قرائت کند که معنا را برساند کفایت می کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۱)

خوانده شود باید [نماز را] از ابتدا بخواند؛ و اگر از روی فراموشی در قرائت اشتباه کند تا وقتی به رکوع نرفته است باید دوباره [حمد را] قرائت کند، ولی اگر به رکوع رفت نماز را ادامه می‌دهد، هر چند یادش بیاید.

کسی که نمی‌تواند صحیح قرائت کند واجب است یاد بگیرد، و اگر وقت نماز تنگ گردد باید تا جایی که بتواند بخواند، یا «بسم‌الله الرحمن الرحیم» سوره حمد را ده بار بخواند، و اگر نتوانست، هرچقدر از قرآن [به جز حمد] که می‌داند را بخواند و یا به اندازه‌ای که معادل قرائت باشد (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر) بگوید، و پس از آن واجب است قرائت را یاد بگیرد. فرد لال باید زبان خود را به نیت قرائت حرکت دهد و معانی را از قلب خود عبور دهد.

در رکعت‌های سوم و چهارم باید سوره حمد را بخواند، چه امام باشد و چه مأموم و چه اینکه فرادا نماز بخواند؛ و اگر نتوانست ده بار «بسم‌الله الرحمن الرحیم» بخواند و اگر نتوانست تسبیحات بگوید.

در رکعت اول و دوم نمازهای پنج‌گانه، در صورت وسعت وقت و امکان یادگیری و داشتن اختیار، خواندن یک سوره کامل بعد از حمد واجب است. اگر نماز گزار سوره را مقدم بر حمد بخواند باید حمد را بخواند و دوباره همان سوره یا سوره‌ای دیگر را بعد از حمد بخواند.^(۱) خواندن مقداری از سوره‌های عزائم

۱- بسم‌الله الرحمن الرحیم، قسمتی از هر سوره می‌باشد، و بسم‌الله در هر سوره، مخصوص همان سوره می‌باشد، پس قبل از این که بسم‌الله را بگوید باید بداند که قصد خواندن چه سوره‌ای را دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۲)

(سوره‌هایی که در آن سجده واجب دارد) در نماز واجب جایز نیست؛^(۱) خواندن سوره‌ای که وقت نماز با قرائت آن تمام می‌شود نیز همین حکم را دارد. خواندن دو سوره [در یک رکعت، بعد از حمد] جایز است.^(۲)

اظهار و با صدای بلند خواندن حمد [و سوره] در نماز صبح و دو رکعت اول نماز مغرب و دو رکعت اول نماز عشا واجب است، اما در نمازهای ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و دو رکعت آخر نماز عشا، اخفات و آرام‌خواندن حمد و سوره واجب است.^(۳)

۱- البته نمازش باطل نیست.

و شخصی هم که در حال نماز واجب است و آیه‌ای را می‌شنود که سجده واجب دارد، بعد از تمام شدن نماز، سجده می‌کند.

و در نماز نافله، خواندن سوره‌های عزائم، اشکالی ندارد و اگر خواند، به موضع سجده که رسید، سجده‌اش را انجام داده، برمی‌خیزد و قرائتش و نمازش را ادامه می‌دهد. اگر سجده در آخر سوره بود (سوره علق)، بعد از سجده رفتن برمی‌خیزد و بعد به رکوع می‌رود و نماز را ادامه می‌دهد؛ و همچنین اگر در نافله بود و شخص دیگری آیه سجده‌دار خواند و او گوش داد، اگر در حال قرائت بود، به سجده رفته، برمی‌خیزد و نماز را ادامه می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۳)

۲- البته خواندن بیش از دو سوره، جایز نیست. نماز گزار می‌تواند، یک سوره را که در حال خواندن آن است، رها کند و مشغول خواندن سوره دیگری شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۳)

۳- البته اگر شخصی به خاطر جهل یا فراموشی، درجایی که باید نماز را به صورت جهر و بلند بخواند، آهسته و به صورت اخفات بخواند (و برعکس)، اشکالی ندارد و نیازی نیست که نماز را دوباره بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۴)

کمترین مقدار جهر [بلندی صدا] آن است که اگر فردی از نظر شنوایی سالم و در نزدیکی نمازگزار باشد، صدایش را بشنود و اخفات [مخالف جهر] آن است که انسان اگر شنوا باشد، خود صدای خویش را بشنود. بر زنان، جهر در نماز واجب نیست.^(۱)

مستحبات قرائت:

* بلندخواندن «بسم‌الله...» در حمد و سوره، در جاهایی که آهسته خواندن آن سوره‌ها لازم است.^(۲)

* ترتیل در قرائت و وقف کردن در جایی که لازم است.

* خواندن سوره بعد از حمد در نوافل.

* خواندن سوره‌های کوتاه در نماز ظهر، عصر و مغرب مانند سوره «قدر» و «کافرون»، و خواندن سوره «اعلی» و «طارق» و شبیه آن‌ها در نماز عشا، و خواندن سوره «مدثر» و «مزل» و شبیه آن‌ها در نماز صبح.

* خواندن سوره «هل اتی» در نماز صبح روز دوشنبه و پنج‌شنبه، و خواندن سوره «جمعه» و «اعلی» در نماز مغرب و عشا شب جمعه، و سوره «جمعه» و «توحید» در نماز صبح روز جمعه، و خواندن سوره «جمعه» و «منافقین» در نماز

۱- اگر زنی نمازش را به صورت جهر و بلند بخواند (هرچند نباید این کار را می‌کرد)، اما نمازش صحیح است، چه نامحرم صدایش را بشنود و چه نشنود. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۴)

۲- مثلاً در نماز ظهر که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، خوب است که «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را در ابتدای آن‌ها، بلند و به صورت جهر بخوانیم. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۵)

ظهر و عصر جمعه.

* در نوافل روز، خواندن سوره‌های کوتاه با صدای آهسته، و در نوافل شب خواندن سوره‌های طولانی با صدای بلند، سنت است؛ و اگر وقت تنگ باشد در نوافل شب نیز سوره‌های کوتاه می‌خواند.

* خواندن سوره «قل یا ایها الکافرون» در هفت موضع^(۱) از نمازها سنت است و اگر در این مواضع سوره «توحید» را آغاز نماید، اشکالی ندارد.

* همچنین سنت است که در دو رکعت اول نماز شب، سی بار «توحید» بخواند و در باقی رکعات سوره‌های طولانی قرائت شود.

* در نماز جماعت نیز مستحب است که امام جماعت به قدری صدایش را بالا ببرد که نمازگزاران صدایش را بشنوند و خیلی صدایش را بالا نبرد؛ و همچنین مستحب است که در تشهد، شهادتین را با صدای واضح و رسا بخواند.

* اگر در نماز، آیات رحمت خوانده شد، نمازگزار آن نعمت‌ها را از خداوند طلب کند و اگر آیات عذاب خوانده شد، به خدا پناه ببرد.

مسائل هفت گانه:

اول: گفتن «آمین» در پایان سوره حمد جایز نیست.

۱- هفت موضع: در رکعت اول نمازهای نافله ظهر و مغرب، نافله‌های شب، نافله صبح، نماز واجب صبح، در رکعت اول از شش رکعت نماز مستحبی که قبل از احرام می‌خوانند و در رکعت اول از دو رکعت نماز طواف. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۶۵)

دوم: موالات در قرائت، شرط صحت است و اگر در حین خواندن سوره [حمد]، از سوره‌ای دیگر بخواند، یا اینکه به نیت قطع قرائت، سکوت کند باید از نو بخواند؛ اما اگر هنگام قرائت ساکت شود و نیت قطع قرائت نداشته باشد یا نیت قطع کند ولی قرائت را قطع ننماید، نمازش را ادامه می‌دهد.

سوم: سوره «والضحی» و «الم نشرح» یک سوره هستند؛ و همچنین سوره «فیل» و «لایلاف قریش»؛ یعنی در هر رکعت از نماز باید هر دو را باهم خواند و نمی‌توان یکی از آن‌ها را به تنهایی بعد از حمد به‌عنوان سوره، در یک رکعت قرائت کرد، و همچنین نیازی به گفتن «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» بین آن‌ها نیست.

چهارم: اگر شخصی ندانسته یا از روی فراموشی در جایی که باید نماز را بلند بخواند، آهسته بخواند یا برعکس، اشکالی ندارد و نیازی نیست که نماز را دوباره بخواند.

پنجم: اگر فردی نمی‌تواند سوره حمد را بخواند، اگر به‌جای آن ده بار «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» را تکرار کند یا دوازده بار تسیح بگوید، به این صورت که «سبحان‌الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر» را سه بار تکرار نماید.

ششم: اگر شخصی در نماز نافله یکی از سوره‌های عزائم^(۱) را بخواند،

۱- سوره‌هایی که دارای آیه‌ای هستند که با خواندن یا گوش دادن به آن، سجده کردن بر شخص،

یا اگر در نماز نافله و در حال قرائت بود و شخص دیگری آیه سجده‌دار خواند و او گوش داد، به آیه سجده‌دار که رسید باید به سجده برود، سپس برخاسته، قرائتش را تمام کند و به رکوع برود (و نمازش را ادامه دهد). اگر آیه سجده‌دار در آخر سوره بود (سوره علق)، مستحب است بعد از خواندن آن به سجده برود و سپس برخیزد و سوره حمد را بخواند و سپس رکوع نماید تا از حال قرائت به رکوع رفته باشد.

هفتم: معوذتین [سوره‌های «فلق» و «ناس»] جزو قرآن هستند و می‌توان آن‌ها را در نمازهای واجب یا مستحب قرائت نمود.

پنجم: رکوع

در هر رکعت از نماز، یکبار رکوع واجب است، مگر در نماز کسوف و آیات.^(۱)

رکوع از ارکان نماز است، و در صورتی که عمداً یا سهواً در آن خللی ایجاد شود نماز باطل می‌شود؛ که توضیح آن خواهد آمد.^(۲)

واجب می‌شود. (مترجم)

۱- در نماز کسوف و آیات، در هر رکعت، چند بار رکوع انجام می‌شود، که توضیحش در مبحث نماز آیات خواهد آمد. (مترجم)

۲- توضیحش در مبحث احکام خلل در نماز خواهد آمد. (مترجم)

واجبات رکوع پنج مورد است:

اول: نماز گزار به قدری خم شود که بتواند دستان خود را بر زانوها بگذارد و اگر دستان او به قدری دراز باشد که بدون خم شدن به زانوها می‌رسد باید به اندازه افراد عادی خم شود. اگر به دلیل عارضه‌ای (مثلاً بیماری) نتواند خم شود تا جایی که ممکن است اقدام به خم شدن کند و اگر اصلاً نتوانست خم شود باید اشاره کند؛ و اگر (مادرزادی یا به خاطر بیماری) شکل ایستادنش همانند حالت رکوع باشد، باید به مقدار کمی خم شده خم شود تا ایستادن و رکوعش باهم متفاوت باشد.

دوم: آرام بودن بدن در صورت توانایی، به اندازه‌ای که بتواند ذکر واجب رکوع را بگوید،^(۱) و اگر بیمار باشد و نتواند در هنگام رکوع چند ثانیه آرامش بدنش را حفظ کند، از او ساقط می‌شود، همان گونه که اگر اصلاً نتواند رکوع نماید انجام آن ساقط می‌گردد.

سوم: سر برداشتن از رکوع واجب است و جایز نیست قبل از اینکه از حالت رکوع بلند شود بلافاصله به سجده برود، مگر عذری داشته باشد؛ و اگر برای سر برداشتن از رکوع نیاز داشته باشد به چیزی تکیه کند واجب

۱- جایز نیست که شخص عجله کند و به اندازه‌ای که ذکر رکوعش کامل شود، در رکوع ساکن نماند، اما اگر از روی غفلت این کار را کرد، رکوعش صحیح است و نیاز نیست دوباره رکوعش را به جا آورد، و نیازی به تکرار نماز هم نیست. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص

است چنین کند.

چهارم: آرام بودن بدن پس از سر برداشتن از رکوع؛ یعنی صاف بایستد و بدنش ساکن باشد، حتی اگر برای یک لحظه کوتاه باشد.

پنجم: ذکر تسبیح رکوع، یعنی خواندن یک ذکر چه تکبیر باشد و چه تهلیل (لا اله الا الله) یا حمد یا شکر خداوند؛ و کمترین مقدار آن در حالت اختیار، یک تسبیح کامل است: «سبحان ربی العظیم و بحمده» یا «سبحان ربی العلی و بحمده» یا گفتن سه بار «سبحان الله» و در صورت ضرورت، یک بار کفایت می کند.

برای رفتن به رکوع، گفتن تکبیر واجب است.

مستحبات و مکروهات رکوع:

مستحب است: نماز گزار در تکبیر قبل از رکوع، دستان را تا موازات گوش بالا آورده، سپس دستها را انداخته، رکوع نماید، و دستان را در حالی بر زانوها بگذارد که انگشتانش از هم باز باشد. اگر یکی از دستان مشکل داشته باشد دست دیگر را بر زانو بگذارد.

زانوها به عقب رانده شود و کمر راست گردد و گردن در موازات پشت باشد، و قبل از ذکر رکوع دعا کند و تسبیح رکوع را سه، پنج، هفت بار و یا بیشتر تکرار کند. امام جماعت صدای خود را در حین رکوع بالا ببرد و بعد از سر برداشتن بگوید: «سمع الله لمن حمده» و بعد دعا

بخواند.

مکروه است: نماز گزار در حالتی رکوع کند که دستانش زیر لباس

باشند.

ششم: سجده

در هر رکعت دو سجده واجب است و هر دو سجده باهم، یک رکن هستند و با ایجاد خلل از روی عمد یا خطا (سهوی) در هر دو سجده، نماز باطل می‌شود ولی در صورت اخلال سهوی در یکی از آن‌ها نماز باطل نیست.

واجبات سجده شش چیز است:

اول: سجده بر هفت عضو از بدن شامل پیشانی، کف دستان، زانوها

و انگشت شصت هر دو پا.

دوم: گذاردن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است. سجده

بر دنبالهٔ عمامه کفایت نمی‌کند.

سوم: در سجده باید به اندازه‌ای خم شد که پیشانی و پاها در یک

سطح قرار بگیرند. اگر در محل قرار گرفتن پا و پیشانی اختلاف ارتفاع

کمی باشد، اشکال ندارد ولی نباید این اختلاف بیشتر از ارتفاع یک

خشت آجر باشد.

اگر چیزی مانع این واجب در سجده شود باید هرطور که می‌تواند

سجده را انجام دهد و اگر نیاز بود آنچه بر آن سجده می‌کند را با دست

برداشته و بر پیشانی بگذارد، باید چنین کند، و اگر انجام هیچ یک از این‌ها برایش مقدور نبود باید اشاره کند.

چهارم: ذکر سجده همان گونه که در ذکر رکوع گفتیم؛ البته به جای «العظیم» و «العلی» باید گفت: «الاعظم» و «الاعلی»^(۱).

پنجم: آرام بودن بدن در سجده واجب است، مگر ضرورتی پیش بیاید که مانع آن شود.

ششم: سر برداشتن از سجده اول و نشستن، طوری که بدن آرام بگیرد؛ و همچنین گفتن تکبیر برای رفتن به سجده و سر برداشتن از آن واجب است.

مستحبات سجده:

هنگام تکبیر گفتن برای رفتن به سجده، دستانش را تا روبه روی صورتش بالا ببرد، به گونه‌ای که کناره انگشتانش تا نزدیک گوش برسد و انگشت شصت باز و به سمت گلو باشد که این، نماز ملائکه است؛ سپس طوری به سمت زمین فرود بیاید که ابتدا دستانش به زمین برسد؛ و محل پیشانی در سجده هم سطح یا پایین تر از موضع ایستادن باشد و بینی را به خاک بگذارد و دعا کند و بر ذکر تسبیح

۱- یعنی بگوید: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» یا «سبحان ربی الاعظم و بحمده» (احکام الشریعه بین

۱۴۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

سجده تا حد امکان بیفزاید. بین دو سجده دعا کند و به حالت «تَوَرَّك»^(۱) بنشیند، و بعد از سجده دوم با آرامش بنشیند. هنگام برخاستن دعا کند و بر دستان خود تکیه کند و اول زانوها را بلند نماید (بعد دست‌ها را از زمین جدا کند).
«اقعاء»^(۲)، بین دو سجده مکروه است.

سه مسئله:

اول: اگر کسی مانعی برای قرار دادن پیشانی بر زمین داشته باشد، [مانند اینکه در پیشانی‌اش دمل داشته باشد] اگر دمل همه پیشانی‌اش را فرانگرفته باشد، باید در زمین [چاله‌ای] بکند، به گونه‌ای که بخش سالم پیشانی با زمین تماس بیابد و اگر نتوانست، بر یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر نتوانست و مانعی داشت بر چانه خود سجده کند.

دوم: سجده‌های قرآن پانزده عدد است. چهار سجده واجب، که در سوره‌های «فصلت» و «سجده» و «نجم» و «علق» قرار دارند.

یازده سجده دیگر مستحب است؛ بدین ترتیب: در سوره «اعراف»، «رعد»، «نحل»، «بنی اسرائیل»، «مریم»، در سوره «حج» در دو موضع و در

-
- ۱- یعنی بر روی ران پای چپ بنشیند، و روی پای راستش را بر کف پای چپ قرار دهد. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۷۴)
- ۲- یعنی باسن را روی زمین گذاشته و دو پای خود را درون سینه جمع کند، به طوری که زانوهایش مقابل صورتش قرار بگیرد و دو ساق و دو ران پایش، راست و عمود بر زمین باشد. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۷۴)

سوره «فرقان»، «نمل»، «ص» و سوره «انشقاق».

در سوره‌های چهارگانه عزائم، سجده هم بر خواننده و هم شنونده‌ای که گوش می‌کند واجب است و برای کسی که فقط به گوشش خورده مستحب است و در سایر سجده‌ها هم که در هر صورت (چه برای قاری، چه کسی که گوش کند و چه آن که به گوشش بخورد) مستحب است.

در این سجده‌ها (چه واجب و چه مستحب) تکبیر و تشهد و سلام، واجب نیست و نیز طهارت و روبه‌قبله بودن شرط نیست و اگر فراموش کرد می‌تواند آن را بعداً به‌جا آورد.

سوم: دو سجده شکر هنگام تجدید نعمت و دفع بلا و بعد از نمازها مستحب است؛ و همچنین مستحب است که در بین آن‌ها دو طرف پیشانی و گونه‌ها را بر خاک بمالد.

هفتم: تشهد

تشهد در هر نماز دو رکعتی، یک‌بار، و در نماز سه رکعتی و چهار رکعتی، دو بار واجب می‌شود. اگر در تشهد اول یا دوم و یا هر دو عمداً خللی ایجاد کند، نماز باطل می‌شود.

بیج مومرد در تشهد واجب است:

نشستن به اندازه [قرائت] تشهد، خواندن شهادتین، و صلوات بر محمد و آل

محمد به این گونه: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

کسی که تشهد را به‌طور نیکو نمی‌خواند، اگر وقت کم بود باید هرآنچه می‌داند به‌جا آورد، و بر او واجب است بعداً آنچه را نمی‌داند بیاموزد.

مستحبات تشهد:

نشستن به حالت تَوَرُّكْ؛ یعنی بر روی ران چپ بنشیند و دو پایش را از زیرش بیرون آورده، روی پای چپ را بر زمین گذارده، روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد. گفتن دعا و ستایش خدا، بیشتر از مقدار واجب.

هشتم: سلام

سلام در نماز، واجب است و بدون آن، نمازگزار از حالت نماز خارج نمی‌شود، به این صورت که بگوید: «السلام علیکم ورحمة الله و برکاته».^(۱)

مستحبات سلام:

اگر نمازگزار به‌صورت فرادا نماز می‌خواند، یک سلام به‌سوی قبله بگوید و با گوشه چشم خود به سمت راست اشاره کند. در نماز جماعت، امام جماعت و مأوم با صورت خود به سمت راست اشاره کنند و سلام دهند، و اگر کسی در

۱- گفتن «السلام علیکم ایها النبی...، السلام علینا و علی عباد الله...» قبل از سلام، مشکلی در نماز ایجاد نمی‌کند و می‌تواند قبل از سلام، هر دعای دیگری که خواست بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المحیب جزء دوم، صلاة: ص ۷۷)

سمت چپ آنها باشد با صورت خود به سمت چپ اشاره کنند و دوباره سلام دهند.

پنج چیز در نماز مستحب است:

اول: دعا کردن بعد از هر دو تکبیر از تکبیرات شش گانه بعد از تکبیره الاحرام، به این گونه که سه تکبیر بگوید و دعا نماید،^(۱) بعد دو تکبیر گفته و دعا نماید،^(۲) مجدداً دو تکبیر گفته و دعا نماید.^(۳) اولین تکبیر از تکبیرهای هفت گانه، را تکبیره الاحرام قرار دهد و هنگام گفتن آن، [باید] نیت نماز کند؛ و با تکبیره الاحرام، نماز آغاز می شود.

دوم: قنوت در رکعت دوم هر نماز، قبل از رکوع و بعد از قرائت

۱- «اللهم انت الملك الحق لا اله الا انت سبحانك انى ظلمت نفسى فاغفر لى ذنبى، انه لا يغفر الذنوب الا انت» (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء دوم، صلاة: ص ۷۸)

۲- «لیبک و سعديک و الخیر فی یدیک و الشر لیس الیک و المهدى من هدیة لا ملجأ منک الا الیک سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک رب البیت». (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء دوم، صلاة: ص ۷۸)

۳- «وجهت وجهی للذی فطر السماوات و الارض عالم الغیب و الشهادة حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین ان صلواتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له بذلک امرت و انا من المسلمین». آنگاه اعوذ بالله می گوید و شروع به خواندن حمد می کند. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء دوم، صلاة: ص ۷۸)

۱۵۰..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

حمد و سوره انجام می‌شود. مستحب است در قنوت، دعاها و اذکاری که در روایات آمده است را بخواند؛ و در غیر این صورت هر دعایی که خواست بخواند و کمترین مقدار آن گفتن سه بار «سبحان الله» است؛ همچنین قنوت بعد از رکوع پایانی در هر نماز نیز مستحب است.

نماز جمعه دو قنوت دارد، در رکعت اول قبل از رکوع و در رکعت دوم بعد از رکوع.

اگر قنوت را فراموش کرد بعد از رکوع قضای آن را به‌جا می‌آورد.

سوم: [مستحب است] در حین قیام به سجده گاهش، در حین قنوت به کف دست‌ها، در حال رکوع به فاصله میان پاهایش، هنگام سجده به سمت بینی و در حال تشهد به روی پاهایش نگاه کند. بهتر است نمازگزار در حین نماز، چشمان خود را در همه حال به زیر افکند.

چهارم: قرار دادن دستان در حین قیام بر ران و به موازات زانوها و در حین قنوت روبه‌روی صورت و هنگام رکوع، بر روی زانوها و هنگام سجده، به موازات گوش‌ها و در حالت تشهد، روی ران‌ها.

پنجم: تعقیبات. کمترین میزان تعقیب نماز، سه بار تکبیر گفتن است و نباید در هر حال ترک گردد، چراکه این تکبیرها کامل‌کننده ده مقام حج و کمال معرفت هستند.^(۱) بهترین تعقیب نماز، تسبیح حضرت زهرا

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه، مراجعه شود به جلد سوم کتاب مشابهاات، پرسش ۹۳.

می باشد و بعد از آن خواندن دعاهایی که در این مورد روایت شده است و اگر نشد هر چقدر که می تواند.

مبطلات نماز:

دو گونه هستند:

اول: چیزهایی که چه عمدی و چه سهوی انجام شود، نماز را باطل می کند، که عبارت اند از: هر چه که طهارت را باطل می کند، چه به اختیار انسان باشد و چه بدون اختیار، مانند خروج ادرار و مدفوع و سایر مواردی که وضو^(۱) را باطل می کند، و جنابت و حیض و آنچه شبیه آنها که از مبطلات غسل باشد.^(۲)

دوم: مواردی که فقط در صورتی نماز را باطل می کند که از روی عمد باشد که عبارت اند از: گذاشتن دست راست روی دست چپ، برگرداندن سر به پشت، سخن گفتن به دو حرف یا بیشتر (مگر اینکه برای یادآوری امام به تعداد رکعت ها باشد که در این صورت نمازش باطل نمی شود؛ مثل اینکه امام نماز ظهر را سه رکعت بخواند و تشهد بگوید و

(احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۰)

۱- مانند باد و خواب و بی هوشی. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۲)

۲- مانند نفاس و استحاضه و مس میت. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

سلام دهد، که در این صورت مأوموم به او می‌گوید: «ما فقط سه رکعت خواندیم» تا به امام یادآور شود، و اشکالی بر مأوموم نیست که -بعد از یادآوری به امام- بایستد و با امام رکعت چهارم را به پایان برساند، قهقهه زدن، انجام حرکات و کارهای فراوانی که جزو اعمال نماز نباشد، گریه کردن برای امور دنیوی، خوردن و آشامیدن اگر زیاد باشد، اما خوردن مقدار کم -مانند آنچه از غذا در میان دندان‌ها باشد- نماز را باطل نمی‌کند. خوردن آب برای کسی که نماز وتر می‌خواند و تشنه است و می‌خواهد صبح آن روز، روزه بگیرد -به شرطی که به قبله پشت نکند- نیز نماز را باطل نمی‌کند.

مکروهات نماز:

به چپ و راست نگریستن، خمیازه کشیدن، کشیدن دست‌ها برای رفع خستگی و خواب، انجام کار بیهوده [مثلاً با ریشش یا با لباسش بازی کند]، فوت کردن محل سجده، خارج کردن اخلاط از سینه یا سر [شبهه حالتی که فردی که سرماخورده است انجام می‌دهد]، آب دهان انداختن، صدای مفاصل انگشتان را درآوردن، و آه کشیدن و ناله کردن، یک حرف را کشیدن و جلوی ادرار و فضولات و باد شکم را گرفتن. همچنین اگر پاپوش نمازگزار تنگ باشد مستحب است که برای نماز آن را از پا خارج کند.

بستن و بافتن مو برای مرد در حین نماز مکروه است.

مسائل چهارگانه:

اول: اگر شخص حین نماز عطسه کند، مستحب است «الحمد لله» بگوید؛ و همچنین اگر کسی غیر از او عطسه کرد، مستحب است تسمیت کند (یرحمکم الله بگوید).

دوم: اگر کسی به نمازگزار سلام کند می‌تواند با همان لفظ پاسخ دهد، مثلاً اگر به او بگویند: «سلام علیکم»، نباید بگوید: «و علیکم السلام».

سوم: خواندن دعاهایی که دارای تسبیح و ستایش خداوند است یا طلب چیزی از امور مباح دنیوی و اخروی، در حال قیام و نشستن و رکوع و سجود، جایز است. نمازگزار نمی‌تواند برای چیزی که حرام است دعا کند و اگر چنین کند و بداند خواسته‌اش حرام است، نمازش باطل است.

چهارم: نمازگزار می‌تواند برای جلوگیری از تلف شدن مال و یا فرار کسی که به نمازگزار بدهکار است و یا به خطر افتادن جان کودک و مشابه آن، نماز را قطع کند، ولی در حال غیر اضطرار جایز نیست نماز را قطع کند.^(۱)

۱- اگر وسط نماز، کاری انجام دهد که نمی‌داند نماز را باطل می‌کند یا نه، نمی‌تواند به خاطر شک

نماز را بر هم بزند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۴)

بخش سوم: سایر نمازها

[این بخش چند فصل دارد:]

فصل اول: نماز جمعه

که دارای سه بحث در خصوص کیفیت، واجبات و آداب آن است.

اول: [کیفیت] نماز جمعه

دو رکعت است، مانند نماز صبح که با خواندن این دو رکعت، نماز ظهر از گردن مکلف ساقط می‌شود. مستحب است که در نماز جمعه، حمد و سوره بلند خوانده شوند. وقت آن از اذان ظهر تا پایان وقت ظهر است.^(۱)

اگر امام یا مأموم در حال خواندن نماز جمعه باشند و وقت تمام شود باید نماز

۱- مقصود از پایان وقت ظهر، یعنی تا چند دقیقه مانده به غروب آفتاب به اندازه خواندن نماز عصر.

نکته: مدت زمان نماز جمعه باید در حد معمول باشد، نه خیلی طولانی و خسته کننده، و نه خیلی

کوتاه که به ارکان آن صدمه بزند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۶)

را به پایان برسانند، ولی اگر وقت کاملاً تمام شود نمی‌توانند نماز جمعه بخوانند و اگر نماز جمعه را ترک کردند باید قضای نماز ظهر را به‌جا آورند، نه نماز جمعه را.

اگر شخصی در شرایطی قرار گرفت که نماز جمعه بر او واجب شد، ولی او نماز ظهر را به‌جا آورد، باید برای رسیدن به نماز جمعه تلاش کند؛ اگر به نماز جمعه رسید، [صحیح است] و اگر نرسید باید دوباره نماز ظهر بخواند و نماز ظهر اولش کافی نیست.

اگر نمازگزار یقین کند که به‌اندازه دو خطبه و دو رکعت کوتاه نماز وقت دارد، نماز جمعه واجب می‌شود، ولی اگر یقین یا گمان قوی داشته باشد که وقت چنین کاری را ندارد نماز جمعه از دست رفته است و باید نماز ظهر بخواند. اگر به خطبه‌های نماز جمعه نرسید، ولی به یک رکعت از نماز جمعه رسید و یا حتی به رکوع آخر رسید نماز جمعه او درست است، ولی اگر تکبیر گفت و رکوع را به‌جا آورد و پس از آن شک کرد که به رکوع امام رسیده است، یا نه، نماز جمعه او درست نیست و باید نماز ظهر بخواند.

نماز جمعه جز با شرایط زیر واجب نمی‌شود:

اول: وجود حاکم عادل (امام معصوم (علیه السلام))، یا هرکسی که از جانب او منصوب شود. اگر در وسط نماز جمعه، امام (جمعه) فوت کند نماز باطل نمی‌شود، بلکه جایز است جماعت، کسی را جلو بیندازند تا نماز جمعه را برای

آن‌ها تمام کند.^(۱) اگر برای منصوب از طرف امام (علیه السلام) مبطل نماز پیش آید، از جمله بی‌هوشی یا دیوانگی یا حدیثی از او سرزند، همین حکم جاری است.

دوم: تعداد افراد با احتساب خود حداقل باید پنج نفر باشند.^(۲) اگر در هنگام خطبه یا بعد از خطبه و قبل از ورود به نماز پراکنده شوند، وجوب نماز جمعه از بین می‌رود، ولی اگر وارد نماز شدند - حتی به اندازه یک تکبیر - بر آن‌ها واجب است که نماز را به اتمام برسانند، حتی اگر یک نفر بیشتر باقی‌مانده باشد.

سوم: دو خطبه، که در هر کدام از دو خطبه چند چیز واجب است:

★ ستایش خداوند

★ صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

★ نصیحت کردن

★ خواندن یک سوره کوتاه یا یک آیه

۱- نیازی نیست کسی که جلو فرستاده می‌شود توسط همه جماعت انتخاب شود، بلکه اگر تعدادی به او اشاره کنند که جلو رود کافی است؛ و او نیز نماز را ادامه می‌دهد و لازم نیست از ابتدا بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۷)

۲- تعداد افراد نماز جمعه، با حضور بانوان نیز تکمیل می‌شود، اما با حضور کودک غیر بالغ که ممیز هم باشد، تکمیل نمی‌شود. اگر هنگام اذان ظهر، تعدادشان به پنج نفر نرسید، نماز جمعه بر آن‌ها واجب نیست و می‌توانند نماز ظهر بخوانند، البته اگر امید آمدن نفرات دیگر و تکمیل پنج نفر را دارند، صبر کردن بهتر است. اگر امام معین در آنجا حضور نداشته باشد، نماز جمعه مستحب است، اما اگر در مکانی دیگر، امام تعیین شده‌ای از طرف امام (علیه السلام) وجود داشت، باید برای نماز، خود را به آنجا برسانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۸۸ و ۹۲)

و اهل بیت (علیهم السلام) [دربارهٔ چگونگی خطبه‌ها] فرموده‌اند: خدا را سپاس گوید و ثنای الهی به‌جا آورد، سپس توصیه به تقوی کند و در آخر خطبه، یک سوره کوتاه از قرآن را بخواند، سپس در بین دو خطبه بنشیند و بعد از آن برخیزد و در خطبهٔ دوم حمد خدا و ثنای او را به‌جا آورده، آنگاه بر محمد و آل محمد و ائمهٔ مسلمین درود و صلوات فرستاده، برای زن و مرد مؤمن استغفار کند. جایز است که خطبه‌های نماز جمعه قبل از داخل شدن وقت نماز (قبل از زوال خورشید) خوانده شوند و دقیقاً با تمام شدن دو خطبه وقت نماز داخل شود. واجب است که ابتدا دو خطبه خوانده و بعد دو رکعت نماز جمعه اقامه شود؛ اگر اول، نماز را به‌جا آورد (و بعد خطبه‌ها را بخواند) صحیح نیست. خطیب نماز جمعه زمانی که خطبه‌ها را بیان می‌کند، در صورت توانایی باید ایستاده باشد، و فاصله انداختن بین دو خطبه با نشستنی کوتاه، واجب است؛ و در هنگام خطبه، طهارت بر امام واجب است، ولی بر مأمومین واجب نیست؛ و اگر در خطبه حدیثی از امام سر زد، باید طهارت حاصل و خطبه را کامل کند. بر امام واجب است که صدای خود را تا حدی بالا ببرد تا تعداد افراد معتبر [برای وجوب نماز جمعه] بلکه بیشتر از این تعداد بشنوند.

چهارم: نماز جمعه به جماعت برگزار می‌شود و فرادای آن صحیح نیست. اگر امام اصلی (معصوم) حضور داشته باشد، حضور در نماز جمعه و اقامهٔ آن بر ایشان واجب می‌گردد و اگر مانعی برای او پیش آید می‌تواند کسی را جایگزین خود کند.

پنجم: نباید دو نماز جمعه با فاصلهٔ کمتر از پنج و نیم [۵/۵] کیلومتر برگزار

شوند؛ اگر هم‌زمان با هم برگزار شدند هر دو باطل هستند؛ اگر یکی از آن دو نماز جمعه حتی اگر به اندازه یک تکبیرة الاحرام پیش بیفتد و زودتر برگزار شود، همان صحیح است و دیگری باطل می‌باشد و چنانچه پیشی گرفتن یکی از دیگری ثابت نشود، هر دو باید ظهر را به‌جا آورند.

دوم: کسی که نماز جمعه بر او واجب است

به هفت شرط نماز جمعه واجب می‌شود:

★ رسیدن به سن تکلیف.

★ مرد بودن.

★ آزاد بودن (برده و بنده نبودن).

★ در سفر نبودن.

★ کور یا لنگ یا مریض نباشد.

★ پیر و ناتوان نباشد.

★ از محل زندگی او تا نماز جمعه بیشتر از ۱۱ کیلومتر فاصله نباشد.

هرگاه این افراد با تکلف و سختی در نماز جمعه حاضر شوند، باید در نماز جمعه شرکت کنند و با حضور آن‌ها نماز جمعه برگزار می‌شود، غیر از افرادی که تکلیف از آنان برداشته شده است. اگر کافر به نماز جمعه آمد نمازش صحیح نیست و (مثلاً اگر تعداد افراد به حد کافی نرسیده بود) کافر آن را کامل نمی‌کند، هرچند که بر او نیز واجب است. با کامل شدن شرایط نماز جمعه شرکت کردن در آن بر روستائیان واجب می‌شود، همان‌گونه که بر اهالی شهر واجب است و همچنین بر چادر نشینانی شبیه عشایر و بادیه‌نشینان اگر ساکن شده

باشند، واجب است.

مسائل ده گانه:

اول: اگر بخشی از برده آزاد شده باشد، نماز جمعه بر او واجب نیست، همچنین اگر مولایش با او قرارداد کرده باشد که برخی از روزها در اختیار خودش و برخی روزها در اختیار مولایش باشد، و جمعه در روزهایی قرار گرفت که در اختیار خودش است، باز هم نماز جمعه بر او واجب نیست. همین حکم برای بنده مکاتب^(۱) و بنده مدبر^(۲) نیز جاری است.

دوم: شخصی که نماز جمعه از او ساقط شده است جایز است نماز ظهر را در اول وقت بخواند و واجب نیست که آن را به تأخیر بیندازد تا نماز جمعه تمام شود، بلکه حتی تأخیر آن مستحب هم نیست، مگر آن شخصی که می داند به زودی به وطنش می رسد و اگر به نماز جمعه رسید اقامه آن بر او واجب می شود.

۱- مکاتب: شخصی که با مولای خود قراردادی بسته مبنی بر این که مبلغی را پرداخت کند و آزاد شود ولی هنوز آزادی اش کامل نشده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۳)

۲- مدبر: شخصی که مولایش به او گفته است که بعد از مرگ من آزاد می شوی. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۳)

سوم: سفر بعد از اذان صبح روز جمعه برای کسی که نماز جمعه برایش واجب است، مکروه است و بعد از اذان ظهر، جایز نیست.

چهارم: گوش فرا دادن به خطبه‌های نماز جمعه واجب، و سخن گفتن در هنگام خواندن خطبه حرام است، ولی نماز جمعه را باطل نمی‌کند.

پنجم: شروط امام جمعه: ۱- کامل بودن عقل ۲- ایمان ۳- عدالت ۴- ولادت پاک (مشروع) ۵- مرد باشد، اگر در مأمومین مردی وجود داشته باشد.

امام جمعه می‌تواند برده، جذامی یا پسی داشته، کور و یا ناشنوا (کر و لال) باشد و با اشاره خطبه را بخواند، ولی در این حالت واجب نیست غیر این گروه (کر و لال‌ها) در نماز جمعه حاضر شوند.

ششم: اگر مسافر قصد کند که ده روز یا بیشتر در یک شهر بماند، یا اینکه بیش از سی روز بدون نیت در یک شهر اقامت کند، نماز جمعه بر او واجب می‌شود.

هفتم: اذان دوم روز جمعه بدعت است.^(۱)

هشتم: بعد از اذان روز جمعه خرید و فروش حرام است و اگر کسی چنین کند، گناه کرده، ولی معامله‌اش صحیح است. اگر نماز جمعه بر یکی از دو طرف معامله واجب نباشد، معامله برای همان شخص جایز و

۱- منظور از اذان دوم روز جمعه، اذان گفتن بعد از خواندن خطبه‌هاست که بدعت است؛ ولی اذان

برای نماز عصر روز جمعه، حرام نیست. alljnahalfkheah@yahoo.com (مترجم)

برای دیگری حرام است.

نهم: اگر امام معصوم، یا آن شخصی که از طرف او منصوب شده است، موجود نباشند، ولی اجتماع برای نماز ممکن باشد، نماز جمعه مستحب است.

دهم: وقتی که نمازگزار به هر دلیل (مثلاً شلوغی) نتوانست دو سجده رکعت اول را همراه امام به جا آورد، اگر بتواند [باید] سجده‌ها را به جا آورده، قبل از رکوع رکعت دوم، خود را به امام برساند و در این صورت نمازش صحیح است، اما اگر نتوانست باید به این شکل ادامه دهد: هنگامی که امام در سجود رکعت دوم است نمازگزار به نیت دو سجده رکعت اول سجده می‌کند و اگر نادانسته و یا از روی سهو، دو سجده را به نیت رکعت دوم انجام دهد، ایرادی ندارد و رکعت دوم را خودش بخواند.

سوم: آداب نماز جمعه

* غسل کردن

* بیست رکعت نماز مستحب: شش رکعت هنگام برآمدن خورشید، شش رکعت هنگام بالا آمدن آن در آسمان، شش رکعت نیز قبل از زوال

و دو رکعت در هنگام ظهر شرعی.^(۱)

جایز است بعد از ظهر هم این بیست رکعت نماز مستحبی را بخواند، ولی بهتر است تا قبل از ظهر بخواند؛ و اگر بین دو نماز واجب^(۲) شش رکعت از نماز نافله را بخواند، جایز است.

* زودتر از بقیه، در رفتن به مسجد اعظم شتاب کرده و به محل نماز جمعه برود، بعد از اینکه:

* سر خود را بتراشد.

* ناخن‌های خود را کوتاه کند.

* سیل خود را کوتاه کند.

* با آرامش و وقار به سوی مصلی برود.

* بهترین لباس خود را بر تن و خود را معطر کند.

* و قبل از حرکت به سمت مصلی دعا کند.

خطیب:

* باید انسان بلیغی باشد.

* و اهل نماز اول وقت باشد.

* در هنگام خطبه خواندن مکروه است که خطیب سخنی غیر از خطبه

۱- مدت زمان بین طلوع آفتاب و اذان ظهر را سه قسمت می‌کنیم، قسمت اول زمان برآمدن خورشید است، قسمت دوم زمان ارتفاع خورشید، و قسمت سوم قبل از زوال. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۵)

۲- ظهر و عصر، یا جمعه و عصر. (مترجم)

بگوید.

* و [مستحب است خطیب] معمم باشد، چه در تابستان و چه در زمستان.

* بُرد یمانی بپوشد.

* بر چیزی تکیه کند.

* در ابتدا سلام کند.

* قبل از خطبه بنشیند.

* و اگر امام شروع به خواندن سوره‌ای کرد و هنوز از نصف سوره نگذشته بود، بهتر است به جای آن، در رکعت اول، سوره جمعه، و در رکعت دوم، سوره منافقون را بخواند، مگر اینکه سوره کافرون یا توحید را خوانده باشد.^(۱)

* صحبت کردن در خطبه‌ها برای خطیب مکروه است، مگر درباره خطبه‌ها.

روز جمعه:

مستحب است که نماز ظهر جمعه را بلند بخواند.

کسی که نماز ظهر می‌خواند بهتر است در مسجد جامع بخواند.

۱- اگر سوره کافرون یا توحید را شروع کرده باشد، نمی‌تواند آن را رها کرده و به جای آن، جمعه

یا منافقون را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۵)

اگر امام جمعه کسی باشد که اقتدا به او جایز نیست،^(۱) نماز گزار می‌تواند نمازش را زودتر از امام بخواند؛ و اگر همراه امام دو رکعت بخواند^(۲) و بعد از سلام امام، با دو رکعت دیگر نماز ظهر را تمام کند، بهتر است.

فصل دوم: نماز عیدین (عید فطر و عید قربان)

چگونگی برپایی:

اقامه نماز عید، هنگام حضور امام معصوم (علیه السلام) با شروطی که برای وجوب نماز جمعه ذکر شد.^(۳) واجب است نماز عید به جماعت خوانده شود و ترک آن جایز نیست، مگر اینکه عذر داشته باشد که در این صورت جایز است نماز را فرادا و به نیت مستحب بخواند. اگر شرایط اقامه نماز عید دچار اشکال شد، وجوبش از بین می‌رود و اقامه آن -چه به جماعت و چه فرادا- مستحب می‌شود. وقت نماز عیدین از طلوع خورشید تا هنگام زوال است و اگر وقت آن

۱- مثلاً به حق ایمان نداشته باشد، یا.... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

۲- نیت فرادا دارد ولی حرکاتش را هم‌زمان با امام انجام می‌دهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۶)

۳- حضور امام معصوم یا نماینده او، حداقل تعداد پنج نفر، جماعت خواندن، دو خطبه، مسافت بین دو نماز بیشتر از پنج و نیم کیلومتر. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۶)

گذشت، قضا ندارد.

چگونگی اقامه نماز عیدین به این صورت است که: برای احرام هفت تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند (بهتر است در رکعت اول، سوره اعلی خوانده شود)، سپس پنج مرتبه تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر به صورت مرسوم قنوت بخواند،^(۱) سپس تکبیر بگوید و رکوع و دو سجده به جا آورد، بعد برخیزد و حمد و سوره بخواند (بهتر است در رکعت دوم سوره غاشیه خوانده شود)، سپس چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند، سپس تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود [و بعد سجده کند].

بنابراین نسبت به نمازهای عادی، نه تکبیر اضافه می شود، یعنی علاوه بر هفت تکبیر ابتدای نماز و تکبیر هنگام رکوع و تکبیرهای سجده های نماز، باید در رکعت اول پنج تکبیر و در رکعت دوم نیز چهار تکبیر بگوید.

مستحبات نماز عید:

بهتر است در صحرا خوانده شود، مگر در مکه مکرمه^(۲) و بهتر است بر زمین سجده گردد. مؤذن برای نماز عید سه بار بگوید: «الصلوة»، چون فقط برای پنج نماز واجب یومیّه اذان گفته می شود.

۱- یعنی در قنوت، دعاهایی که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، بخواند (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۸)

۲- در مکه، بهتر است در مسجد الحرام خوانده شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۹۷)

همچنین امام برای نماز عید، پابرهنه، پیاده، با آرامش و وقار و در حال ذکر خدا به سوی محل اقامه نماز برود.

در عید فطر قبل از خارج شدن برای رفتن به نماز غذا بخورد و در عید قربان بعد از نماز از گوشت قربانی بخورد.

در عید فطر تکبیر گفتن بعد از چهار نماز مستحب است، که نخستین آن‌ها نماز مغرب شب عید فطر و آخرینش خود نماز عید است. تکبیر گفتن در نماز عید قربان برای کسی که در منی باشد پس از پانزده نماز مستحب است که اولین آن‌ها نماز ظهر روز عید قربان است و کسی که در شهر باشد تکبیر برای او بعد از ده نماز مستحب است و باید چنین بگوید: «الله أكبر الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، والحمد لله علی ما هدانا وله الشکر علی ما أولانا» و در عید قربان این عبارت را نیز اضافه کند: «و رزقنا من بهیمه الأنعام».

خروج با اسلحه برای نماز عید مکروه است؛

همچنین خواندن نافله، قبل و بعد از نماز عید مکروه است، مگر در مدینه در مسجد النبی ﷺ، که دو رکعت نماز، قبل از خروج از مسجد خوانده می‌شود.

مسائل پنج گانه:

اول: تکبیر اضافه شده در نماز عید و همچنین قنوت، واجب است، ولی خواندن دعای خاصی واجب نیست و می‌توان هر دعایی را خواند، البته بهتر است این دعا خوانده شود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ حُجَّجُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمَهْدِيَّ وَ الْمَهْدِيْنَ مِنْ وَوَلَدِهِ حُجَّجُ اللَّهِ، اللَّهُمَّ أَهْلَ

الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظْمَةِ، وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ، وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَهْلَ
التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ
مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَاعْوِذُ
بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ».

دوم: اگر عید با روز جمعه هم زمان شد، کسی که در نماز عید حضور داشته باشد برای حضور در نماز جمعه مختار است و امام باید در خطبه نماز عید آن‌ها را از این موضوع آگاه سازد.

سوم: دو خطبه نماز عید فطر و قربان بعد از نماز بیان می‌شود، و مقدم نمودن آن‌ها بر نماز، بدعت و گوش دادن به آن‌ها واجب است.

چهارم: منبر را از مسجد جامع به صحرا نبرند،^(۱) بلکه مستحب است از گِل، چیزی شبیه منبر ساخته شود.

پنجم: اگر در روز عید فطر یا قربان خورشید طلوع کرد برای کسی که نماز عید بر او واجب است رفتن به سفر حرام می‌شود تا نماز عید را به‌جا بیاورد. سفر بعد از فجر و قبل از طلوع جایز و البته مکروه است.

۱- چون همان‌طور که بیان شد مستحب است که نماز عید در صحرا خوانده شود. (مترجم)

فصل سوم: نماز کسوف (آیات)

سبب نماز، چگونگی اقامه نماز و احکام آن

اول: سبب نماز آیات

نماز آیات در زمان خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی و زلزله واجب است؛ همچنین غیر از این موارد، برای بادهای سیاه و حوادث ترسناک آسمانی و غیر از باد نیز واجب می‌گردد.

وقت نماز آیات در خورشید گرفتگی، از لحظه آغاز آن تا هنگام آشکار شدن [کامل] خورشید است و اگر مدت زمان خورشید گرفتگی به اندازه اقامه نماز نباشد، نماز واجب نخواهد بود. در مورد باد و دیگر حوادث ترسناک آسمانی نیز به همین گونه است؛^(۱) اما در مورد زلزله، در هر صورت نماز واجب است، حتی اگر مدت زیادی طول نکشد و حتی اگر زمین از حرکت ایستاده باشد، باید نماز را به نیت ادا بخواند.

اگر کسی نداند خورشید گرفتگی صورت گرفته تا وقت بگذرد، قضا بر او واجب نیست، مگر اینکه خورشید گرفتگی کلی و تمام قرص خورشید تاریک شده باشد که در این صورت قضا دارد، ولی در غیر خورشید گرفتگی، قضا

۱- زمانش از ابتدای شروع آیت و حادثه تا پایان آن است و اگر وقت نشود، نماز واجب نخواهد

بود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۰)

واجب نیست؛ اما اگر کسی بداند و از روی کم کاری یا فراموشی نماز را اقامه نکند، در همه موارد باید قضا را به جا آورد.

دوم: کیفیت نماز آیات

ابتدای نماز هفت تکبیر می گوید (تکبیر اول، تکبیره الاحرام است و به دنبال آن شش تکبیر واجب)، سپس سوره حمد و بعد یک سوره می خواند و رکوع می کند، سپس سر خود را بلند می کند، و اگر در قرائت اول، سوره را کامل خوانده باشد، در قرائت دوم، دوباره حمد و یک سوره بخواند، اما اگر در قرائت اول یک سوره کامل را نخوانده باشد، در قرائت دوم از جایی که متوقف شده تلاوت را ادامه دهد، و تا پنج رکوع به همین ترتیب ادامه دهد، پس از رکوع پنجم، دو سجده به جا آورده، برخیزد و حمد و سوره را بخواند و دوباره پنج رکوع مانند رکوع های رکعت اول به جا آورد. بعد از آن، دو سجده به جا آورده، تشهد بخواند و سلام دهد.

مستحب است که [این] نماز به جماعت خوانده شود و آن قدر طول بکشد تا خورشید گرفتگی تمام شود و اگر نماز قبل از پایان خورشید گرفتگی تمام شد، دوباره آن را به جای آورد. همچنین مستحب است مدت زمان هر رکوع به اندازه مدت قرائت حمد و سوره باشد؛ و در صورت وجود زمان کافی، سوره های طولانی خوانده شود؛ و بعد از هر بار سر بر آوردن از رکوع تکبیر بگویند، مگر در رکوع پنجم و دهم که در آنها بگویند: «سمع الله لمن حمده»؛ و مستحب است

که پنج قنوت بخواند.^(۱)

احکام نماز آیات:

سه مسئله:

اول: اگر نماز آیات با یکی از نمازهای واجب پنج‌گانه هم‌زمان شد، هرکدام از آن‌ها را که خواست اول می‌خواند، مگر اینکه وقت نماز واجب حاضر تنگ باشد، که در این صورت باید اول آن را بخواند.

دوم: اگر وقت ماه‌گرفتگی و وقت نماز نافله شب هم‌زمان گردد، خواندن نماز آیات اولویت دارد، حتی اگر وقت نافله تمام شود، که در این صورت قضای نافله را به‌جا می‌آورد.

سوم: اگر اضطرار پیش بیاید جایز است نماز آیات (خورشید گرفتگی) را بر پشت مرکب و یا در حال راه رفتن بخواند.

۱- قبل از رکوع دوم و چهارم در رکعت اول و قبل از رکوع ششم و هشتم و دهم در رکعت دوم. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۳)

فصل چهارم: نماز میت

شامل چند بحث است:

اول: کسی که بر او نماز میت خوانده می شود

هر کسی که در ظاهر به شهادتین اقرار کند، یا کودک شش سال [تمام] به بالا که حکم مسلمان را داشته باشد، بر او نماز میت خوانده می شود و در این حکم مرد و زن و غلام و آزاد، برابر هستند. خواندن نماز بر کودک زیر شش سال اگر زنده متولد شده باشد مستحب است، اما اگر نوزاد سقط شده باشد - هر چند که روح بر او دمیده شده باشد - نماز میت بر او خوانده نمی شود.

دوم: کسی که نماز میت مرا می خواند

کسی که در میراث اولویت دارد در نماز خواندن بر میت نیز اولویت دارد. پدر میت نسبت به پسر میت اولویت دارد؛ همچنین فرزند بر پدر بزرگ و برادر و عموی میت اولویت دارد؛ و برادری که با میت از یک پدر و مادر باشند بر برادری که فقط از یک جهت (پدر یا مادر) با میت نسبت دارد، اولویت می یابد. شوهر بر زن نسبت به مردان فامیل آن زن اولویت دارد، هر چند نزدیکان او (مثل پدر یا برادر زن) باشند.

اگر اولیا^(۱) یک گروه باشند، از میان آنان، مردان بر زنان و فرد آزاد بر بنده اولویت دارد، و ولیّ برای نماز میّت مقدّم نمی‌شود، مگر در صورتی که تمام شرایط امامت^(۲) در او وجود داشته باشد، و گرنه شخص دیگری مقدّم می‌شود.

اگر چند نفر از اولیای میّت برابر باشند، فقیه‌ترین و بعد از آن با تقواترین آنان مقدّم می‌شود. کسی حق اقامه نماز بر میّت را ندارد، مگر با اجازه ولیّ میّت، چه ولیّ میّت شرایط امامت را داشته باشد، یا نداشته باشد، البته مکلف بودن در ولیّ میّت شرط است (تا بتواند دیگری را مقدّم کند).

امام معصوم برای اقامه نماز میّت بر همه افراد اولویت دارد؛ و همچنین فرد هاشمی - اگر شرایط امامت را دارا باشد و ولیّ میّت او را برگزیند - بر دیگران اولویت دارد.

اگر همه نمازگزاران زن باشند، امامت نماز میّت توسط یک زن جایز است، البته کراهت دارد که از صف اول جدا شود، بلکه همه در یک صف بایستند؛ و همچنین هنگامی که نمازگزاران، مردانی باشند که عریان هستند (همه در یک صف می‌ایستند)؛ در غیر از این دو حالت، امام جلوتر از صف اول می‌ایستد، حتی اگر تنها یک نفر به او اقتدا کند.

اگر چند زن برای نماز به یک مرد اقتدا کنند باید پشت سر او بایستند و اگر چند مرد نیز حضور داشتند باید زنان پشت سر مردان بایستند. اگر زن حائضی در

۱ - کسانی که در خواندن نماز بر میت اولویت دارند. (مترجم)

۲ - عدالت، ایمان، پاکی تولد، بلوغ، عقل، مرد بودن در صورتی که بین مأمومین، مردی وجود داشته باشد و.... (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء اول، طهارت: ص ۸۱)

میان نماز گزاران باشد مستحب است که در صفی جدا بایستد.

سوره: کیفیت نماز میت

نماز میت پنج تکبیر است و دعا میان آن‌ها واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است که به عنوان دعا آنچه محمد بن مهاجر از مادرش (أم سلمه) از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است، خوانده شود؛ که ایشان فرمود: همانا پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامی که بر میتی نماز می خواند، تکبیر می گفت و شهادت می داد، سپس تکبیر می گفت و بر انبیا (علیهم السلام) درود می فرستاد و دعا می نمود، سپس تکبیر می گفت و برای مؤمنین دعا می کرد، سپس تکبیر چهارم را گفته، برای مرده دعا می نمود، سپس تکبیر (پنجم) را می گفت و از حالت نماز خارج می شد. اگر میت منافق باشد، نماز گزار می تواند بعد از تکبیر چهارم نماز را تمام کرده، یا اینکه بعد از تکبیر چهارم میت را نفرین کرده، نماز را با پنج تکبیر تمام کند.

در نماز میت این امور واجب است: نیت، رو به قبله ایستادن و سر جنازه را در سمت راست نماز گزار قرار دادن.

طهارت نماز گزار در نماز میت از شرایط آن نیست. فاصله زیاد از میت جایز نیست. فقط بعد از غسل و کفن کردن میت می توان بر او نماز خواند و اگر میت کفن نداشته باشد، باید جنازه را در قبر قرار داده، عورتش را پوشاند و سپس بر او نماز بخواند.

سنت‌های نماز میت:

اینکه امام برای میتِ مرد، مقابلِ وسطِ بدن او و برای میتِ زن، مقابلِ سینه او بایستد. اگر دو میت (یک مرد و یک زن) با هم باشند، مرد را جلوی روی امام و نزدیک به او، و بعد از آن زن را قرار دهند، به گونه‌ای که وسط بدن مرد و سینه زن در یک راستا باشد تا امام بتواند هم‌زمان در محلی که فضیلت بیشتری دارد بایستد. اگر یک میت کودک باشد او را بعد از زن قرار می‌دهند.

از جمله سنت‌ها این است که نمازگزار طهارت داشته باشد و کفش خود را از پا در آورده و در تکبیر اوّل و سایر تکبیرها دستان خود را بالا ببرد. مستحب است بعد از تکبیر چهارم برای میت اگر مؤمن باشد، دعا کند و اگر منافق باشد نفرینش کند و اگر از مستضعفین بود در خور حال او دعا نماید؛ اما اگر حقیقت را در مورد میت نداند دعا کند که وی را با آن کس که در ولایت او بوده محشور نماید؛ و اگر کودک باشد دعا کند که این کودک باعث صلاح حال پدرش و شفاعت کننده او باشد. هنگامی که نمازگزار از نماز فارغ شد در محلش بایستد تا جنازه برداشته شود. نماز میت را در محلی که برای این کار است بخوانند، و خواندن آن در مسجد نیز جایز است. مکروه است بر یک جنازه دو بار نماز خوانده شود.

مسائل پنج‌گانه:

اول: اگر فردی در حین نماز به امام بیبوندد، از امام پیروی کند تا

زمانی که امام از نماز فارغ گردد و بعد از آن، نمازش را کامل کند. ^(۱) اگر جنازه را بلند کرده یا دفن نمودند، باز هم نمازش را کامل می کند حتی اگر بر قبر میّت باشد.

دوم: اگر مأموم یک تکبیر یا بیشتر را زودتر از امام بگوید، باید دوباره آن را همراه امام تکرار کند.

سوم: اگر بر جنازه ای نماز خوانده نشد و او را دفن کردند، جایز است هر زمان که شد بر قبر او نماز خوانده شود، هر چند که مدّت زیادی بر آن گذشته باشد و نماز بر مؤمن نباید ترک گردد.

چهارم: نماز میّت را در هر زمان می توان خواند، مگر اینکه وقت نماز واجب تنگ شده باشد. اگر بترسند که برای میّت مشکلی پیش آید (و نماز واجب دارای وقت کافی باشد) نماز بر میّت را مقدّم کنند.

پنجم: اگر در حین خواندن مقداری از نماز بر یک جنازه، میّت دیگری را برای نماز بیاورند، امام می تواند نماز را رها کند و از نو بر هر دو میّت یک نماز بخواند، یا اینکه نماز را بر میّت اوّل تمام کند و بر جنازه دوم جداگانه از نو نماز بخواند.

۱- یعنی تکبیرهای باقیمانده را بدون خواندن دعا، پشت سر هم می گوید. (احکام الشریعه بین السائل

فصل پنجم: نمازهای مستحب

این نمازها به دو نوع تقسیم می‌شوند: نمازهای نافله روزانه که آن را بیان نمودیم؛ و غیر از آن، که خود دو نوع می‌باشد:

الف- نمازهای مستحبی که وقت معینی ندارند:

که شامل نمازهای زیادی می‌شود و ما مهم‌ترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

اول: نماز طلب باران (استسقاء):

هنگام خشک شدن رودها و کم شدن باران خوانده می‌شود. کیفیت آن مانند نماز عید است با این تفاوت که در قنوت‌های این نماز از خداوند لطف و رحمت الهی با فرو فرستادن باران را طلب می‌کند؛ و می‌تواند هر دعایی که برایش مقدور است بخواند؛ و در غیر این صورت باید از دعاهایی که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است، بخواند.

مستحبات نماز طلب باران:

مردم سه روز روزه بگیرند و در روز سوم برای اقامه نماز خارج شوند. مستحب است که روز سوم، روز دوشنبه باشد و اگر میسر نشد روز جمعه را روز

سوم قرار دهند. پای برهنه و با سکینه و وقار به صحرا بروند و نماز را در مساجد اقامه نکنند و همراه خود پیرمردان، پیرزنان و کودکان را نیز ببرند و از اهل ذمه^(۱) کسی را با خود همراه نکنند، و کودکان را از مادرانشان جدا نمایند؛ پس هنگامی که امام از نماز فارغ شد ردای خود را دور خود پیچد^(۲) و رو به قبله با صدای بلند صد بار تکبیر بگوید و به سمت راست خود صد بار «سبحان الله» و به سمت چپ صد بار «لا اله الا الله» و رو به مردم صد بار «الحمد لله» بگوید و مردم نمازگزار در همه این موارد با او همراهی کنند؛ سپس خطبه بخواند و به درگاه خداوند بسیار تضرع کند. اگر اجابت دعا به تأخیر افتاد، دوباره از شهر خارج شوند و این اعمال را تکرار کنند تا مورد رحمت قرار گیرند. خواندن این نماز نه تنها در هنگام کم شدن باران بلکه هنگام خشک شدن چشمه‌ها و چاه‌ها نیز جایز است.

۱- افراد غیرمسلمان، مانند یهودی و مسیحی که در حکومت اسلامی زندگی می‌کنند و به حکومت اسلامی متعهدند. (مترجم)

۲- یعنی سمت راست ردا را بر روی شانه چپ و سمت چپ را بر روی راست بیندازد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۵)

دوم: نماز استخاره^(۱)، نماز حاجت^(۲)، نماز شکر^(۳)، و نماز زیارت^(۴)

ب- نمازهای مستحبی که وقت معین دارند:

که پنج مورد است:

اول: نافله ماه مبارک رمضان

۱- امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از اصحابش که سؤال پرسیده بود که اگر برای من امری رخ داد و کسی را برای مشورت کردن نیافتم چه کنم، فرمود: «با پروردگارت مشورت کن. پرسید: چگونه؟ حضرت فرمودند: حاجت را در نظر بگیر، سپس در دو برگه «بله» و «خیر» را بنویس و آن دو را در دو گلوله گلی قرار بده، سپس دو رکعت نماز بخوان و آن‌ها را زیر سجدهات بگذار و بگو: «یا الله انی آشاورک فی امری هذا و انت خیر مُستشار و مُشیر فَأشیر عَلَیَّ بما فیہ صلاح و حسن عاقبه»، سپس دست را داخل کن اگر در آن «بله» بود انجام بده و اگر «نه» ترک کن». کافی: ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۸ (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۵)

۲- امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر حاجتی داشتی دو رکعت نماز بخوان و بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و حاجت را بخواه تا خداوند به تو عطا کند». (کافی: ج ۳، ص ۴۷۹، ح ۱۰) (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۶)

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که خداوند به تو نعمتی داد، دو رکعت نماز بخوان: در رکعت اول بعد از حمد، توحید و در رکعت دوم کافرون و در رکوع و سجده رکعت اول «الحمد لله شکرا شکرا و حمدا» و در رکوع و سجده رکعت دوم «الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی مسألتی» را بخوان». (کافی: ج ۳، ص ۴۸۱) (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۶)

۴- دو رکعت مانند نماز صبح. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۶)

در روایات آمده است که خواندن هزار رکعت نماز در این ماه، علاوه بر نمازهای نافله معین روزانه، مستحب می‌باشد؛ به این صورت که در هر شب بیست رکعت بخواند، که هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا خوانده شود و در ده شب آخر ماه، هر شب سی رکعت به ترتیب ذکر شده، بخواند [۱۲ رکعت بعد از مغرب و ۱۸ رکعت بعد از عشا]؛ و در سه شب افراد [نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم] در هر شب صد رکعت بخواند. اگر در شب‌های افراد فقط صد رکعت را به‌جا آورد کفایت می‌کند؛^(۱) پس هشتاد رکعت بر گردش باقی می‌ماند^(۲) و باید در هر جمعه ده رکعت بخواند، یعنی نماز [امام] علی و [حضرت] فاطمه [زهرا] (علیها السلام) و نماز جعفر [طیار] را به‌جا آورد؛ و در آخرین جمعه ماه، بیست رکعت نماز امام علی (علیه السلام) و در شامگاه آن جمعه، بیست رکعت نماز حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را بخواند.

نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) به این صورت است: چهار رکعت که هر دو رکعت یک تشهد و سلام دارد؛ و در هر رکعت: «حمد» یک بار و «توحید» پنجاه بار خوانده می‌شود.

نماز [حضرت] فاطمه [زهرا] (علیها السلام) دو رکعت است: در رکعت اول، حمد یک

۱- یعنی در شب نوزدهم، بیست رکعت و در شب بیست و یکم و بیست و سوم، سی رکعت را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص: ۱۰۷)

۲- ۲۰+۳۰+۳۰ که آن را نخوانده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

۱۸۰..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

بار و سوره «قدر» صد بار و در رکعت دوم، حمد یک بار و سوره «توحید» صد بار خوانده می‌شود.

نماز جعفر (طیار) نیز چهار رکعت است: هر دو رکعت تشهد و سلام دارد، که در رکعت اول، حمد یک بار و سوره «اذا زلزلت» یک بار خوانده می‌شود؛ سپس پانزده بار بگوید «سبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله أكبر»، آنگاه رکوع کند و ده بار همین ذکر را بگوید؛^(۱) و هنگامی که از رکوع بلند شد و ایستاد، ده بار همان را بگوید، و همچنین ده بار در سجده این ذکر را بگوید و بین دو سجده که نشست ده بار بگوید و در سجده دوم نیز ده بار و همچنین زمانی که از سجده دوم سر برداشت (ده بار)، بنابراین در هر رکعت این ذکر هفتاد و پنج بار گفته می‌شود؛ و در رکعت دوم «حمد» و سوره «عادیات» و در رکعت سوم سوره «نصر» و در رکعت چهارم سوره «توحید» خوانده می‌شود. مستحب است که در سجده آخر، دعای مخصوص آن را نیز بخواند.

دوم: نماز شب عید فطر

که دو رکعت است، در رکعت اول یک بار «حمد» و هزار بار سوره «توحید» و در رکعت دوم یک بار «حمد» و یک بار سوره «توحید» خوانده می‌شود.

۱- سبحان الله والحمد لله ولا إله الا الله والله أكبر. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم،

سوم: نماز مروتر غدیر^(۱)

وقت آن روز هجدهم ماه ذی حجه، نیم ساعت قبل از زوال خورشید است.

چهارم: نماز شب نیمه شعبان^(۲)

پنجم: نماز شب مبعث^(۳) و مروتر مبعث

چگونگی این دو نماز و آنچه در آن و بعد از آن گفته می شود، در کتب ادعیه

بیان شده است.

پایان

نشسته یا ایستاده خواندن همه نمازهای نافله جایز است، گرچه بهتر است که

ایستاده خوانده شود و اگر هر دو رکعت نشسته را به جای یک رکعت ایستاده

۱- دو رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، توحید و قدر و آیت الکرسی هر کدام ده بار خوانده می شود و دعای بعد از آن در کتب ادعیه موجود است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۸)

۲- چهار رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، صد بار توحید بخواند و وقت آن بعد از عشاء آخر (نیمه شب) تا فجر اول است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۸)

۳- دوازده رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، ناس، فلق و توحید، چهار بار خوانده می شود، سپس دعایی که در کتب ادعیه نقل شده است را می خواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۸)

حساب کند بهتر است.

بخش چهارم: که شامل پنج فصل است

فصل اول: اشکالاتی که در نماز رخ می‌دهد

که می‌تواند از روی عمد، سهو [فراموشی یا مانند آن] و یا شک باشد.

عمد:

هر کس که عمداً در یکی از واجبات نماز خللی ایجاد کند نمازش را باطل کرده است، فرقی ندارد چیزی که در آن اخلال ایجاد کرده، شرط برای نماز،^(۱) جزئی از نماز^(۲) یا مربوط به کیفیت نماز باشد،^(۳) و یا واجبی را ترک گفته باشد؛ همچنین اگر آنچه باید ترک کند را انجام دهد [مانند صحبت کردن در نماز، یا قهقهه]، یا چیزی را که واجب است - به دلیل ندانستن وجوب آن - انجام ندهد،

۱- مانند طهارت و رو به قبله بودن. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۹)

۲- مانند قرائت و سجده. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۰۹)

۳- مانند صحیح انجام ندادن سجده. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص

(غیر از آهسته یا بلند خواندن در موضع آن) موجب باطل شدن نماز شده است. اگر نداند که لباس یا مکان نمازش غصبی است و یا نداند که لباس، بدن یا محل سجده اش نجس است، نیازی به تکرار نماز نیست.

چند نکته:

اول: اگر غصبی بودن آب را بداند و با آن آب وضو بگیرد و نماز بخواند، هم طهارت و هم نماز را باید دوباره به جا آورد، ولی در صورت عدم آگاهی، نیازی به تکرار وضو و نماز نیست.

دوم: اگر با لباسی که از پوست حیوان تهیه شده است نماز بخواند و بعد بفهمد که پوست مردار بوده است، [دو حالت دارد:] اگر آن را از مسلمان یا بازار مسلمانان خریده باشد نیازی به تکرار نیست، اما اگر از غیرمسلمان خریده باشد یا آن را جایی پیدا کرده باشد باید نمازش را دوباره بخواند.

سوم: اگر نداند آن لباس از جنس چیزی است که نماز خواندن در آن صحیح است و با آن نماز بخواند، باید نمازش را تکرار کند.

سکوه:

اگر در یکی از ارکان نماز اخلاص ایجاد شود باید نماز تکرار شود، مانند کسی که قیامش صحیح نباشد تا هنگامی که نیت کند؛^(۱) و کسی که نیتش صحیح

۱- یعنی تا قبل از این که وارد رکن بعدی شود، فرصت دارد تا خللی که پیش آمده است را جبران کند، اما اگر وارد رکن بعدی شد، باید نماز را دوباره بخواند؛ مثلاً قیامش صحیح نیست و تا پیش از نیت فرصت دارد قیامش را تصحیح کند، یا مثلاً در دو سجده اش خلل ایجاد شده، که تا قبل از رکوع

نباشد تا تکبیر بگوید، یا کسی که تکبیرش صحیح نیست تا قرائت را آغاز کند، یا در رکوعش اشکالی باشد تا سجده کند، یا کسی که دو سجده‌اش اشکال داشته باشد تا به رکوع رکعت بعدی برود. همچنین اگر یک رکعت به نمازش بیفزاید، یا رکوع، یا دو سجده (در یک رکعت) اضافه کند، باید نمازش را تکرار نماید، چه عمدی باشد و چه سهوی.

اگر در انجام دادن رکوع شک داشته باشد و رکوع نماید، سپس به یاد آورد که رکوع کرده است نمازش باطل می‌شود. اگر یک رکعت کم خوانده باشد و قبل از انجام کاری که مبطل نماز است به یاد آورد باید نمازش را تمام کند، حتی اگر نماز دورکعتی باشد؛ و اگر بعد از انجام کاری که انجام دادن عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند به یاد آورد، باید نماز را تکرار کند؛ و اگر عملی را انجام داده است که فقط در صورت عمدی بودن، مبطل نماز است -مانند سخن گفتن- باید نماز را کامل کند و دو سجده به‌جا آورد.

اگر سلام دادن را فراموش کرد و بعداً به یاد آورد، سلام را به‌جا می‌آورد و نمازش صحیح است، حتی اگر کاری انجام داده که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند.

اگر دو سجده را ترک کند و نداند که از دو رکعت مختلف بوده است، یا از یک رکعت، باید نماز را تکرار کند؛ اگر دو سجده از دو رکعت متفاوت باشد و نداند از کدام دو رکعت بوده، نماز را تکرار نمی‌کند و باید دو سجده را قضا

کند و دو سجده سهو نیز به جا آورد.

اگر در واجباتی که مرکز نیست اشکالی وارد شود:

سه حالت دارد:

اول: اشکالی که با وجود آن نماز صحیح است و نیازی به تکرار عمل نیست.

دوم: اشکالی که (در حین نماز) باید جبران شود، اما به سجده سهو نیاز ندارد.

سوم: اشکالی که (در حین نماز) باید جبران شود و دو سجده سهو نیز بعد از نماز انجام دهد.
[و اما تفصیل این سه حالت]:

اول: فراموش کردن قرائت حمد و سوره، آهسته و بلندخواندن آن در محلش^(۱)، خواندن حمد یا سوره تا قبل از رکوع، ذکر گفتن در رکوع، آرامش هنگام رکوع تا زمانی که سر خود را بالا ببرد، سر برداشتن از رکوع و آرامش در آن تا قبل از سجود، ذکر سجده، سجده بر اعضای هفت گانه، آرامش در سجده تا قبل از سر برداشتن، سر برداشتن از سجده، آرامش در آن، ذکر سجده دوم، سجده بر اعضای هفت گانه و آرامش در آن، تا زمانی که سرش را از سجده

۱- حمد و سوره رکعت اول و دوم ظهر و عصر باید آهسته «با اخفات» و صبح و مغرب و عشاء باید بلند «همراه با جهر» خوانده شود. (مترجم)

بردارد. (۱)

دوم: کسی که قرائت «حمد» را تا پایان خواندن سوره فراموش کند، باید اول «حمد» را بخواند و بعد دوباره سوره را از اول بخواند؛ همچنین اگر کسی رکوع نکند و قبل از به سجده رفتن به یاد آورد باید برخیزد و رکوع کند، سپس سجده را به جای آورد؛ و همچنین اگر کسی یک یا دو سجده را ترک کند، یا تشهد را نخواند و قبل از رکوع، آن را به یاد آورد، برمی‌گردد و عمل ترک شده را انجام می‌دهد، سپس برخاسته و از همان موضع، نمازش را ادامه می‌دهد و دوباره آنچه لازم است، مانند «حمد» یا تسبیح را می‌خواند، و سپس به رکوع می‌رود و در این دو حالت سجده سهو لازم نیست. اگر صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم‌السلام) را فراموش کند تا اینکه سلام نماز را بگوید، بعد از سلام نماز می‌تواند صلوات را قضا کند.

سوم: اگر کسی یک سجده یا تشهد را فراموش کند و بعد از انجام دادن رکوع یادش بیاید، بعد از اتمام نماز آن یک سجده و یا آن یک سجده و تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو انجام دهد.

سه مسئله در شکایات نماز:

اول: اگر کسی در تعداد رکعات نماز دو یا سه رکعتی، -مانند نماز صبح، نماز مسافر، نماز عید فطر و قربان (اگر واجب باشند)، نماز

۱- در همه این امور نماز صحیح است، و نیاز به تدارک و جبران عمل نیست. (احکام الشریعه بین

خورشید گرفتگی (آیات) و نماز مغرب- شک کند، باید نماز را تکرار کند.

دوم: اگر در جزئی از افعال نماز خود شک کند و در همان موضع باشد، باید آن عمل را انجام داده و نماز را کامل کند؛^(۱) و اگر به عمل دیگری منتقل شده بود، باید نماز را ادامه دهد، چه این عمل رکن باشد، یا غیر رکن، و فرقی ندارد که در دو رکعت اول نماز باشد، یا دو رکعت آخر.

تبصره: اگر نیت نماز تحقق یابد و شک کند که مثلاً برای نماز ظهر نیت کرده، یا نماز عصر، یا برای نماز واجب نیت کرده، یا مستحب، دوباره نیت کند.

سوم: هنگامی که در تعداد رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، اگر شک در دو رکعت اول باشد، یا نداند چند رکعت نماز خوانده است، باید نماز را تکرار کند. اگر در به‌جا آوردن دو رکعت اول یقین داشته باشد و در آنچه اضافه بر آن انجام داده است شک کند، نماز احتیاط بر او واجب است.^(۲)

۱- مانند هنگامی که در تکبیره الاحرام شک کند، قبل از این که قرائت را شروع کرده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۳)

۲- احکام الشریعه بین السائل و المجیب، جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۳، انتهای صفحه.

چگونگی احتیاط در حالات مختلف:

الف- وقتی شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کند، و تشهد خوانده، سلام دهد، و بعد از آن یک رکعت نماز [احتیاط] ایستاده یا دو رکعت نماز [احتیاط] نشسته بخواند.

ب- وقتی شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، بنا را بر چهار گذارد و تشهد خوانده، سلام دهد؛ و مانند حالت [یادشده در گزینه^(۱)] الف احتیاط کند.

ج- وقتی شك کند که دو رکعت خوانده یا چهار رکعت، بنا را بر چهار بگذارد و تشهد خوانده، سلام دهد، سپس دو رکعت نماز [احتیاط] ایستاده بخواند.

د- وقتی شك کند که دو، سه یا چهار رکعت خوانده است، بنا را بر چهار بگذارد و تشهد خوانده، سلام دهد، و بعد دو رکعت نماز [احتیاط] ایستاده و دو رکعت نماز [احتیاط] نشسته بخواند.

در همه حالات ذکر شده و دیگر موارد بهتر است نماز گزار تعداد کمتر را در نظر بگیرد؛ اگر این تعداد کمتر از چهار رکعت باشد، نماز را کامل نماید و با

۱- بعد از آن یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و

سلام پایان دهد و دو سجده سهو به جا آورد؛ و اگر چهار رکعت^(۱) بود نماز را با سلام خاتمه داده، دو سجده سهو نماید؛ و اگر در رکعت چهارم^(۲) بود، نماز را کامل کرده، سلام داده، دو سجده سهو انجام دهد.

بیج نکته در شکایات نماز:

- ★ [اوّل:] اگر گمان نماز گزار بر یکی از طرفین شک بیشتر شد، باید بنا را بر همان طرف بگذارد و گمانش در حکم یقین است.
- ★ [دوم:] در نماز احتیاط، تنها سوره حمد باید خوانده شود.
- ★ [سوم:] اگر قبل از انجام نماز احتیاط عملی مرتکب شود که مبطل نماز باشد، کل نماز باطل می شود.

[مواردی که به شك اعتنا نمی شود:]

- ★ [چهارم:] اگر در عملی که جبران کننده شک است (مانند نماز احتیاط) شک بر او عارض شود، به آن توجه نکرده و نماز را ادامه دهد.

۱- مانند هنگامی که در تشهد رکعت چهارم شک می کند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۴)

۲- قبل از رکوع شک کند که این رکعت، رکعت چهارم نماز است یا پنجم (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۴)

[*] همین حکم برای شک مأموم در نماز جماعت که باید به نماز امام جماعت اعتماد کند نیز برقرار است.

[*] [در نماز جماعت] اگر نمازگزاران مراقب اشتباه امام جماعت باشند، برای امام جماعت شک وجود ندارد.

[*] اگر شک زیاد باشد اعتباری ندارد و حد تشخیص زیاد بودن، آن مقدار است که معمولاً به آن زیاد گفته شود؛ و کسی که در هر روز یک بار [در نمازش] شک کند، کثیرالشک محسوب می‌شود.

★ [پنجم:] کسی که در تعداد رکعت‌های نماز نافله شک کند بنا را بر عدد بیشتر بگذارد، اما اگر بنا را بر عدد کمتر بگذارد بهتر است.

خاتمه:

دو سجده سهو

به‌جا آوردن دو سجده سهو در مواردی که ذکر شد؛^(۱) [همچنین در موارد

۱- وقتی که در نماز چهار رکعتی، با یقین به انجام دو رکعت اول شک کرده (بنا را بر کمتر گذاشته و پس از تکمیل نماز، دو سجده سهو به‌جا می‌آورد)؛ و کسی که یک سجده یا تشهد را فراموش کند و بعد از رکوع به یاد آورد (قضایش را انجام داده، دو سجده سهو به‌جا می‌آورد)؛ کسی که دو سجده از دو رکعت متفاوت را فراموش کرده (دو سجده قضا انجام می‌دهد و دو سجده سهو به‌جا می‌آورد)؛ کسی که در تعداد رکوع‌های نماز آیات شک کرده (بنا را بر کمتر گذاشته، دو سجده سهو به‌جا می‌آورد). (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۶)

زیر واجب است:] اگر کسی سهواً در نماز سخن بگوید، یا در غیر محل، نمازش را سلام دهد، یا بین رکعت چهار و پنج شک کند.

[در نماز جماعت،] اگر امام جماعت عملی مرتکب شود که سجده سهو را واجب کند، و این عمل متوجه مأموم نیز شود، مأموم هم باید سجده سهو انجام دهد و اگر آن عمل فقط مربوط به امام یا مأموم باشد، تنها خود او باید سجده سهو را انجام دهد.

جایگاه دو سجده سهو:

بعد از سلام نماز است (به دلیل کم یا زیاد شدن برخی چیزها در نماز) به این صورت که: ابتدا نیت کرده (و مستحب است تکبیر بگوید)، سپس سجده کرده، سر از سجده برداشته، دوباره سجده نماید، سپس سر از سجده برداشته، یک تشهد کوتاه^(۱) خوانده، بعد از آن سلام دهد.

گفتن ذکر در سجده‌های سهو واجب نیست، بلکه مستحب است. اگر کسی عمداً سجده سهو را ترک کند نمازش باطل نمی‌شود، بلکه باید آن را بعداً انجام دهد، هر چند که مدت زیادی بگذرد.

۱- اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، اللهم صل علی محمد و آل محمد. (احکام

الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۷)

فصل دوم: قضای نماز

سبب قضا شدن نماز، قضای آن و ملحقات این بحث

سبب قضا شدن نماز:

اموری که موجب می‌شود (واجب بودن) قضای نماز ساقط شود^(۱) هفت مورد می‌باشد: کودکی، جنون، بی‌هوشی، حیض، نفاس، کفر اصلی^(۲) و عدم توانایی انجام اموری که اقامه نماز را مباح می‌کند، یعنی وضو، غسل یا تیمم؛ در غیر این موارد، قضای نماز واجب است، مانند: ترک کردن^(۳) نماز واجب از روی عمد یا سهو، جز در نماز جمعه و عید^(۴) و همچنین خوابیدن به گونه‌ای که تمام وقت نماز نماز را در برگیرد. اگر عقل شخص مکلف به دلیلی از جانب خودش، مانند خوردن مُسکِرَات، یا استفاده از خواب‌آورها زایل شود، قضای نماز بر او واجب می‌شود، چون غالباً این امور باعث زوال عقل می‌شوند. اگر غذای مضرى بخورد که وی را دچار بی‌هوشی کند، لازم نیست نماز را قضا کند.^(۵) هنگامی که

۱- یعنی با وجود آن، قضای نماز واجب نیست. (مترجم)

۲- شخصی که کافر متولد شود. (مترجم)

۴- در بخش قضای نماز، سؤال دوم از کتاب احکام الشریعه بین السائل والمجیب آمده است که ترک نماز به صورت سهوی و یا عمدی. (مترجم)

۴- زیرا این نمازها قضا ندارند و در صورت قضا شدن نماز جمعه، نماز ظهر قضا می‌گردد. (مترجم)

۵- قضای نماز مریض: اگر بیماری او به گونه‌ای است که وجوب نماز را درک می‌کند، نماز بر او واجب است و هر طور که می‌تواند، باید بخواند، ولی اگر بیماری‌اش به گونه‌ای است که قوه ادراک

مسلمانی مرتد شود، یا کافری مسلمان شود و دوباره کافر شود، قضای نمازهای مدت ارتدادش بر او واجب است.

قضای نماز:

قضای نمازِ واجبِی که زمان آن گذشته است، واجب است؛ و به جا آوردن قضای نماز نافلهٔ زمان دار، مستحب مؤکد است، اگرچه به دلیل بیماری ای که عقل را از بین نمی برد، قضا شده باشد. مستحب است که برای هر دو رکعت (نافلهٔ قضا شده) یک مُد طعام صدقه دهد و اگر نتوانست چنین کند برای هر روز یک مُد صدقه دهد.

قضای نماز به محض یادآوری واجب می شود، به شرطی که زمان نماز حاضر (نمازی که زمانش فرا رسیده)، تنگ نشده باشد. باید نماز قضا به همان ترتیب قضا شدن خوانده شود، مثلاً اول نماز ظهر، بعد عصر و سپس مغرب و بعد عشا را بخواند و فرقی ندارد که نماز قضای همان روز باشد^(۱) یا روز دیگری که وقت آن گذشته است.^(۲) اگر چند نماز قضا داشته باشد که از لحاظ ترتیب قبل از نماز

ندارد، حکم مجنون و بی هوش را دارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۱۹)

۱- مثلاً اگر نماز صبح همان روز قضا شده باید قبل از نماز ظهر آن را بخواند و اگر نماز صبح روز دیگری قضا شده باشد لازم نیست قبل از نماز ظهر حاضر بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۰)

۲- مثلاً روزی نماز ظهر و عصرش قضا شده است و می خواهد قضای آن را به جا آورد، ابتدا باید

حاضر قرار نگرفته باشد،^(۱) واجب نیست پیش از نماز حاضر خوانده شود. اگر نماز قضایی به گردن او بود و آن را فراموش کند و نمازی را که وقت آن رسیده است، به جا آورد، تکرار نماز واجب نیست، ولی اگر در بین نماز به یاد آورد، نیت نمازش را به نماز قضا برگرداند؛ و اگر در حالی که می‌داند نماز قضا به گردن دارد نماز حاضر را بخواند، باید نماز را تکرار کند. اگر کسی در حال خواندن نماز نافله به یاد آورد که نماز قضای واجب را نخوانده است باید نماز واجب را از ابتدا شروع کند.^(۲) قضای نمازی که در سفر بوده است به صورت شکسته است، هر چند که در وطنش بخواند؛ و نمازی که در وطنش قضا شده، به صورت کامل خوانده شود، هر چند که در سفر باشد.

ملحقات نماز قضا^(۳)

قضای ظهر و سپس عصر را بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۰)

۱- مثلاً نماز عشاى روزهای قبلش قضا شده است و قصد خواندن نماز ظهر حاضرش را دارد. در این مثال صحت نماز ظهر متوقف بر خواندن نماز عشا نیست. ولی اگر نماز صبح همان روز قضا شده باشد باید ابتدا نماز صبح را قضا کند و سپس نماز ظهر را ادا کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۰)

۲- یعنی نمی‌شود نیت نماز مستحبی را به واجب برگرداند. بلکه نماز نافله را تمام کرده سپس قضای نماز را به جا می‌آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۱)

۳- چند نکته متفرقه درباره نماز قضا: اگر کسی نماز را با این عقیده که واجب نیست، عمداً ترک کند، اگر مسلمان زاده باشد کشته می‌شود و اگر از کفر به اسلام آمده باشد توبه داده می‌شود. اگر امتناع کرد کشته می‌شود، اما اگر برای نماز نخواندنش شبهه‌ای که احتمالش باشد را ادعا کند، دیگر حد در مورد او اجرا نمی‌شود؛ اما اگر نماز را ترک کند ولی نه با عقیده واجب نبودن آن، مورد تعزیر و تأدیب

اول: کسی که یکی از نمازهای یومیّه اش را به جا نیاورده و نمی داند کدام نماز بوده است، باید یک نماز صبح و یک نماز مغرب و یک نماز چهاررکعتی به نیت قضای آنچه بر گردن اوست بخواند (نیت ما فی الذمه). اگر چند مرتبه به همین شکل نمازش قضا شود و نداند چه نمازی

قرار می گیرد و اگر دوباره تکرار شود دوباره تعزیر می شود و اگر برای بار سوم ترک کند باز تعزیر می شود و اگر برای بار چهارم ترک کند کشته می شود.

الف: حکم نماز استیجاری: اجرت گرفتن در مقابل نماز خواندن به نیابت از میت جایز نیست و نماز باطل است؛ چون نیت نزدیکی به خدا در آن وجود ندارد، زیرا اگر اجرت نبود به نیابت از میت نماز نمی خواند، پس نمازش برای نزدیکی به مال است نه به خداوند سبحان. اگر کسی در مقابل نماز خواندن برای میت پول گرفته است، نماز و پولی که دریافت کرده است باطل می باشد و اگر نمی دانسته که این بدعت است گناهی بر او نیست؛ ولی آنچه در مقابل نماز خواندن برای اموات (مؤمنینی که به حجت خدا ایمان داشته اند یا حالشان مجهول بوده است) دریافت کرده است باید بازگرداند، مگر اینکه فقیر بوده باشد که به عنوان صدقه از طرف میت محسوب می شود و اگر بازنگردانده باشد می تواند آن را به مبلغی که ذکر شد (به ازای هر روز یک مد طعام) از طرف میت صدقه بدهد. می تواند دوباره آن نمازها را قضا کند ولی این بار با قصد قربت نه برای پول.

ب: برای قضا کردن نماز می توان در شب بیست و سوم ماه رمضان، نماز قضا را به جا آورد، زیرا هر رکعت نماز قضا در این شب برابر هزار ماه است؛ پس اگر کسی چندین سال نماز قضا داشته باشد می تواند به جای همه آنها در این شب یک شبانه روز نماز قضا بخواند.

ج: نماز قضای پدر و مادر به عهده فرزند پسر بزرگ تر است؛ پس اگر میت، چنین فرزندی نداشت یا نمی توانست بخواند اگر کسی بود که بدون درخواست چیزی برایش نماز بخواند (مانند سایر فرزندان یا بستگانش) می خواند و اگر نبود در مقابل هر شبانه روز نماز قضا یک مد طعام صدقه می دهد. (احکام

بوده، باید آن قدر نماز قضا بخواند^(۱) تا به اطمینان برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

دوم: هنگامی که نماز معینی^(۲) از او قضا شود و نداند که چند بار نمازش قضا شده است، باید آن قدر نماز قضایش را تکرار کند تا به یقین برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است؛ و اگر چندین نماز از او قضا شده باشد و نداند چه نمازی بوده است و تعداد و نوع آن‌ها را نیز نداند باید چندین روز پشت سر هم نماز قضا بخواند تا به یقین برسد که به مقدار لازم نماز قضا خوانده است.

فصل سوم: نماز جماعت

از چند جهت بررسی می‌شود:

جهت اول: مستحب است که همه نمازهای واجب به جماعت خوانده شود.

نماز جماعت در نمازهای روزانه مستحب مؤکد است. نماز جماعت فقط در نماز جمعه و عید فطر و قربان با وجود شرایط آن، واجب می‌شود. اقامه جماعت

۱- یعنی یک صبح، یک مغرب و همچنین یک چهار رکعتی به نیت ما فی الذمه بخواند و همین ترتیب را ادامه دهد تا وقتی به اطمینان برسد که نماز قضایی برگردنش نمانده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۱)

۲- مثلاً می‌داند نماز صبحش قضا شده است ولی تعداد آن را نمی‌داند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۱)

در هیچ یک از نمازهای مستحبی جز نماز طلب باران و عید فطر و قربان (اگر شرایط وجوب آن محقق نشود)^(۱)، جایز نیست.

نماز جماعت با درک رکوع امام و درک امام درحالی که در رکوع باشد، محقق می‌شود. نماز جماعت حداقل با دو نفر که یکی از آنها امام باشد، برپا می‌گردد. اگر بین امام و مأوم چیزی جلوی دیده شدن امام را بگیرد، نماز جماعت صحیح نیست، مگر اینکه مأوم، زن باشد.^(۲)

اگر امام به قدر قابل توجهی در مکانی بالاتر از مأوم باشد، مانند بناها، نماز جماعت منعقد نمی‌شود و جایز است که امام بر بلندی زمین شیب‌دار قرار گیرد. اگر مأوم بر بنای بلندی بالاتر از امام قرار داشته باشد، جایز است.

اگر بین امام جماعت و مأوم صف‌های به هم متصل وجود نداشته باشد، نباید فاصله آن دو، بیش از حد معمول باشد (بیش از یک متر)، اما اگر صفوف پشت سر هم باشند، اشکالی ندارد.^(۳)

۱- اگر شرایط وجوب نماز فطر و قربان مهیا نشود واجب نیستند. (مترجم)

۲- حایل یا مانعی که وجود آن مانع نماز جماعت نیست، حایلی است که مانع برقراری اتصال نباشد و از شنیده شدن صدای امام یا مکتب‌جلوگیری نکند، مانند پارچه یا دیواری که از چوب نازک و... باشد، نه مانند دیوار ضخیم که مانع برقراری اتصال می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۵)

۳- مثلاً کسی که در صف سوم ایستاده است فاصله اش با امام بیش از یک متر می‌باشد ولی اتصالش با صف‌های جلو برقرار است. (مترجم)

خواندن «حمد و سوره» بر مأوم مکروه است، مگر اینکه نماز جهریه^(۱) باشد و مأوم صدای امام یا مهممه او را نشنود، و اگر امام از افرادی باشد که نمی‌توان به او اقتدا کرد، خواندن حمد و سوره واجب است.^(۲)

متابعت از امام واجب است؛ پس اگر مأوم ندانسته یا از روی فراموشی سرش را بلند کند باید برگردد و از امام تبعیت کند؛ و همچنین اگر ندانسته، قبل از امام برای رکوع یا سجده خم شود - با این گمان که امام خم شده است - باید برگردد و به امام ملحق شود، اما اگر مأوم با علم به حالت امام قبل از او به رکوع رود، اگر نیت فرادا کرده باشد، باید نمازش را فرادا تمام کند، و گرنه نمازش باطل است.

جایز نیست مأوم جلوتر از امام قرار بگیرد. مأوم باید نیت اقتدا به امام داشته باشد و امام خود را مشخص کند؛ پس اگر در مقابل او دو نفر باشند و او قصد کند که هر دو یا یکی از آنها را امام قرار دهد، ولی شخصی را معین نکند، نماز منعقد نمی‌شود. اگر دو نفر نماز بخوانند و هر کدام بگویند من امام هستم نماز هر دو صحیح است، اما اگر هر دو بگویند که من مأوم هستم، یا شک کنند که مأوم یا امام هستند، نماز هر دو باطل است.

جایز است کسی که نماز واجب می‌خواند به دیگری که او نیز نماز واجب می‌خواند اقتدا کند، هر چند دو نماز، متفاوت باشد؛ و در بعضی از شرایط،

۱- نمازی که واجب است حمد و سوره بلند خوانده شود، نماز صبح و مغرب و عشا. (مترجم)

۲- زیرا نماز او فراداست نه جماعت. (مترجم)

شخصی که نماز با عنوان مستحبی می خواند^(۱) می تواند به کسی که نماز واجب یا نماز با عنوان مستحبی می خواند، اقتدا کند، همچنین کسی که نماز واجب می خواند می تواند به کسی که نماز با عنوان مستحبی می خواند اقتدا کند.

مستحب است: که اگر مأموم تنها یک مرد باشد در سمت راست امام قرار گیرد، اما اگر چند مأموم، یا یک زن باشد، پشت سر امام بایستند. اگر امام، زن باشد سایر زنان در دو سمت او بایستند؛ همچنین مرد عریانی که برای جماعتی که عریان هستند امامت می کند، بنشیند و مأمومین نیز در کنار او بنشینند و فقط کمی زانوهای امام جلوتر باشد. مستحب است که اگر کسی نمازش را فرادا می خواند و نماز جماعتی بر پا شود آن نماز را تکرار کند، چه امام شود و چه مأموم. اگر مأموم قرائت خود را قبل از امام به پایان رساند به تسبیح خداوند پردازد تا امام به رکوع برود. مستحب است که اهل فضل در صف اول قرار گیرند.

این موارد در نماز جماعت مکروه است: قرار دادن کودکان در صف اول. مأموم به تنهایی در یک صف بایستد، (مگر زمانی که صفوف پر شده باشند). نماز نافله خواندن در حین اقامه نماز جماعت؛ و زمان ایستادن برای نماز جماعت، هنگامی است که مؤذن «قد قامت الصلاة» را بگوید، و بهتر از آن، بعد از پایان

۱- هنگامی که شخص نمازش را فرادا بخواند سپس جمعیتی حاضر شوند تا با آنان نماز جماعت بخواند مستحب است نمازش را دوباره بخواند و با این که نمازش مستحب است ولی می تواند به امامی که نمازش واجب است و به عکس اقتدا کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة:

شهادت‌های چهارگانه ^(۱) است.

جهت دوم: امام جماعت باید دامرای این شرایط باشد:

ایمان، عدالت، عقل، حلال‌زاده بودن، و بلوغ، هنگامی که مأمومین بالغ باشند و نماز واجب باشد [، نه مانند نماز استسقاء]. کسی که نشسته نماز می‌خواند نباید امام کسی گردد که ایستاده نماز می‌خواند. اُمّی ^(۲) نمی‌تواند برای غیر خودش امام باشد. آزاد بودن امام جماعت شرط نیست. در صورتی که مأمومین مرد باشند، یا مرد و زن با هم باشند، مرد بودن امام شرط است. زن می‌تواند فقط برای زنان امامت کند؛ همچنین خنثی ^(۳) تنها برای افراد خنثی امام می‌شود. جایز نیست زن برای مردان، یا افراد خنثی امامت کند.

اگر امام جماعت به گونه‌ای قرائت می‌کند که معنی را تغییر می‌دهد، یا فهمیده نمی‌شود، امامتش برای کسی که می‌تواند صحیح قرائت کند، جایز نیست؛ همچنین کسی که (در تلفظ)، حروف را تغییر می‌دهد -مانند کسی که لکنت دارد یا شبیه به آن- ^(۴) نمی‌تواند برای کسی که صحیح قرائت می‌کند،

۱- بعد از «اشهد ان المهدی و المهدیین من ولده حجج الله». (مترجم)

۲- کسی که نمی‌تواند بخواند و بنویسد و قرآن را صحیح بخواند. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء دوم، صلاة: ص ۱۲۹)

۳- کسی که مرد یا زن بودنش قابل تشخیص نباشد یا تشخیصش مشکل باشد. (مترجم)

۴- مانند کسی که نمی‌تواند تلفظ حرف "ر" یا "ع" را صحیح ادا کند (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۰)

امامت کند. لازم نیست امام جماعت، نیت امامت داشته باشد. صاحب مسجد^(۱) و صاحب امارت^(۲) و صاحب خانه برای امامت اولویت دارد، و شخص هاشمی نیز در صورت دارا بودن شرایط امامت، اولویت دارد.

اگر چند نفر برای امامت حاضر شدند، کسی را که مأمومین برای امامت مقدم کنند اولویت دارد. اگر نظر آنان مختلف بود، فقیه تر و بعد از آن با تقواترین فرد اولویت دارد. مستحب است امام طوری تشهدهای (رکعت دوم و آخر) را بر زبان جاری کند که افراد پشت سر او بشنوند. اگر امام در حال نماز بمیرد، یا بی‌هوش شود، شخص دیگری از همان جمع، نایب امام می‌شود تا نماز تمام شود؛^(۳) همچنین اگر برای امام جماعت ضرورتی پیش آید جایز است شخص دیگری را نایب خود قرار دهد و اگر این کار را از روی اختیار نیز انجام دهد، جایز است.

مکروه است کسی که در وطن خود می‌باشد به مسافر اقتدا نماید. همچنین نایب شدن کسی که در تعداد رکعات نماز از بقیه عقب تر است، امامت شخص جذامی و کسی که پیسی دارد، کسی که حد شرعی بر او جاری شده و توبه کرده

۱- امام جماعتی که همیشه در آن مسجد نماز می‌خواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۰)

۲- کسی که امام او را امیر قرار داده باشد (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۰)

۳- می‌توانند فرادا نماز را به اتمام برسانند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص ۱۳۰)

۲۰۲..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

باشد^(۱) و همچنین کسی که ختنه نکرده باشد، امامت کسی که نماز گزار به امامت او تمایلی ندارد، امامت اعرابی بر مهاجرین^(۲) و امامت کسی که تیمم کرده، بر کسانی که با آب طهارت گرفته‌اند، مکروه است.

جهت سوم: احکام نماز جماعت

که دوازده مسئله دارد:

اول: اگر بعد از نماز ثابت شود که امام جماعت فاسق، کافر یا بدون طهارت بوده است، نماز مأوم باطل نیست، و اگر نماز گزار می‌دانسته است باید نمازش را دوباره بخواند. اگر در بین نماز فهمید، نیت فرادا کرده، نمازش را به پایان برساند.

دوم: اگر مأوم (به محل نماز) وارد شود و امام جماعت در حالت رکوع بود و بترسد که جماعت را از دست دهد، می‌تواند رکوع کند و در حال رکوع راه برود تا به صف نماز برسد.

سوم: اگر مأومین، یک خنثی و یک زن باشند، واجب است خنثی

۱- امامت کسی که گناهی مرتکب شده که باید حد بر او جاری شود ولی بر او حد جاری نشده باشد و او از گنااهش توبه کرده باشد صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۱)

۲- اعرابی در این زمان یعنی کسانی که دنبال دنیا هستند و در امر دین اهتمام کمی دارند؛ و مهاجرین افرادی هستند که جان و مال و توانشان را در راه یاری دین و بالا بردن کلمه الله فدا کرده‌اند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۲)

پشت سر امام جماعت بایستد و زن پشت سر خنثی.

چهارم: اگر امام در محرابی که درون دیوار است نماز بخواند، کسی که پشت سر او قرار دارد و او را می بیند نمازش صحیح است، ولی کسانی که در دو طرف امام ایستاده اند و او را نمی بینند، نمازشان صحیح نیست، و افرادی که در صف های بعدی ایستاده اند نمازشان صحیح است چون آنان کسی را می بینند که امام را می بیند.

پنجم: بر مأوم جایز نیست که بدون عذر، تبعیت از امام را ترک کند، مگر اینکه قصد فرادا کند.^(۱)

ششم: نماز جماعت در یک کشتی و در چند کشتی صحیح است، فرقی ندارد کشتی ها به هم متصل باشند یا نباشند.

هفتم: هنگامی که مأوم شروع به نماز نافله کند، سپس امام جماعت نماز را آغاز نماید، اگر مأوم بترسد که به جماعت نرسد، نمازش را قطع کند و به جماعت ملحق می شود؛ در غیر این صورت مستحب است دو رکعت نافله را تمام کند. اگر مأوم در حال خواندن نماز واجب است نیتش را به نماز مستحبی تغییر دهد و دو رکعت را تمام کند و اگر امام

۱- اگر امام در نمازش دچار اشتباه شود و سوره را نخواند و وارد رکوع شود بر مأومین واجب است از امام تبعیت کنند و همراه او به رکوع بروند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص ۱۳۵)

جماعت، امام معصوم باشد، نماز واجبش را قطع و همراه امام، نمازش را از نو شروع کند.^(۱)

هشتم: اگر بخشی از نماز جماعت را از دست بدهد، ابتدای نمازش را از همان جایی که به جماعت رسید حساب کند و (وقتی نماز جماعت تمام شد) ادامه نماز را خودش به جا آورد، حتی اگر به رکعت چهارم امام رسید همراه امام وارد نماز می‌شود و هنگامی که امام نمازش را سلام داد، می‌ایستد و ادامه نمازش را می‌خواند، و در رکعت دوم خودش، حمد و سوره و در دو رکعت آخر، فقط حمد می‌خواند.^(۲)

نهم: اگر بعد از رکوع رکعت آخر به امام رسید، تکبیر بگوید و با او به سجده برود، و پس از سلام امام، می‌ایستد و نمازش را می‌خواند^(۳) و نیاز به تکبیر گفتن دوباره ندارد. اگر بعد از سجده آخر رسید، تکبیر گفته، همراه امام می‌نشیند، و بعد از سلام امام می‌ایستد و نمازش را شروع می‌کند، و نیازی نیست دوباره تکبیر بگوید.

۱- اگر امام جماعت، امام معصوم باشد، نماز جماعت پشت سر او واجب نیست. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۳)

۲- لازم به ذکر است هنگامی که مأموم به دلیل تبعیت از امام در تشهد می‌نشیند نشستن او تفاوتی ندارد و نیازی نیست به حالت نیم خیز بنشیند (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۴)

۳- سجده‌ای که همراه امام انجام داده جزو رکعت اول او حساب نمی‌شود و پس از این که ایستاد نمازش را از رکعت اول بدون نیاز به تکبیر دوباره، می‌خواند. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۴)

دهم: جایز است که مأوم به دلیل ضرورت، قبل از امام سلام بدهد و از حالت نماز خارج شود و جماعتش صحیح است.

یازده: اگر زنان در صف آخر نماز ایستاده باشند و چند مرد قصد ملحق شدن به جماعت را داشته باشند و برای مردان در پشت سر امام جایی نباشد، واجب است که زن‌ها عقب‌تر بروند.

دوازده: اگر کسی که (در رکعات) نمازش از بقیه عقب‌تر است، نایب امام قرار گیرد، وقتی که نماز مأومین به پایان رسید به آن‌ها اشاره می‌کند تا نمازشان را تمام کنند، سپس می‌ایستد و بقیه نمازش را می‌خواند.

مسائل مربوط به مساجد

مستحب است که مساجد را رو باز بسازند به گونه‌ای که سقف نداشته باشد، مگر حصیر و ساقه درخت نخل، همانند سایبانی که (حضرت) موسی (علیه السلام) بنا نموده بود. وضوخانه مسجد نزدیک درهای آن باشد و مناره مسجد کنار دیوار مسجد باشد، نه وسط آن. با پای راست وارد مسجد و با پای چپ خارج شود. نعلین و کفش خود را بررسی کند^(۱) و هنگام ورود و خروج از مسجد دعا کند.^(۲)

۱- تا مطمئن شود که خالی از نجاست و سایر کثافات است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۵)

۲- مانند دعایی که حضرت زهرا (علیها السلام) از رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند که آن حضرت هنگام ورود به مسجد

بیرون آوردن اجزای خراب‌شدهٔ مسجد جایز است، اما غیر از آن جایز نیست؛ و مستحب است (بعد از تعمیر) بازگردانده شود. استفاده کردن از وسیلهٔ مسجد در غیر آن جایز است؛ و جارو کردن و چراغ روشن کردن در مسجد مستحب است.

حرام است:

زینت کردن مساجد و کشیدن تصاویر در آن‌ها، فروختن وسایل آن‌ها، و اینکه چیزی از مساجد برای راه‌ها و املاک استفاده شود؛ و اگر چیزی از مسجد را بگیرد باید آن را به آن مسجد یا به مسجدی دیگر برگرداند. زمانی که مساجد از بین برود، تملک آن‌ها جایز نیست. آوردن نجاست به داخل مساجد جایز نیست؛ و برطرف کردن اشیای نجس در مسجد و خارج کردن سنگ‌ریزه از مساجد حرام است؛ و اگر کسی چنین کند باید آن را برگرداند. باز کردن درب خانه به مسجد حرام است،^(۱) مگر اینکه خانهٔ معصوم باشد. خوردن غذا در مساجد کراهت دارد. قرار دادن مساجد به عنوان محلی برای غذا خوردن کراهت شدید دارد.

این دعا: «بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک» و هنگام خروج این دعا را می‌خوانند: «بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک». مستدرک الوسائل: ج ۳، ص ۳۹۴ (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۵)

۱ - یعنی این که همسایه‌های مسجد حق ندارند از داخل خانهٔ خود دری به مسجد باز کنند. (مترجم)

مکروه است:

بلندساختن مساجد و ساختن بلندی‌هایی بر روی دیوار مسجد و ساختن محراب‌ها در دیوار، و اینکه مسجد را راه عبور قرار دهند.^(۱)

مستحب است از خرید و فروش و جای دادن دیوانگان، و اجرای احکام و اعلام گم‌شدگان، و اقامه حدود و شعر خواندن، و بلند کردن صدا، و صنعتگری و خوابیدن در مسجد اجتناب شود. مکروه است کسی که دهانش بوی سیر یا پیاز می‌دهد وارد مسجد شود، انداختن خلط سینه و آب دهان در مسجد و کشتن شپش در آن مکروه است و اگر چنین کرد، زیر خاک پنهانش کند. آشکار کردن عورت در مسجد [اگر بیننده‌ای نباشد] و پرتاب سنگ ریزه مکروه است.

مسائل سه‌گانه:

اول: اگر کلیساها، یا دیرها [محل عبادت یهودیان و مسیحیان] خراب شود، اگر کسی از آن دین، اهل ذمه باشد، تعرض به آن مکان جایز نیست؛ و اگر این خرابه‌ها در میدان جنگ باشد، یا اهل آن دین از بین رفته باشند، استفاده از آنها برای مساجد جایز است.

دوم: اقامه نماز واجب، در مسجد بهتر از (اقامه آن در) خانه است و نافله برعکس است، (یعنی خواندن آن در خانه بهتر است).

۱ - یعنی از یک در وارد و از در دیگر خارج شوند. (احکام الشریعه بین المسائل و المجیب جزء دوم،

سوم: نماز در مسجد جامع، برابر صد نماز، و در مسجد قبیله (محلّه)، برابر بیست و پنج نماز و در مسجد بازار، برابر دوازده نماز است.

* حرمت آرامگاه‌های معصومین و حسینیه‌ها، مانند حرمت مسجد است، اما خوردن غذا در حسینیه‌ها مکروه نیست. مستحب است که امام معصوم یا کسی که از سوی امام تنصیب شده است امور مسلمین را در مسجد تدبیر و پیگیری نماید.

فصل چهارم: نماز خوف^(۱) و مطا^(۲)

نماز خوف در هنگام سفر و در وطن شکسته است، چه جماعت خوانده شود، چه فرادا. اگر به جماعت خوانده شود، امام اختیار دارد که اگر بخواهد با گروهی و پس از آن با گروهی دیگر نیز نماز بخواند و در این حالت نماز دوم برای او مستحب می‌باشد؛ و یا بهتر است آن‌گونه که پیامبر در غزوه ذات الرقاع نماز خواندند، نماز بخواند.

۱ - یعنی نماز ترس، مانند میدان جنگ بین حق و باطل. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۹)

۲ - نماز در حالت ترس شدید، مانند زمانی که در میدان جنگ درگیری شدید و رو در رو ایجاد شده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۳۹)

بررسی شروط، کیفیت و احکام نماز خوف

شروط نماز خوف:

[نماز خوف در صورتی صحیح است که] دشمن در جهتی غیر از قبله باشد و چنان نیرویی داشته باشد که مسلمانان از حمله او در امان نباشند. همچنین تعداد مسلمانان آن قدر باشد که بتوانند دو گروه شوند، تا گروهی نماز بخوانند و گروهی توان مقاومت در برابر دشمن را داشته باشند و لازم نباشد که امام لشکر مسلمانان را بیشتر از دو گروه کند.

کیفیت نماز خوف:

اگر نماز دورکعتی باشد امام جماعت باید با گروه اول یک رکعت نماز بخواند و بنشیند تا نماز گزاران پشت سر او برخیزند و نماز خود را تمام کنند، و به جنگ بروند و گروه دوم به صف بایستند، و امام برخیزد و رکعت دوم خود را بخواند؛ نماز گزاران در این حال با تکبیرة الاحرام وارد رکعت اول خود می شوند که رکعت دوم امام است و وقتی امام برای تشهد می نشیند، آن قدر این کار را طول دهد تا نماز گزاران پشت سرش بتوانند برخیزند و رکعت دوم را بخوانند و به او برسند؛ سپس همراه آنها تشهد خوانده، سلام می دهد.

بنابراین نماز خوف از سه نظر [با نماز جماعت] اختلاف دارد:

[اول] در فرادا بودن نماز مأموم (در عمل و نه در نیت، زیرا نمازش به

جماعت است).^(۱)

[دوم] منتظر ماندن امام برای مأمومین تا نمازشان را تمام کنند؛

[سوم] امامت کسی که نشسته برای کسی که ایستاده است.

اگر نماز، سه رکعتی باشد، امام می‌تواند با گروه اول یک رکعت بخواند و با گروه دوم دو رکعت، و یا برعکس. جایز است که نماز را با هر کدام از گروه‌ها به صورت جداگانه نیز بخواند.

احکام نماز خوف:

اول: اگر نمازگزاران در نماز خوف جماعت شک کنند، به آن اعتنا نمی‌شود، اما اگر فرادا نماز بخواند حکم شک در نماز عادی را به همان صورت که پیش‌تر بیان شد دارد.

دوم: همراه داشتن سلاح در نماز خوف واجب است، حتی اگر سلاح، نجس باشد، اما اگر سلاح به قدری سنگین باشد که برخی از واجبات نماز را نتوان انجام داد همراه داشتن آن جایز نیست.

سوم: اگر امام جماعت خطای سهوی انجام دهد، به طوری که سجدهٔ سهو بر او واجب شود و سپس گروه دوم بر او وارد شوند، هنگامی که سلام نماز را بگویند و سجده کند تبعیت از او بر گروه دوم واجب نیست.

۱- به این صورت که گروه اول رکعت دوم نمازشان را فرادا می‌خوانند و قبل از امام سلام می‌دهند، و گروه دوم نیز رکعت دومشان را فرادا خوانده تا به تشهد و سلام امام برسند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴۰)

نمانر مطارده، یا نمانر ترس شدید:

هنگامی است که وضعیت جنگ منتهی به جنگ رو در رو و تن به تن شود؛ که در این صورت نمازگزار هر طور که بتواند نمازش را می خواند، ایستاده، در حال حرکت و یا سواره، و تکبیرة الاحرام را رو به قبله می گوید و اگر می تواند [در ادامه نماز] رو به قبله بماند، و گرنه هر چقدر توانست رو به قبله بایستد و با وجود عذر، به هر طرف که بتواند نماز بخواند. اگر نتواند پیاده شود سواره نمازش را بخواند و بر بلندی زین اسبش سجده کند، و اگر نتواند اشاره می کند، و اگر می ترسد، تنها با تسبیح گفتن نماز بخواند و در این حال رکوع و سجده ساقط می شود، و به جای هر رکعت می گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».

چند نکته:

اول: اگر با ایما یا اشاره نمازش را آغاز کرد و به محل آمنی رسید آنچه باقی مانده است را باید با رکوع و سجود کامل کند. اگر در حال نماز پشت به قبله نکرده باشد لازم نیست نمازش را از ابتدا بخواند؛ همچنین اگر نماز را عادی شروع کند و موردی اتفاق بیفتد که موجب ترس شود، نمازش را به صورت نماز خوف کامل می کند و نیازی نیست نمازش را از ابتدا بخواند.

دوم: اگر کسی از دور سیاهی ای ببیند و گمان کند که دشمن است و نمازش را شکسته یا با اشاره بخواند و بعداً بفهمد اشتباه کرده است، نیازی

به تکرار نماز نیست؛ همچنین اگر دشمن به او روی آورد و او نمازش را به دلیل ترس شدید با اشاره بخواند و بعد بفهمد که میان او و دشمن مانعی وجود داشته است، نیازی به تکرار نماز نیست.

سوم: اگر از سیل یا حیوان درنده بترسد، جایز است که نمازش را به صورت نماز خوف شدید بخواند.

خاتمه:

کسی که در باتلاق فرو رفته است، یا کسی که در حال غرق شدن باشد آن گونه که بتواند نماز را به جا می آورد، و برای رکوع و سجده، اشاره می کند و از تعداد رکعات نماز چیزی را کم نمی کند، مگر اینکه در سفر یا ترس باشد.

فصل پنجم: نماز مسافر

شروط نماز مسافر و شکستن نماز و احکام آن

شروط، که شش مورد هستند:

شرط اول: مسافت

طی کردن مسافت معتبر که حداقل مسافت ۴۴ کیلومتر رفت یا برگشت، یا ۲۲ کیلومتر رفت و ۲۲ کیلومتر برگشت (که مجموعاً ۴۴ کیلومتر می شود). اگر مسافت ۲۲ کیلومتر باشد و قصد داشته باشد در یک یا چند روز (کمتر از ده روز) به خانه اش بازگردد، باید نمازش را شکسته بخواند. اگر مسافتی کمتر از ۲۲ کیلومتر را در یک روز طی کند و بازگردد و دوباره (همان مسیر را) برود جایز نیست نمازش را شکسته بخواند، هرچند که این کار در نیتش بوده باشد. اگر برای یک شهر دو مسیر وجود داشته باشد که یکی از دیگری طولانی تر (و بیشتر از ۲۲ کیلومتر) باشد و از آن راه برود نمازش شکسته می شود، حتی اگر با هدف شکسته شدن نماز، راه طولانی را انتخاب کرده باشد.

شرط دوم: قصد مسافت

اگر نیت کمتر از حداقل مسافت را داشته باشد و بعد از رسیدن به آن مکان، تصمیم جدید بگیرد که به همان اندازه از محل فعلی خود منتقل شود، نمازش شکسته نمی شود، هرچند که مجموع مسافت طی شده از حداقل مسافت

بیشتر باشد؛ و اگر برگردد و مقدار مسافت بازگشت او به اندازه حداقل مسافت یا بیشتر از آن باشد نمازش شکسته می‌شود. همچنین اگر به دنبال حیوان گمشده‌ای برود، یا دنبال کسی رفته باشد که به او بدهی دارد و یا دنبال غلام فرار کرده برود نیز همین حکم برقرار است.

اگر فردی به قصد سفر خارج شود و به مکانی برود و منتظر گروهی باشد که در صورت امکان همراه آنان سفر کند و گرنه بازگردد، اگر فاصله این مکان ۲۲ کیلومتر یا بیش از آن باشد، در سفر و در محل توقفش باید نماز را شکسته بخواند، و اگر کمتر از آن باشد نمازش را کامل می‌خواند تا زمانی که کاروانی را پیدا و با آنان سفر کند.

شرط سوم: سفرش را با اقامت^(۱) در بین آن قطع نکند

اگر قصد طی کردن مسافتی را داشته باشد که در راه آن خانه‌ای دارد که حداقل شش ماه در آن سکونت داشته است، نمازش را در راه و در خانه‌اش کامل می‌خواند؛ همچنین اگر قصد اقامت در مکانی را داشته باشد که فاصله آن کمتر از حداقل مسافت است نیز به همین گونه خواهد بود. اگر فاصله بین او تا خانه‌اش یا مکانی که قصد اقامت در آن را دارد بیشتر از حداقل مسافت باشد فقط در طول راه نماز را شکسته می‌خواند.

حال اگر چند وطن داشته باشد فاصله بین (محل آغاز سفر) او تا وطن اول،

۱- یعنی در بین راه قصد توقف ده‌روزه نداشته باشد یا از وطن یا مکانی که در حکم وطنش است عبور نکند. (مترجم)

لحاظ می‌شود؛ که اگر کمتر از حداقل مسافت باشد و سفرش با رسیدن به وطن قطع گردد، نمازش در راه و وطن کامل است؛ سپس مسافت بین دو وطن لحاظ می‌شود که اگر کمتر از حداقل مسافت بود نمازش کامل است و اگر به اندازه حداقل مسافت یا بیش‌تر از آن باشد، نمازش را در مسیر [وطن دوم] شکسته می‌خواند تا به وطنش برسد.

وطنی که نماز در آن کامل است: هر جایی که فرد در آن سکونت و استقرار دارد و هر مکانی که فرد در آنجا دارای ملک، یا مانند آن (مثل زمین زراعی یا انفالی که با اجازه امام معصوم از آن بهره می‌برد) باشد^(۱) و شش ماه پشت سر هم، یا بیش‌تر در آن مکان سکونت داشته باشد،^(۲) به شرطی که در آن ملک محلی برای سکونت باشد.^(۳)

شرط چهارم: سفر جائز باشد

۱- اما محلی که شخص مدت زیادی در آن زندگی کرده ولی مالک آن نبوده است مانند کسی که چندین سال در مکانی مستأجر بوده است و یا محل سکونتش را فروخته و هجرت کرده است دیگر آن مکان وطن او نیست. اگر در بین سفرش از آنجا عبور کند سفرش قطع نمی‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴۷)

۲- و سفر کوتاه مانند سفر برای زیارت و... در این بین اشکالی وارد نمی‌کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴۷)

۳- با وجود تمام این شرایط، آن محل وطن او محسوب می‌شود، هر چند که از آن مکان هجرت کند؛ البته اگر در مکانی ساکن باشد، تا زمانی که در آنجاست نمازش تمام است، گرچه مستأجر باشد و ملکی نداشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴۷)

چه واجب باشد، مانند سفر حج واجب و یا مستحب باشد، مانند زیارت پیامبر ﷺ و یا مباح باشد، مانند سفر برای تجارت. اگر سفر برای معصیت باشد، مانند تبعیت از حاکم ظالم، یا برای شکار از روی سرگرمی باشد، نمازش شکسته نیست. اگر شکار برای امرارمعاش خود و خانواده و یا تجارت باشد نمازش شکسته می‌شود.

شرط پنجم: سفرش بیش از در وطن ماندنش (کثیرالسفر) نباشد

مانند کوچ‌نشینانی که به دنبال [نواحی] باران [ی] می‌روند و کسی که با کرایه، باری را حمل می‌کند [مثل راننده] و کشتی‌رانان و تاجران دوره‌گرد و نامه‌رسانان. ضابطه و ملاک تشخیص کثیرالسفر این است که کسی که سفرش به شکل مستمر چهار روز در هفته، یا شانزده روز در ماه، یا شش ماه و یک روز در سال باشد ^(۱) باید نمازش را در سفر کامل بخواند و روزه بگیرد؛ و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزه‌اش این‌گونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد.

شرط ششم:

مسافر تا زمانی که صدای اذان شهر را [از انسان و نه از بلندگو] می‌شنود جایز

۱- کمترین مدتی که با وجود آن نماز را باید تمام بخواند شش ماه است یعنی این وضعیت او که در هفته چهار روز یا در ماه شانزده روز را سفر می‌کند بیش از شش ماه ادامه یابد. از زمانی که بداند که این وضعیت اوست، کثیرالسفر محسوب می‌شود و نمازش تمام است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۴۸)

نیست نمازش را بشکند، یا روزه اش را افطار کند، هر چند که نیت سفر را از شب قبل داشته باشد؛ همچنین در زمان برگشت نیز نمازش شکسته است تا زمانی که صدای اذان را از وطنش (از انسان و نه از بلندگو) بشنود، و پس از آن که شنید نماز را کامل می خواند.

اگر مسافر قصد اقامت ده روز در مکانی را داشته باشد، نمازش را کامل می خواند و در کمتر از ده روز باید نمازش را شکسته بخواند. حال اگر در قصد اقامتش در مکانی، تا یک ماه مردد باقی بماند، نمازش را شکسته و بعد از آن باید کامل بخواند، حتی اگر (بعد از یک ماه) یک نماز باشد. اگر ابتدا قصد اقامت ده روز داشته باشد و بعد از آن نیتش تغییر کند و قصد اقامت نداشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند، فرقی ندارد (تا آن موقع) یک نماز یا بیشتر از آن را به نیت کامل خوانده باشد، یا هیچ نمازی نخوانده باشد، و اگر دوباره به قصد اقامت باز گردد باید برای کامل شدن نماز، قصد ماندن ده روز جدید داشته باشد.

شکسته خواندن نماز:

شکسته خواندن نماز در سفر واجب است، مگر در یکی از وطن های چهار گانه، یعنی مکه، مدینه، مسجد جامع کوفه و حائر [حسینی] که مخیر است نمازش را کامل، یا شکسته بخواند، گرچه کامل خواندن بهتر است. هنگامی که باید نمازش را شکسته بخواند، اگر عمداً نماز را کامل بخواند، باید در هر صورت (در وقت و خارج از وقت) نمازش را تکرار کند؛ و اگر حکم شکسته شدن نماز را نمی دانست، لازم نیست نماز را تکرار کند، هر چند که وقت نماز باقی باشد؛ و

اگر فراموش کرده باشد نیز در وقت، نیازی به تکرار و خارج از وقت نیاز به قضا ندارد. اگر مسافر به طور اتفاقی نماز را شکسته بخواند، نمازش صحیح است؛ اگر فردی در وطنش بود و وقت نماز آغاز شد، و او سفر را شروع کرد، (و وقت نماز هم باقی باشد) به دلیل مسافر بودنش در این حال، نماز را شکسته می‌خواند، و اگر در زمان داخل شدن وقت نماز، مسافر باشد و در زمان ادای نماز مسافر نباشد^(۱) (و وقت نماز هم باقی باشد) باید نمازش را کامل بخواند.^(۲)

مستحب است که بعد از هر نماز (شکسته) واجب برای جبران آن سی بار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ». لازم نیست مأموم مسافر از امامی که نمازش کامل است تبعیت کند و نمازش را کامل بخواند، بلکه نمازش را فرادا سلام می‌دهد.

هفت مسئله در احکام شکسته خواندن نماز:

اول: هنگامی که به قصد طی کردن حداقل مسافت خارج شود و در بین سفر، مانعی از ادامه مسیر جلوگیری کند، اگر آن قدر رفته باشد که صدای اذان را نشنود، نمازش شکسته است -البته اگر از قصد سفر منصرف نشده باشد- اما اگر به قدری رفته باشد که صدای اذان را بشنود و یا از ادامه سفر منصرف شده باشد نمازش را کامل می‌خواند؛ و مسافر

۱- مثلاً به وطن یا مکانی که در حکم وطن است برسد. (مترجم)

۲- اگر کسی قصد اقامت ده روز کند و در بین نماز از قصدش برگردد نمازش را شکسته می‌خواند و برعکس اگر در بین نماز قصد اقامت کند نمازش را تمام می‌خواند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة: ص ۱۵۲)

خشکی و دریا در این حکم برابرند.

دوم: اگر مسافر مقداری از راه را رفت و باد او را به وطنش برگرداند [مثلاً در سفر دریایی] اگر صدای اذان را بشنود نمازش را کامل و گرنه شکسته می‌خواند.

سوم: اگر مسافر بخواهد در مکانی غیر از شهر خود ده روز بماند، سپس از آن مکان به میزان کمتر از حداقل مسافت خارج شود، در تمام حالت‌ها باید نمازش را در راه و آن شهر کامل بخواند.

چهارم: اگر مسافر به نیت شکسته نماز خود را آغاز کند و امر اقامت برایش محرز شود، باید نمازش را کامل بخواند. اگر مسافر نیت ده روز اقامت کند و وارد نماز شود و امر سفر برایش محرز شود، نمازش شکسته می‌شود. اگر مسافر بعد از پایان نماز کامل تصمیم به سفر بگیرد از آن پس، نمازش را شکسته می‌خواند.

پنجم: در شکسته یا کامل بودن قضای نماز چگونگی قضا شدن آن ملاک است، نه واجب شدن آن؛ پس اگر موقع اتمام وقت نماز، مسافر بود، نمازش را شکسته و اگر در وطنش باشد کامل قضا می‌کند.

ششم: اگر فردی به نیت سفر خارج شد [و گمان کرد که دیگر] صدای اذان شهر خود را نمی‌شنود و نماز را شکسته خواند و بعداً فهمید که صدای اذان را می‌شنود، لازم نیست نماز خود را تکرار کند.

۲۲۰..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادتها)

هفتم: اگر زمان نماز نافله ظهر داخل شد و او نماز را نخواند و سفر را آغاز کرد، مستحب است که حتی در سفر، قضای آن را به جا آورد.

کتاب مروزه

شامل سه فصل است: ارکان روزه، اقسام آن و ملحقاتی در مورد آن.

فصل اول: ارکان مروزه

این فصل چهار رکن دارد:

رکن اول: مروزه [تعریف و توضیح]

روزه، یعنی اینکه شخص با نیت روزه از چیزهایی که آن را باطل می کند خودداری کند.

در ماه رمضان و در غیر ماه رمضان کافی است که روزه را جهت تقرب به خدا نیت کند؛ و اگر در شب، نیت کردن را فراموش کرد می تواند تا قبل از زوال (اذان ظهر) نیت کند. اگر اذان ظهر فرارسید مهلت نیت تمام شده است،^(۱) چه روزه اش واجب باشد و چه مستحب؛ فقط برای روزه ماه رمضان می تواند نیت را

۱- یعنی دیگر نمی تواند نیت روزه کند. (مترجم)

بر ماه رمضان مقدم کند^(۱) و اگر این گونه نیت کرد و وارد ماه رمضان شد و فراموش کرد دوباره نیت کند. (پس از وارد شدن به ماه رمضان نیت نکرد) و اولین روز را روزه گرفت، همان نیت اول کافی است. (نیتی که قبل از داخل شدن ماه رمضان انجام داده بود)، و به این ترتیب می‌توان برای روزه گرفتن تمام ماه رمضان، تنها یک نیت کرد.

در ماه رمضان، نمی‌توان روزه غیر رمضان گرفت و اگر نیت روزه دیگری بکند -چه واجب باشد چه مستحب- به عنوان روزه رمضان قبول می‌شود، نه آنچه نیت کرده بود.

نیت شک‌دار بین روزه مستحب و واجب جایز نیست، بلکه باید حتماً یکی را قصد کند یا اینکه روزه را (بدون تعیین وجوب یا استحباب) فقط به نیت قرب به خدا قصد کند.

اگر به قصد روزه واجب ماه رمضان، روز آخر شعبان را همراه با شک روزه بگیرد، روزه‌اش نه به عنوان مستحب حساب می‌شود و نه واجب؛ اما اگر روزه‌اش را به نیت مستحب گرفت، اگر بعد فهمید که ماه رمضان بوده (همان روزه مستحب) کفایت از روزه رمضان می‌کند. اگر در روز مشکوک به آخر شعبان یا اول رمضان نیت کند که اگر رمضان بود روزه‌ام واجب باشد و اگر شعبان بود مستحب باشد، کافی نیست و در صورتی که اول رمضان باشد باید دوباره روزه

۱- یعنی شب قبل از شروع ماه رمضان، نیت کند که کل این ماه را برای خدا روزه می‌گیرم.

بگیرد. اگر به نیت روزه نگرفتن شب را به صبح برساند و بعد مشخص شود که رمضان است نیت روزه را تجدید می‌کند و همین کافی است، ولی اگر بعد از اذان ظهر فهمید واجب است از تمام مبطلات روزه خودداری کند و (پس از رمضان) قضای آن روز را بگیرد.

سه مسئله:

- ۱- اگر در روز ماه رمضان نیت کند که روزه‌اش را بشکند، سپس دوباره تا قبل از اذان ظهر نیت روزه کند، روزه‌اش صحیح است.
- ۲- اگر نیت روزه کند، سپس نیت کند که روزه را بشکند اما روزه را نشکند و دوباره نیت روزه کند، روزه‌اش صحیح است.^(۱)
- ۳- بچهٔ ممیز، هم روزه و هم نیت روزه‌اش صحیح و شرعی است.

مرکز دوم: آنچه مروه‌دار باید از آن‌ها خودداری کند

که شامل چند مبحث می‌باشد:

مبحث اول: واجب است پرهیز (امساک) و خودداری از:

- ۱- همهٔ خوردنی‌ها، چه از خوردنی‌های رایج باشد مثل نان و میوه‌ها، و چه از خوردنی‌های غیر رایج مثل ریگ یا بَرَد (تگرگ) باشد.

۱- فرقی نمی‌کند که قصدش برای شکستن روزه قبل از اذان ظهر بوده یا بعد از اذان ظهر (احکام

الشریعه بین السائل و المعجب جزء سوم، صوم: ص ۱۰)

- ۲- همه نوشیدنی‌ها، هرچند نوشیدنش رایج و معمول نباشد، مثل آب گل‌ها و صمغ درختان.
- ۳- جماع (نزدیکی)، چه از جلو و چه از عقب (که روزه زن و مرد هر دو باطل می‌شود) و همچنین لواط خبیث و وطی حیوان (دائمه).
- ۴- دروغ بستن بر خدا و رسولش ﷺ و ائمه و مهدیین علیهم‌السلام.
- ۵- ارتماس؛^(۱) البته ارتماس وقتی لهوی و بیهوده باشد حرام است و روزه را باطل می‌کند، اما اگر لازمه شغلش باشد یا اینکه برای بیرون آوردن یک شیء در آب فرو برود، حرام نیست و روزه‌اش صحیح است.
- ۶- رساندن غبار به حلق.^(۲)
- ۷- تدخین (مصرف دخانیات) روزه را باطل می‌کند، البته نه به خاطر اینکه غبار غلیظ است.
- ۸- باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح از روی عمد و بدون ضرورت.

چند نکته:

- ★ اگر شب جُنُب شود و بدون قصد غسل کردن بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود روزه‌اش باطل است، اما اگر با قصد غسل کردن

۱- یعنی فروردن کل بدن و سر داخل آب (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم:

۲- اگر می‌داند در محیطی غبارآلود، بدون قصد، غبار به حلقش راه می‌یابد، لازم نیست از ماسک استفاده کند اگرچه بهتر است چنین کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص

خوابیده باشد، روزه اش صحیح است. اگر بعد از خوابیدن (و قبل از اذان صبح) بیدار شد، سپس با قصد غسل کردن دوباره خوابید و بعد از اذان صبح بیدار شد، روزه اش باطل است و باید قضای آن را به جا آورد.

★ اگر استمنا کند یا زنی را لمس کند و منی از او خارج شود، روزه اش باطل است.

★ اگر در طول روز و بعد از نیت روزه محتلم شود، روزه اش باطل نیست.^(۱)

★ اگر به زنی نگاه کند یا صدای او را بشنود و منی از او خارج شود، روزه اش باطل نیست.

۹- اماله کردن با مایع (تزریق هرگونه مایعی از مقعد).^(۲)

تبصره:

اماله با شیء جامد (مانند شیاف) روزه را باطل نمی کند. تزریق در عضله و رگ، روزه را باطل نمی کند، مگر اینکه تقویتی باشد.

۱- و غسل کردن فوری هم لازم نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص

۲- وارد کردن مایعات در آلت مرد یا مهبل زن برای معالجه بعضی بیماری ها روزه را باطل نمی کند.

(احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۱۴)

دو مسئله:

اول: همه مواردی که ذکر شد، اگر عمداً از روزه‌دار سر بزند روزه را باطل می‌کند -چه آگاه به مسئله باشد چه ناآگاه- اما اگر سهواً از وی سر بزند روزه را باطل نمی‌کند، چه روزه واجب باشد و چه مستحب؛ همچنین اگر در شکستن روزه مجبورش کنند یا چیزی در حلقش بریزند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

دوم: این موارد روزه را باطل نمی‌کند: مکیدن خاتم (نگین انگشتر)، جویدن غذا برای کودک، غذا دادن به پرنده با دهان، چشیدن مره غذا، فرورفتن در آب تا گردن برای مردان. مسواک‌زدن برای نماز مستحب است، چه با مسواک خشک و چه تر.^(۱)

مبحث دوم: آنچه مربوط به انجام دادن مفطرات روزه است:

مسئله اول:

در موارد زیر قضا و کفاره واجب است:

۱- خوردن و آشامیدن، چه خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های معمول باشد و چه غیر معمول.

۲- نزدیکی، به طوری که ختنه‌گاه پنهان شود، چه از جلو و چه از

۱- مسواک زدن با خمیردندان برای روزه‌دار مخصوصاً اگر به دلیل بیماری‌ای در دندان‌هایش به آن

عادت کرده باشد، جایز است. (احکام الشریعه بین السائل والمجیب جزء سوم، صوم: ص ۱۵)

عقب زن.

۳- باقی ماندن عمدی بر جنابت تا اذان صبح.

۴- خوابیدن در حال جنابت بدون قصد بیدارشدن برای غسل تا اذان

صبح.

۵- استمنا.

۶- رساندن غبار به حلق.

۷- استعمال دخانیات.

۸- دروغ بستن بر خدا و پیامبر و ائمه و مهدیین (علیهم السلام).^(۱)

۹- ارتماسی که روزه را باطل کند.^(۲)

مسئله دوم:

کفاره فقط در موارد زیر واجب است:

روزه ماه رمضان، شکستن روزه قضای رمضان بعد از اذان ظهر، روزه نذری

که روزه معین باشد، و روزه اعتکاف هنگامی که واجب باشد.^(۳)

در غیر موارد فوق کفاره واجب نیست، مثل روزه کفارات و روزه نذر

غیر معین و روزه مستحبی هر چند که روزه باطل شود.

۱- مسئله پنجم در همین قسمت. (مترجم)

۲- مسئله ششم در همین قسمت. (مترجم)

۳- یعنی از سه روز اعتکاف دو روز آن گذشته باشد که در این صورت روزه روز سوم، بر معتکف

واجب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۱۷)

★ نکته: هرکس از روی فراموشی چیزی بخورد و گمان کند روزه‌اش باطل شده است، سپس روزه را عمداً بشکند، روزه‌اش باطل می‌شود و واجب است آن را قضا کند، ولی کفاره واجب نیست. اگر در حلق او چیزی بریزند یا به اجبار چیزی به او بخوراند - به طوری که اختیاری برایش نماند - روزه‌اش باطل نیست؛ اما اگر ترسانده شود و روزه را بشکند، آن روزه را باید قضا کند و کفاره به گردنش نیست.

مسئله سوم:

کفاره شکستن روزه ماه رمضان، آزاد کردن یک بنده، یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن، یا اطعام (غذا دادن) شصت فقیر می‌باشد، که [شخص] در انتخاب هر یک از آنها مخیر است (البته در صورتی که با عملی غیر حرام روزه را بشکند). در صورتی که با عملی حرام روزه را بشکند، هر سه کفاره (باهم) بر او واجب است. اگر بنده پیدا نکرد باید قیمت آن را به امام [معصوم علیه السلام] بپردازد.^(۱)

مسئله چهارم:

اگر روزه نذر معین را بشکند قضا بر او واجب است و همچنین باید کفاره آن را به جا آورد.^(۲)

۱- قیمت بنده را هم امام تعیین می‌کند (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص

۲- منظور یکی از سه کفاره افطار عمدی روزه رمضان است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب

مسئله پنجم:

دروغ بستن بر خدا و بر ائمه و مهدیین (علیهم السلام) حرام است چه بر روزه‌دار و چه بر غیر روزه‌دار؛ البته برای روزه‌دار حرمتش شدیدتر است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله ششم:

ارتماسی که روزه را باطل می‌کند، به واسطه آن قضا و کفاره واجب می‌شود.

مسئله هفتم:

اماله با شیء جامد اشکالی ندارد، اما اماله با مایع (بر روزه‌دار) حرام است و فقط قضا بر او واجب می‌شود.

مسئله هشتم:

کسی که جُنُب شود و بخوابد (و قصد غسل قبل از اذان صبح داشته باشد)، سپس بیدار شده، دوباره بخوابد سپس بیدار شود و دوباره بخوابد (و هر بار قصد غسل داشته باشد) تا اینکه اذان صبح بگویند، کفاره بر او واجب نیست.

مسئله نهم:

در موارد زیر فقط قضا واجب است:

- ۱- انجام آنچه روزه را باطل می‌کند بدون اینکه تحقیق کند اذان صبح شده یا نه، درحالی که توانایی تحقیق را داشته است (بعد بفهمد اذان صبح گفته بوده‌اند).

- ۲- انجام آنچه روزه را باطل می‌کند با اعتماد بر خبر کسی که به او خبر داده که هنوز اذان صبح نشده درحالی که می‌توانست تحقیق کند و بفهمد که اذان صبح شده است یا نه؟! بعد بفهمد اذان صبح گفته بوده‌اند.
- ۳- عمل نکردن به گفته کسی که خبر داده اذان صبح شده است و انجام عمل باطل کننده روزه به گمان اینکه خبردهنده دروغ می‌گوید (درحالی که در واقع اذان صبح را گفته بوده‌اند).
- ۴- افطار کردن به دلیل تبعیت از حرف کسی که (گفته) شب شده سپس معلوم شود خبرش اشتباه بوده است.
- ۵- افطار کردن بر اثر تاریکی که دیده و به اشتباه فکر کرده شب شده است، (مثلاً آسمان ابری بوده) البته اگر با دیدن تاریکی، ظن غالب (ظنی که نزدیک به یقین است) برایش حاصل شده بوده و افطار کرده باشد، روزه‌اش باطل نیست.
- ۶- استفراغ عمدی؛ البته اگر غیرعمدی قی کند روزه‌اش باطل نیست.
- ۷- اماله کردن با مایع.
- ۸- آب داخل حلق کردن برای خنک شدن (آب داخل دهان چرخاندن برای خنک شدن به طوری که آب داخل حلقش برود) البته اگر برای وضو آب داخل دهان بچرخاند و مضمضه کند روزه‌اش باطل نیست حتی اگر آب به حلقش وارد شود.
- ۹- دوباره خوابیدن جُنب (بعد از اینکه شب خوابیده بیدار شد اما بدون غسل کردن دوباره بخوابد) تا اینکه اذان صبح گفته شود البته درحالی که

نیت غسل کردن داشته باشد.

۱۰- خروج منی از کسی که به نامحرم با شهوت نگاه کند؛ البته اگر آن زن بر او حلال باشد (همسرش باشد) اشکال ندارد و روزه اش صحیح است.

نکات:

★ اگر مضمضه کردن آب به خاطر مداوا باشد، یا اینکه باهدفی صحیح دردهان خود مهره یا نگین یا چیز دیگری بگذارد و به حلقش فرو برود، روزه اش باطل نیست، ولی اگر بیهوده این کار را انجام دهد روزه اش باطل می شود و قضا بر او واجب است.

★ آنچه از باقی مانده غذا از بین دندانها خارج می شود بلعیدنش برای روزه دار حرام است، و اگر عمداً آن را ببلعد قضا و کفاره بر او واجب می شود، اما اگر سهوی باشد اشکالی ندارد.

★ هر آنچه از راهی غیر از حلق وارد بدن شود روزه را باطل می کند به جز تزریق غیر تقویتی؛^(۱) و ریختن دارو در آلت تناسلی مرد نیز روزه را باطل نمی کند.

★ فروبردن خلطهای گلو و آب دهان روزه را باطل نمی کند، هر چند

۱- مثل آمپولهای غیر تقویتی که در عضله یا رگ می زنند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب

عمدی باشد، البته تا وقتی که از فضای دهان خارج نشده باشد، اما آنچه (خلط‌هایی که) از سر می‌آید اگر به حلق برسد، در صورت بلعیدن غیر عمدی روزه‌اش باطل نیست، اما اگر عمداً آن را ببلعد روزه‌اش باطل است.

★ هر چیزی که طعم داشته باشد مانند آدامس روزه را باطل می‌کند.

★ اگر اذان صبح شود و در دهانش غذا باشد باید آن را بیرون بیندازد، و اگر آن را ببلعد روزه‌اش باطل است، و هم قضا و هم کفاره بر او واجب می‌شود.

★ کسی که خودش به تنهایی هلال ماه رمضان را دیده باشد و روزه نگیرد، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله دهم:

نزدیکی تا قبل از اذان صبح جایز است به شرط اینکه بدانند به مقدار انجام آن و غسل کردن وقت دارد؛ و اگر مطمئن باشد که وقت کم است و (باین حال) جماع کند، روزه‌اش باطل است و کفاره هم بر او واجب می‌شود؛ اما اگر جماع کند و گمان داشته باشد که وقت دارد، در صورتی که رعایت وقت را کرده باشد چیزی بر گردنش نیست، اما در صورتی که مراعات وقت را نکرده باشد فقط قضا بر او واجب است.

مسئله یازدهم:

اگر در دو روز متفاوت، موجبات کفاره را انجام دهد کفاره تکرار می‌شود،

البته اگر از روزه‌هایی باشد که کفاره به آن تعلق می‌گیرد؛ ولی اگر همه را در یک روز انجام دهد کفاره تکرار نمی‌شود، فرقی نمی‌کند تکرار باطل کننده روزه از یک جنس باشد یا مختلف باشد.

نکته:

هر کس که کفاره بر او واجب شود و سپس وجوب روزه به خاطر سفر یا حیض یا شبیه آن از بین رود، کفاره از گردشش نمی‌افتد.

مسئله دوازدهم:

هر کس با زن خود در ماه رمضان جماع کند درحالی که هر دو روزه باشند، در صورتی که همسرش را بر این کار مجبور کرده باشد کفاره بر گردن مرد است، و نه قضا و نه کفاره به گردن زن نیست؛ ولی اگر زن، شوهر خود را همراهی کرد، روزه هر دو باطل است و هر کدام جداگانه باید کفاره خود را بدهند و بیست و پنج ضربه شلاق، مجازات آنهاست. اگر مردی، زن نامحرمی را به این کار اجبار کند، روزه زن صحیح است و نه کفاره و نه قضا بر گردن زن نیست؛ و بر مرد، کفاره و قضا واجب و نیز کشته می‌شود و در کشتن عذاب داده می‌شود و با شمشیر به صورتش ضربه زده می‌شود.

مسئله سیزدهم:

کسی که دو ماه پیاپی روزه بر او واجب باشد، اگر از روزه دو ماه عاجز بود،

۱۸ روز روزه بگیرد، و اگر اصلاً نتوانست روزه بگیرد، استغفار کند و کفاره‌اش همین است.^(۱)

مسئله چهاردهم:

جایز نیست کسی «تبرعاً» (مجاناً) کفاره دیگری را انجام دهد، مگر اینکه آن شخص مال و یا طعامی به او هدیه کند؛ و کسی که کفاره به گردنش است [باید] خودش کفاره را پردازد، اما می‌توان به جای میت کفاره‌اش را انجام داد حتی اگر با روزه گرفتن باشد.

مبحث سوم: مکروهات روزه‌دار

نه چیز برای روزه‌دار مکروه است:

- ★ معاشقه با زنان چه بوسیدن باشد، چه لمس کردن، چه ملاعبه.
- ★ سرمه کشیدن با سرمه‌ای که در آن صبر^(۲) یا مشک باشد.
- ★ خارج کردن خون به طوری که موجب ضعف شود.
- ★ حمام رفتن به طوری که موجب ضعف شود.
- ★ ریختن دارو در بینی البته اگر به حلق نرسد.

۱- حتی اگر بعداً قادر به روزه گرفتن شد، لازم نیست زیرا کفاره‌اش را انجام داده است. (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء سوم، صوم: ص ۲۶)

۲- نوعی گیاه دارویی تلخ است که با سرمه مخلوط می‌کنند و برای بعضی بیماری‌های چشم مفید است (احکام الشریعه بین السائل و المعجب جزء سوم، صوم: ص ۲۶)

- ★ بویدن گل ها به خصوص گل نرگس.
- ★ اماله کردن با شیء جامد.
- ★ خیس کردن لباسی که روزه دار بر تن دارد.
- ★ نشستن زن در آب.

مرکن سوم: نرمانی که در آن روزه صحیح است

زمان روزه در طول روز است، نه شب؛ اگر کسی نذر کند که شب را روزه بگیرد نذرش صحیح نیست و همچنین اگر نذر کند که یک شب و روز را پشت سر هم روزه بگیرد باز هم نذرش صحیح نیست.

روژه دو روز عید فطر و قربان صحیح نیست، و اگر نذر کند در آن دو روز روزه بگیرد نذرش صحیح نیست. اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد و اتفاقاً در یکی از این دو عید بیفتد روزه اش صحیح نیست و قضا هم بر او واجب نیست، هر چند اگر قضا کند بهتر است. همین حکم برای ایام تشریق (سه روز بعد از عید قربان) برای کسی که در منا هست برقرار می باشد.

مرکن چهارم: کسانی که روزه شان صحیح است

۱- مؤمن عاقل باشد. روزه کافر (کسی که به پیامبر و امامان و مهدیین علیهم السلام کافر باشد) صحیح نیست، هر چند روزه بر او نیز واجب است. روزه دیوانه صحیح نیست، ولی روزه انسان بی هوش اگر قبل از بی هوشی نیت کرده باشد صحیح

است. روزهٔ کودک ممیز صحیح است.

۲- کسی که خوابیده است اگر قبل از خواب نیت کرده باشد -هرچند خوابش تا شب ادامه داشته باشد- روزه‌اش صحیح است؛ اگر نیت روزه نکرده باشد و تا اذان صبح خوابیده باشد درحالی که روزه هم بر او واجب بوده و تا بعد از اذان ظهر هم خوابش ادامه داشته باشد، روزه‌اش باطل است و باید بعداً قضا کند، مگر در ماه رمضان که همان نیت اول ماه کافی است.

۳- در حالت حیض یا نفاس نباشد؛ فرقی نمی‌کند که این عذر قبل از غروب برایش حاصل شود یا اینکه بعد از اذان صبح عذرش قطع شود. روزهٔ زن مستحاضه صحیح است، به شرط اینکه غسل یا غسل‌هایی که بر او واجب بوده است را انجام داده باشد.

۴- مسافر نباشد، چون روزهٔ واجب در سفری که باید نماز را در آن شکسته خواند صحیح نیست.

البته [این روزه‌ها را می‌توان در سفر گرفت] سه روز روزهٔ بدل از قربانی حج، و هجده روز روزهٔ بدل از بدته^(۱) برای کسی که از عرفات قبل از غروب عمداً خارج شود، و نذری که شرط کرده است حتماً بگیرد، چه در سفر باشد چه در وطن.

روزهٔ مستحبی مسافر صحیح است، مگر در ماه رمضان.

۱- شتری که در حج به‌عنوان کفاره قربانی می‌کنند. (مترجم)

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) ۲۳۷

و تمام انواع روزه برای مسافری که حکم مقیم را دارد صحیح است.^(۱)

۵- غسل جنابت را تا اذان صبح عمداً به تأخیر نینداخته باشد. اگر بعد از اذان صبح در حال جنابت بیدار شود روزه اش درست نیست، چه به صورت قضای ماه رمضان باشد و چه به صورت مستحبی، ولی اگر در ماه رمضان باشد و همچنین در روزه نذر معین، روزه اش صحیح است.

۶- روزهٔ مریض صحیح است تا وقتی که ضرری به او وارد نیاید.

دو مسئله مهم:

اول: (علامات) بلوغ، که با حصول (یکی از آنها) عبادات واجب

می شود:

★ احتلام [جنب شدن در خواب]

★ انبات [رویدن موهای خشن، بر عانه و زیر شکم]

★ اتمام ۱۴ سال قمری و ورود به ۱۵ سال برای پسرها، و اتمام ۹

سال قمری و ورود به ده سال برای دخترها.

دوم: کودک (دختر و پسر) قبل از بلوغ می تواند به صورت تمرینی

۱- مثل کسی که قصد اقامت ده روزه درجایی می کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء

سوم، صوم: ص ۳۱)

نکته: اگر مسافر با علم بر این که روزه اش درست نیست، عمداً روزه بگیرد، مرتکب گناه شده، زیرا با

حکم خدا عمداً مخالفت کرده است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۷)

روزه بگیرد؛ و برای این کار از هفت سالگی بر کودک سخت گرفته شود، البته اگر در توانش باشد.

فصل دوم: انواع روزه

روزه چهار نوع دارد: واجب، مستحب، مکروه و حرام.

روزه‌های واجب شش مورد هستند:

- ★ روزه ماه رمضان
- ★ روزه کفاره‌ها
- ★ روزه بدل از قربانی در حج تمتع
- ★ روزه نذر و مانند آن
- ★ روزه روز سوم اعتکاف در صورت ماندن تا روز سوم
- ★ قضای روزه واجب

روزه ماه رمضان

شامل علامت‌ها، شروط و احکام آن است.

اول: علامات

شروع ماه رمضان توسط دیدن هلال ماه مشخص می‌شود، یعنی هر کس هلال

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) ۲۳۹

ماه را دید روزه بر او واجب است، حتی اگر خودش به تنهایی ماه را دیده باشد. اگر هلال را دید و [برای دیگران] شهادت داد ولی شهادتش را نپذیرفتند [خودش باید روزه بگیرد]؛ و همین طور اگر حتی به تنهایی هلال ماه شوال را دید نباید روزه بگیرد.

کسی که هلال ماه را ندیده باشد روزه گرفتن بر او واجب نیست، مگر اینکه سی روز از ماه شعبان گذشته باشد، یا اینکه (هلال) به صورت شایع دیده شود،^(۱) ولی اگر چنین چیزی اتفاق نیفتاد و فقط دو نفر شاهد آن را دیدند و شهادت دادند، شهادت آن‌ها پذیرفته می‌شود، فرقی نمی‌کند که اهل شهر باشند یا نباشند. اگر هلال ماه در یکی از شهرهای نزدیک به هم مانند بغداد و کوفه^(۲) دیده شود روزه گرفتن بر ساکنین هر دو شهر واجب است، و [مناطق] دوردست مثل عراق و خراسان [ایران] نیز به همین شکل می‌باشد. اگر هلال در یک منطقه دیده شود در تمام مناطق دیگر که از لحاظ ساعت باهم بیش تر از یک چهارم شبانه روز یعنی شش ساعت فاصله ندارند ثابت می‌شود.

اول ماه با شهادت زنان نیز ثابت می‌شود،^(۳) ولی با شهادت یک نفر ثابت

۱- بخش خبر دیدن ماه در میان مردم به این گونه است که چندین نفر (چه مؤمن و چه غیر مؤمن) خودشان ببینند و شهادت دهند، به گونه‌ای که اطمینان حاصل شود که تبانی بر کذب نکرده‌اند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۳۷)

۲- یا در ایران مثل قم و تهران. (مترجم)

۳- البته به این صورت که یک مرد و دو زن شهادت دهند، نه این که دو زن به تنهایی و یا چهار زن شهادت دهند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۳۶)

نمی‌شود. برای ثابت شدن شروع ماه نمی‌توان به این موارد اعتماد کرد: تقویم، شمردن،^(۱) پنهان شدن هلال بعد از شفق، رؤیت هلال در روز سی‌ام قبل از زوال [اذان ظهر]، بلند بودن هلال یا گذشت پنج روز از اول هلال گذشته.^(۲)

مستحب است که روز سی‌ام از ماه شعبان را به نیت استجباب روزه بگیرد، اگر بعداً فهمید که آن روز جزو ماه رمضان بوده است، روزه ماه رمضان محسوب می‌شود؛ ولی اگر آن روز را به‌عنوان ماه رمضان روزه گرفت، صحیح است؛ اما اگر آن روز را افطار کرد و بعداً ماه رمضان بیست‌وهشت روز شد، باید روزه آن روز را قضا کند. همچنین است اگر دو شاهد بر فرارسیدن شب سی‌ام ماه شعبان شهادت دهند.

هر ماهی که مشتبه شود، ماه قبلش را سی روزی حساب کند.^(۳) اگر ماه‌های سال بر او مشتبه شد (و حساب ماه و سال از دستش در رفت) ماه رمضان، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و رجب را برای خود سی روز حساب کند و سایر ماه‌ها را بین سی روز و بیست‌ونه روز حساب کند.

کسی که اصلاً از ماه اطلاع ندارد (مانند اسیر و زندانی) یک ماه را که گمان

۱- به این صورت که همیشه ماه شعبان را ناقص و ماه رمضان را کامل بدانیم. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۳۷)

۲- در زمان حضور امام عادل و حکم کردن ایشان به اول ماه قمری، اول ماه در تمام کشورهای دنیا ثابت می‌گردد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۳۸)

۳- البته اگر ماه رؤیت شود ممکن است دو ماه بیست‌ونه روزی پشت سر هم بیاید. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۳۹)

دارد ماه رمضان است روزه بگیرد، و اگر به همین ترتیب برایش غیر واضح ماند، چیزی به گردن او نیست، اگر (این ماه که روزه گرفته) هم‌زمان با ماه رمضان و یا بعد از رمضان بود، کفایت می‌کند، ولی اگر قبل از ماه رمضان بود، باید قضای آن را به‌جا آورد.

وقت روزه از زمان فجر دوم (اذان صبح) شروع می‌شود و وقت افطار غروب آفتاب است، و تعریف غروب آفتاب، پایین رفتن قرص خورشید است، ولی اگر صبر کند تا حمرة مشرقیه برود و مطمئن شود که خورشید کاملاً غروب کرده، بهتر است. مستحب است که افطار کردن را تا بعد از نماز مغرب به تأخیر بیندازد. بهترین دعاها، دعای روزه‌دار در نماز مغرب است قبل از اینکه افطار کند، مگر زمانی که دیگر تاب نداشته باشد و یا اینکه کسی برای افطار منتظرش باشد.

دوم: شروط روزه

شروط روزه شامل دو بخش است:

بخش اول: چیزهایی که با وجود آن، روزه بر انسان واجب می‌شود

که هفت مورد است:

۱ و ۲- بلوغ و کمال عقل: روزه بر کودک و دیوانه واجب نیست، مگر اینکه قبل از طلوع فجر این دو فرد کامل شوند؛ ولی اگر بعد از طلوع فجر کامل شدند روزه [آن روز] بر آنها واجب نیست. این حکم برای کسی که از

هوش رفته است نیز برقرار می‌باشد.

۳- سلامتی از مرض: اگر قبل از زوال [اذان ظهر] مریضی اش خوب شد و تا آن موقع چیزی نخورده بود روزه بر او واجب است، ولی اگر چیزی خورده بود یا اینکه بعد از زوال خوب شد مستحب است تا غروب امساک کند [یعنی مبطلات روزه را انجام ندهد] ولی قضای [آن روز] بر او واجب است.

۴ و ۵- اقامت داشتن یا آنچه در حکم اقامت است: روزه بر مسافر واجب نیست و از او قبول هم نمی‌شود، بلکه باید روزه را قضا کند، اگر با علم [به مسئله] روزه گرفت، از روزه اصلی اش کفایت نمی‌کند و اگر از روی جهل باشد کفایت می‌کند. اگر (مسافر) به شهر خود رسید یا به جایی رسید که قصد دارد در آنجا ده روز اقامت کند حکم روزه گرفتن یا ننگرفتنش مانند حکم خوب شدن مریض است.^(۱) زیاد سفرکردن در حکم اقامت است، مانند مکاری^(۲) یا ملوان و یا هرکسی شبیه آن‌ها.

۱- یعنی اگر قبل از اذان ظهر رسید و چیزی نخورده بود باید روزه بگیرد ولی اگر چیزی خورده بود و یا بعد از اذان ظهر رسید، روزه بر او واجب نیست ولی مستحب است تا غروب امساک کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۴۲)

۲- کسی که وسیله نقلیه اش را کرایه می‌دهد و خود نیز به عنوان راننده، همراه آن است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۴۲)

۶ و ۷- حیض و یا نفاس نبودن: بر آن‌ها روزه واجب نیست و روزه آن‌ها

صحیح هم نمی‌باشد ولی قضا بر آن‌ها واجب است.

بخش دوم: چیزهایی که با وجود آن، قضا واجب می‌شود

که سه مورد است: بلوغ، کمال عقل و ایمان.

قضای روزه بر کودک واجب نیست، مگر آن روزی که قبل از طلوع فجر به بلوغ رسیده باشد؛ همین‌طور برای دیوانه و کافر، هرچند بر کافر واجب است. ولی قضای آن بر او واجب نیست، مگر همان روزی که قبل از طلوع فجر مسلمان شده است؛ ولی اگر بعد از فجر مسلمان شد، مستحب است امساک کند و روزه روزهای آینده، بر او واجب است.

سوم: ملحقاتی از احکام روزه

کسی که به دلیل کودکی، دیوانگی یا کفر اصلی، ماه رمضان را از دست بدهد قضای روزه بر گردنش نیست، اگر به دلیل بی‌هوشی، ماه را از دست بدهد نیز به همین صورت است.

قضا بر این افراد واجب است: مرتد (چه فطری باشد و چه از کفر)، حائض و نُفساء و هرکس روزه‌ای که بر او واجب شده است را ترک کرده باشد، اگر چیزی جایگزین آن نشود.^(۱) مستحب است که در قضا کردن، پی‌درپی بودن را

۱- مانند کسی که ماه رمضان مریض شده و تا رمضان سال آینده بیماری‌اش ادامه یافته است که در

لحاظ کند ولی می‌تواند فاصله بیندازد.

چند مسئله:

- ۱- کسی که به خاطر بیماری، تمام ماه رمضان یا قسمتی از آن را از دست بدهد، اگر در آن بیماری بمیرد واجب نیست از سوی او قضا شود ولی مستحب است. اگر تا رمضان سال بعد بیماری‌اش ادامه پیدا کند قضا از او ساقط می‌شود و واجب است به‌جای هرروز روزه‌ی ازدست‌رفته یک مد طعام ($\frac{3}{4}$ کیلوگرم = ۷۵۰ گرم) کفاره بدهد، و اگر بین دو ماه رمضان بهبودی یابد و قضای روزه را به تأخیر اندازد درحالی که قصد قضا کردن داشته باشد، باید قضا کند و هیچ کفاره‌ای بر گردنش نیست، ولی اگر از روی بی‌اهمیتی قضای روزه را ترک کند باید علاوه بر به‌جا آوردن قضا، به ازای هرروز از روزه‌های تلف‌شده، یک مد طعام، کفاره بدهد.
- ۲- بر ولیّ (پسر بزرگ‌تر) واجب است آنچه از میّت فوت شده است را قضا کند، خواه قضای روزه‌ی ماه رمضان باشد یا هرروزه‌ی واجب دیگر، فرقی نمی‌کند که به دلیل بیماری روزه‌اش فوت شده باشد یا چیز دیگر. فقط قضای روزه‌ای که میّت می‌توانسته قضای آن را به‌جا آورد و اهمال کرده است بر ولیّ او واجب است، مگر آنکه میّت در سفر بمیرد و روزه

این صورت به ازای هر روز، یک مد طعام می‌دهد و قضا از او برداشته می‌شود. (احکام الشریعه بین

آن سفر بر وی قضا شده باشد، که قضایش بر ولی واجب است. ولی میت بزرگ‌ترین فرزند پسر اوست در صورتی که پسر باشد. اگر بزرگ‌ترین فرزند میت دختر باشد، قضا بر او واجب نیست. اگر میت دو یا چند ولی داشته باشد که از نظر سنّی باهم برابر باشند (حتی از نظر لحظه تولد) قضای اعمال میت را به صورت مساوی انجام می‌دهند؛ و اگر کسی داوطلبانه آن‌ها را انجام دهد از بقیه ساقط می‌شود. آنچه از زن (مادر) قضا شده است را پسر بزرگ باید قضا کند. مستحب است که پسران و دختران قضای آنچه بر ذمه والدین است را به‌جا آورند که این عمل مصداق نکویی به والدین است؛ بلکه از بهترین مصادیق نکویی است و اِهمال و کوتاهی در آن از مصادیق عاق حرام می‌باشد.

۳- اگر میت ولی نداشته باشد یا بزرگ‌ترین فرزند وی دختر باشد، قضا ساقط و به‌جای او برای هرروز روزه نگرفتن یک مُد طعام از ماترک او صدقه داده می‌شود. اگر روزه دو ماه متوالی بر عهده میت باشد، ولی میت می‌تواند یک ماه آن را به‌جای آورد و به‌جای یک ماه دیگر از مال میت صدقه دهد.

۴- شخصی که روزه ماه رمضان را قضا می‌کند، اگر قبل از اذان ظهر روزه‌اش را (با عذر یا بدون عذر) بشکند حرام نیست؛ ولی بعد از اذان ظهر حرام است و کفاره بر او واجب می‌شود؛ و کفاره‌اش اطعام ده فقیر است که برای هر فقیر یک مد طعام می‌دهد؛ و اگر برایش ممکن نبود سه روز روزه بگیرد.

- ۵- چنانچه غسل جنابت را فراموش کند و چند روز و یا تمام ماه از آن رد شود روزه اش صحیح است؛ اما باید نمازها را قضا نماید.
- ۶- اگر روز سی‌ام ماه رمضان را همچنان روزه بود و رؤیت هلال در روز گذشته ثابت شده باشد، باید روزه را بشکنند و نماز عید را بخوانند و چنانچه بعد از اذان ظهر فهمید، دیگر نماز عید از دست رفته است.

مروزه‌های مربوط به کفارها

که به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

اول: کفارهایی که در آن علاوه بر مروزه، چیزهای دیگری هم واجب می‌شود

مثل کفاره قتل عمد که در آن کفاره جمع واجب می‌شود (آزاد کردن بنده و اطعام شصت فقیر و شصت روز روزه). کسی که روزه خود را در ماه رمضان، عمداً و با کار حرام بشکنند نیز مشمول همین حکم می‌شود.

دوم: کفارهایی که در آن بعد از ناتوانی از کارهای دیگر فقط مروزه واجب

می‌شود

که شش مورد است:

★ روزه کفاره قتل غیر عمد.

★ ظهار. ^(۱)

★ زمانی که قضای روزه ماه رمضان را بعد از زوال بشکنند.

★ کفاره قسم.

★ خارج شدن عمدی از عرفات، قبل از غروب.

★ کفاره جزای شکار (در حج).

دو مورد زیر نیز به موارد فوق الذکر اضافه می شود:

★ کفاره مردی که پیراهنش را در سوگ زن یا فرزندش پاره کند.

★ کفاره زنی که (در سوگ) صورتش را زخمی کند و یا موی خود

را بگند.

سوم: آنچه شخص در آن، بین روزه یا چیزهای دیگر مخیر می شود

که پنج مورد است:

★ روزه کفاره کسی که عمداً یکی از روزه های ماه رمضان را شکسته

است.

★ کفاره شکستن نذر.

★ کفاره شکستن عهد.

★ کفاره شکستن اعتکاف واجب.

۱- وقتی کسی به همسر خود اعلام کند که پشت تو مثل پشت محارم (مادر/ خواهر/ برادر/ پدر و...)

من است؛ و عهد می کنم که دیگر با تو هم بستر نشوم. (مترجم)

★ کفاره تراشیدن تمام موی سر در حال احرام.

و همین طور:

★ کفاره زنی که در مصیبتی موی خود را می تراشد.

چهارم: کفاره مرتبه بندی شده قابل اختیار

[در کفاره‌ها رتبه بندی وجود دارد و اگر نتوانست اولی را انجام دهد، مخیر است که بعدی را انتخاب کند:] کفاره مردی که کنیزش را بر خود حرام کرده باشد و سپس با او هم بستر شود.^(۱)

در همه روزه‌ها، پی در پی بودن لا نهره است مگر در چهار مورد:

★ روزه نذر و آنچه مانند آن است مثل قسم و عهد، در صورتی که پی در پی بودن در آن نیت نشده باشد.

★ روزه قضا

★ روزه جزای صید در حج

★ هفت روز روزه بدل از قربانی

هر آنچه در آن پی در پی بودن شرط است، اگر به خاطر عذری روزه را بشکند

۱- کفاره اش مخیر بین یک شتر یا یک گاو و یا یک گوسفند است و اگر تنگ دست بود، مخیر است بین یک گوسفند و یا سه روز روزه، یکی را انتخاب کند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۴۹)

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) ۲۴۹

بعد از رفع عذر از همان جایی [همان روزی] که روزه را ادامه نداده بود، باید ادامه بدهد ولی اگر بدون عذر پی در پی بودن را از بین ببرد، باید از اول شروع کند، مگر در سه مورد:

★ کسی که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب شده و یک ماه را گرفته و از ماه دوم قسمتی را انجام داده است، حتی اگر یک روز را گرفته باشد بنا را از همان جا بگذارد (از روز انقطاع)؛ ولی اگر قبل از این زمان باشد باید روزه‌ها را از ابتدا بگیرد.

★ کسی که نذر کرده است یک ماه پشت سر هم روزه بگیرد و بعد از ۱۵ روز روزه گرفتن دیگر روزه نگیرد، روزه‌هایش باطل نیست و بعداً بنا را از همان جا بگذارد، ولی اگر قبل از آن بود باید از ابتدا شروع کند.

★ در سه روز روزه بدل از قربانی، اگر روز ترویبه (هشتم ذی‌حجه) و عرفه را روزه گرفت و روز قربان را افطار کرد می‌تواند بعد از پایان ایام تشریق از همان جا ادامه دهد؛ و اگر کمتر از این مقدار باشد باید از اول شروع کند. اگر در بین دو روز و روز سوم فاصله‌ای به غیر از عید بیندازد، باز هم باید از اول شروع کند. کفاره قتل غیر عمد که روزه گرفتن یک ماه است نیز مشمول همین حکم است، کفاره ظهار زمانی که شخص [ظهار کننده] مملوک باشد نیز به همین صورت است.

هر کس روزه پیاپی بر او واجب باشد جایز نیست در زمانی شروع کند که نتواند آن را تمام کند؛ پس کسی که دو ماه روزه پیاپی بر او واجب شده باشد نباید روزه‌ها را از شعبان بگیرد، مگر اینکه حداقل یک روز قبل

از شعبان روزه‌ها را شروع کند؛ همچنین نمی‌تواند ماه شوال را به علاوه یک روز از ذی‌قعدة روزه بگیرد و به همین اکتفا کند.^(۱) حکم روزه ماه ذی‌حجه هم به همین شکل است.^(۲)

روزه‌های مستحبی

روزه مستحبی گاهی وقت خاصی ندارد، مانند روزه گرفتن در همه روزه‌های سال که به یقین سپری در مقابل آتش است؛ و گاهی وقت معین دارد، از جمله آن‌ها ایام سه گانه هر ماه می‌باشد:

★ اولین پنج‌شنبه هر ماه

★ آخرین پنج‌شنبه هر ماه

★ اولین چهارشنبه دهه دوم ماه

کسی که این سه روز را به تأخیر بیندازد مستحب است قضا نماید و می‌تواند به اختیار خود آن‌ها را از تابستان به زمستان به تأخیر بیندازد و اگر از روزه گرفتن عاجز بود مستحب است به جای هر روز، یک مُد طعام صدقه دهد.

۱- یعنی نمی‌تواند بگوید یک ماه و یک روز روزه گرفته‌ام و دیگر ادامه ندهد؛ بلکه باید حداقل ماه شوال به علاوه دو روز از ماه ذی‌قعدة را روزه بگیرد تا یک ماه و یک روزش کامل شود، زیرا روز اول شوال عید فطر است و یک ماهش کامل نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۲)

۲- باید ماه ذی‌حجه را به علاوه دو روز از ماه قبل یا بعدش روزه بگیرد، زیرا عید قربان که در ذی‌حجه قرار دارد روزه گرفتن حرام است و یک ماهش کامل نمی‌شود. (مترجم)

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) ۲۵۱

★ روزه ایام البیض که ۱۳، ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری است

★ روزه روز غدیر خم

★ روزه روز ولادت پیامبر ﷺ

★ روزه روز بعثت پیامبر ﷺ

★ روزه روز دحوالارض [۲۵ ذی قعدة]

★ روزه روز عرفه برای کسی که باعث ضعیف شدنش در دعا

نمی شود و روز اول ماه برایش معلوم باشد.^(۱)

★ روزه روز عاشورا به جهت اظهار اندوه.

★ روزه روز مباهله

★ روزه هر پنج شنبه و جمعه

★ روزه اول ذی حجه

★ روزه کل ماه رجب

★ روزه کل ماه شعبان

در هفت مورد باینکه نمی شود روزه گرفت - به عنوان تربیت نفس - مستحب

است از خوردن و آشامیدن خودداری شود:

★ روزه روزی که مسافر قبل از ظهر یا بعد از ظهر به وطن بازمی گردد،

یا به شهری می رسد که قصد ده روز اقامت در آن را دارد، در حالی که قبل

۱- تا مطمئن شود که روزه اش در روز عید قربان واقع نشده است و مرتکب حرام نمی گردد. (احکام

الشریعه بین السائل والمجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۳)

از اینکه به آنجا برسد روزه‌اش را باز کرده باشد.^(۱)

- * روزه روزی که مریض خوب شود.
- * حائض یا نفّس، اگر در اواسط روز پاک شود.
- * روزه روزی که کافر، مسلمان شود.
- * روزه روزی که کودک، بالغ شود.
- * روزه روزی که دیوانه، عاقل شود.
- * روزه روزی که بی‌هوش، به هوش آید.

واجب نیست روزه مستحبی را بعد از شروع، ادامه دهد و می‌تواند آن را در هر وقت که بخواهد بشکند، البته شکستن آن بعد از زوال (اذان ظهر) مکروه است.

مروزمهای مکروه

چهار مورد است:

- * روزه عرفه، زمانی که می‌داند در اثر روزه در دعا ضعف پیدا خواهد کرد؛ و یا زمانی که در رؤیت هلال اول ماه ذی‌حجه شك داشته و نمی‌داند امروز عرفه است یا عید قربان.
- * روزه مستحبی در سفر، مگر سه روز در مدینه که به نیت رفع نیازی

۱- ولی اگر قبل از اذان ظهر برسد و روزه‌اش را هم باطل نکرده باشد، روزه آن روز را می‌گیرد و صحیح است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۴)

باشد.

- * روزه مستحبی مهمان بدون اجازه صاحب‌خانه، و نیز روزه فرزند بدون اجازه پدر.
- * روزه مستحبی برای کسی که به غذا دعوت شده است.

روزنه‌های حرام (که نباید گرفته شود):

نُه مورد است:

- * روزه عید قربان و فطر
- * روزه ایام تشریق برای آنکه در مناست.
- * روزه سی‌ام شعبان اگر به نیت روزه واجب رمضان باشد
- * روزه نذر گناه
- * روزه سکوت
- * روزه وصال؛ یعنی آنکه نیت کند دو روز، و یک شب در وسط آن دو روز را پشت سر هم روزه بگیرد.
- * روزه مستحبی زن بدون اجازه شوهر یا همراه با نهی او.
- * روزه مملوک (بنده)،^(۱) آن‌هم بدون اجازه مولا یا با نهی مولایش.

۱- یعنی اگر بدون اذن مولایش یا درحالی که مولایش نهی کرده است، روزه بگیرد. (احکام الشریعه

* روزه واجب در حین سفر به جز آنچه استثنا شده است.^(۱)

فصل سوم: ملحقات روزه

نه مسئله:

اول: مرضی که با وجود آن روزه باید شکسته شود، مرضی است که بیمار می‌داند با ادامه دادن روزه مریضی‌اش شدیدتر می‌شود و در تشخیص آن، بنا را بر فهم خودش می‌گذارد یا به علامتی که او را به گمان معتبر برساند اعتماد می‌کند، مانند گفته طیب دانا. اگر کسی خود را به سختی اندازد و روزه‌ای بگیرد که برایش ضرر داشته باشد، باید آن روزه را قضا کند.

دوم: اگر شرایط شکسته شدن نماز برای مسافر به وجود آید، واجب است روزه را افطار کند. اگر وجوب افطار روزه را بداند و باین حال روزه بگیرد، باید آن را قضا کند؛^(۲) ولی اگر حکم مسئله را نداند قضا لازم

بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۶)

۱- مثلاً روزه بدل از قربانی در حج یا روزه نذر مشروط به سفر. (احکام الشریعه بین السائل و

المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۶)

۲- علاوه بر این که باید قضا کند، کار حرامی نیز مرتکب شده است زیرا عمداً با حکم خدا مخالفت

نیست.

سوم: تمام شرایط لازم برای شکسته شدن نماز، برای نگرفتن روزه نیز معتبر است و به همین اندازه کافی است که قبل از اذان ظهر از شهر خارج شود و هر سفری که در آن، شکستن نماز واجب است، افطار روزه نیز واجب است.

چهارم: آنان که باید در سفر نمازشان را کامل بخوانند باید روزه هم بگیرند، و آن‌ها افراد کثیرالسفر هستند.^(۱)

پنجم: مسافر نباید قبل از اینکه اذان شهرش از او پنهان شود افطار کند، و چنانچه قبل از آن افطار کند قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

ششم: پیرمرد و پیرزن و آنان که مرض تشنگی غیرقابل تحمل دارند، ماه رمضان را افطار کرده، به جای هر روز یک مد طعام صدقه دهند، و اگر بعداً توانستند روزه بگیرند باید قضا کنند و گرنه روزه از آن‌ها ساقط است. اگر پیرمرد و پیرزن به طور کامل از روزه گرفتن عاجز باشند کفاره نیز از آن‌ها ساقط می‌شود، همان‌گونه که روزه از آن‌ها ساقط شده است.

هفتم: زن بارداری که زایمانش نزدیک است و زن شیردهی که شیر

کرده که این یا از روی سبک شمردن دین خدا و یا خلیفه اوست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۵۷)

۱- سفرشان از در وطن ماندنشان بیشتر است. ر.ک: نماز مسافر (مترجم)

کم دارد جایز است در ماه رمضان روزه خود را افطار کند و بعداً قضای آن را به جا آورد و به جای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

هشتم: کسی که در ماه رمضان بخوابد و خوابش ادامه داشته باشد،^(۱) اگر نیت روزه کرده باشد لازم نیست قضا کند، ولی اگر نیت روزه نکرده بود باید قضا به جا آورد. بر دیوانه و بی‌هوش قضا واجب نیست، و فرقی ندارد که جنون یا بی‌هوشی‌اش چند روز طول بکشد یا قسمتی از یک روز، و فرقی ندارد در قبلش نیت کرده یا نکرده باشد، و نیز فرقی ندارد توسط آنچه با آن روزه شکسته می‌شود، معالجه شود یا معالجه نشود.

نهم: کسی که در ماه رمضان روزه نگرفتن برایش جایز است، بیش از اندازه خوردن و نوشیدن برایش مکروه است؛ و همچنین جماع نیز برایش مکروه است.

۱- یعنی خوابیده و تا بعد از اذان ظهر روز بعد بیدار نشده باشد. (احکام الشریعه بین السائل و

کتاب اعتکاف

اعتکاف، انواع و احکام مربوط به آن

تعریف اعتکاف

[اعتکاف]، اقامت نمودن طولانی مدت برای عبادت است و فقط برای فرد مکلف

مؤمن، صحیح می باشد.

شرایط شش گانه اعتکاف^(۱)

اول: نیت؛ در اعتکاف واجب است [و باید] نیت قرب الهی نماید، و اگر

اعتکافش با نذر، واجب شده باشد، پس از نیت قُربت، نیت وجوب نماید و اگر

۱- که عبارت اند از: نیت، روزه گرفتن، زمان، مکان، اذن و اجازه و باقی ماندن در مسجد. (احکام

الشریعه بین السائل و المعجب جزء سوم، صوم: ص ۶۰)

اعتکافش مستحب است، نیت استحباب کند. اگر دو روز از اعتکاف گذشته باشد، روز سوم واجب می‌گردد.

دوم: روزه گرفتن؛ باید در شرایطی اعتکاف نمود که گرفتن روزه در آن اشکال نداشته باشد و فرد معتکف بتواند روزه صحیح بگیرد؛ بنابراین اعتکاف در عید قربان و عید فطر صحیح نیست؛ همچنین اعتکاف زن در حالت حیض و نفاس نیز صحیح نیست؛ اما اعتکاف مسافر صحیح است.

سوم: اعتکاف در صورتی صحیح است که سه روز باشد، و اگر کسی نذر کند به طور مطلق اعتکاف بگیرد واجب است سه روز از اعتکاف را به جا آورد. همچنین اگر قضای یک روز از اعتکاف واجب گردد باید سه روز معتکف شود تا قضای آن روز محقق شود.

اگر کسی اعتکاف مستحب را آغاز کند، می‌تواند ادامه دهد یا از نیت خود بازگردد، اما اگر دو روز گذشت، به جا آوردن روز سوم، واجب می‌شود.

اگر فردی سه روز اعتکاف نمود و بعد دو روز دیگر نیز معتکف ماند، واجب است روز ششم را نیز معتکف بماند.

اگر فردی به فاصله یک یا دو روز به عید قربان یا عید فطر معتکف شود، عمل او صحیح نیست.

اگر کسی نذر کند که فقط سه روز را بدون شب‌های آن معتکف شود نذرش صحیح نیست.

کسی که نذر کند بیش از سه روز معتکف شود، لازم نیست بیش از سه روز را پشت سر هم به جا آورد، بلکه فقط لازم است که سه روز سه‌روز، و یا بیشتر

اعتکاف کند، مگر اینکه به طور لفظی یا معنوی^(۱) شرط کرده باشد که پشت سر هم باشد.^(۲)

چهارم: اعتکاف فقط در یکی از این چهار مسجد صحیح است: مسجد مکه، مسجد النبی صلی الله علیه و آله در مدینه، مسجد جامع کوفه و مسجد بصره، و یا مسجدی که یکی از پیامبران یا اوصیا علیهم السلام در آن نماز جماعت گزارده باشد؛ یعنی قانونش این است: اعتکاف در هر مسجدی که یک پیامبر یا یک وصی در آن مسجد نماز را به جماعت برگزار نموده باشد صحیح است و در مسئله و مکان اعتکاف، زن و مرد یک حکم دارند.

پنجم: اجازه داشتن از فردی که صاحب ولایت بر مکلف است، مانند بنده و غلام که باید برای اعتکاف از مولی و مالک خود اجازه داشته باشد؛ و همچنین زن باید از شوهر خود اجازه بگیرد. اگر صاحب ولایت به فرد، اجازه اعتکاف دهد، می تواند قبل از آغاز اعتکاف یا بعد از آغاز اعتکاف تا زمانی که دو روز از

۱- لفظی: در نذرش به زبان آورد، معنوی: مانند این که بگوید از فردا تا آخر ماه اعتکاف می کنم. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۲)

۲- مثلاً کسی که نذر کرده است پنج روز معتکف باشد، اگر لفظاً شرط کرده بود که پشت سر هم باشد، حتماً باید تا آخر پنج روز در اعتکاف بماند، اما اگر تتابع و پشت سر هم بودن را شرط نکرده باشد، می تواند سه روز معتکف شود و بیرون برود و بعداً دو روز دیگر را به جا آورد، که البته در این صورت باید روز چهارم و پنجم را که جداگانه به جا آورد، یک روز نیز به آن ها بیفزاید، چون اعتکاف کمتر از سه روز نمی شود، ولی اگر پشت سر هم همه پنج روز را به جا آورد، نیاز نیست روز ششم را معتکف بماند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۲)

ایام اعتکاف نگذشته باشد یا اعتکافش به خاطر نذر یا چیزی شبیه آن واجب نشده باشد، فرد را منع کند.^(۱)

دو نکته:

اول: اگر مالک با بنده یا غلام خود قراردادی بسته مبنی بر اینکه چند روز در اختیار مالک و چند روز آزاد باشد،^(۲) می‌تواند در ایام خودش در حین روزهای آزادی اعتکاف کند، حتی اگر مالک اجازه اعتکاف ندهد.

دوم: اگر بنده در حین اعتکاف آزاد گردید واجب نیست اعتکاف را ادامه دهد، مگر اینکه با اجازه مالک خود اعتکاف را آغاز کرده باشد که باید اعتکاف را ادامه دهد.^(۳)

ششم: استمرار ماندن در مسجد؛ اگر فرد معتکف بدون وجود یکی از دلایل صحیح از محل اعتکاف خارج شود -چه به میل خودش و چه با اجبار- اگر سه

۱- اما اگر دو روز از اعتکاف را انجام داده بود و روز سوم بر او واجب شده بود، و یا به خاطر نذر یا شبیه آن، اعتکاف بر او واجب شده بود، فرد صاحب ولایت، نمی‌تواند مانع اعتکاف او شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۳)

۲- مثلاً مالک گفته، یک هفته در اختیار خودت باش و یک هفته در خدمت من. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۳)

۳- یعنی بنده‌ای بدون اذن مولایش روزه اعتکاف گرفته بوده و درحالی که دو روز گذشته، از طرف اربابش آزاد می‌شود؛ که در این صورت اعتکاف را ادامه نمی‌دهد، اما اگر با اذن مولایش اعتکاف کرده بوده، چون اعتکافش صحیح بوده و دو روز هم گذشته است، باید روز سوم را هم به‌جا آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۳)

روز نگذشته باشد کل اعتکاف باطل می‌شود؛ ولی اگر سه روز گذشته باشد تا هنگام خروج، اعتکاف او صحیح خواهد بود.^(۱)

اگر فردی روزهای معینی را برای اعتکاف، نذر کرده و پی‌درپی بودن اعتکاف را نیز بر خود شرط نموده باشد، با خروج از مسجد کل اعتکافش باطل می‌شود و باید از نو شروع کند.

خروج از مسجد برای موارد ضروری جایز است،^(۲) مانند خروج برای قضای حاجت،^(۳) غسل کردن، تشییع جنازه، عیادت بیمار و حضور برای شهادت دادن. اگر فرد معتکف برای یکی از این امور از مسجد خارج شود جایز نیست در جایی بنشیند یا زیر سایه راه برود،^(۴) همچنین جایز نیست خارج از مسجد نماز بخواند، مگر در مکه، که در مکه هر جا خواست می‌تواند نماز بخواند. اگر از روی سهو و ندانسته از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نمی‌شود.

۱- اگر اعتکاف مستحب را در روز سوم برهم بزند، قضا ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۴)

۲- البته نباید خروجش در یک بار به صورت پیوسته، بیست و چهار ساعت یا بیشتر طول بکشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۵)

۳- حاجتی که ضروری باشد، مثل رفتن نزد طیب، یا آوردن غذا و چیزهایی که به آنها نیاز دارد، یا... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۴)

۴- مقصود این است که در راه، جایی ننشیند یا با حالت تفریحی و از زیر سایه و در راحتی حرکت نکند، اما اگر برای عیادت بیمار، یا انجام کارهای ضروری دیگر لازم بود زیر سایه برود یا بنشیند، اشکالی ندارد؛ فقط به مقدار ضرورت اکتفا کند و سریع‌تر به محل اعتکافش باز گردد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۵)

چند نکته:

اول: اگر فردی نذر کند که یک ماه معین را اعتکاف کند، اما شرط پی‌درپی بودن (تتابع) نکرده باشد و مقداری از ماه را معتکف شود و بقیه‌اش را ادامه ندهد، روزهایی را که به‌جا آورده صحیح است و آنچه را اهمال کرده باید قضا کند؛ ولی اگر پی‌درپی بودن را در لفظ آورده باشد باید کل ماه را از ابتدا شروع کند.

دوم: اگر فردی نذر کند که یک ماه معین را اعتکاف کند، درحالی که علم به زمان آن ماه ندارد -مانند زندانی و فراموش‌کار- باید قضای آن را به‌جا بیاورد.

سوم: اگر فردی نذر چهار روز اعتکاف کند و در یک روز از آن خلل ایجاد نماید، باید آن را قضا کند، و البته احتیاج به آن دارد دو روز دیگر به آن اضافه کند، تا بتواند اعتکافی با شرایط صحیح به‌جا آورد.

چهارم: اگر فردی نذر کند که فقط یک روز معتکف شود نه بیشتر، صحیح نیست و نذر او منعقد نمی‌شود؛ ولی اگر نذر کند که اگر فلانی آمد، فردای آن روز را اعتکاف به‌جا آورد،^(۱) صحیح است و باید دو روز به آن اضافه نماید.

۱- یعنی قید نکرده که فقط یک روز اعتکاف کند، بلکه یک روز را به نیت کاری نذر کرده، و برای اینکه بتواند یک روز اعتکاف صحیح به‌جا آورد، باید دو روز دیگر هم به آن اضافه کند، چون اعتکاف کمتر از سه روز، صحیح نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص

انواع اعتکاف

اعتکاف دو نوع است: واجب و مستحب.

اعتکاف واجب آن است که با نذر یا چیزی شبیه آن (عهد و قسم) واجب می‌گردد و اعتکاف مستحب آن است که فرد داوطلبانه به آن اقدام کند. اعتکاف واجب به محض آغاز شدن آن واجب می‌شود، اما اعتکاف مستحب، ادامه‌اش واجب نمی‌شود، مگر اینکه دو روز از شروع آن گذشته باشد، که در این صورت روز سوم واجب می‌گردد.

اگر در هنگام نذر شرط کند که هر وقت خواست، نذر را بر هم بزند و از نیت خود برگردد، می‌تواند چنین کند و قضا ندارد؛ ولی اگر این گونه شرط نکند و در حین ادای اعتکاف آن را قطع کند، باید آن را از سر بگیرد و کل آن را به‌جا بیاورد.

احکام اعتکاف

احکام اعتکاف دو قسم است:

اول: شش چیز بر معتکف حرام است

★ لمس، بوسیدن و نزدیکی با زنان

★ بوییدن عطر

★ انجام کاری که موجب خروج منی^(۱) می‌شود

★ خرید

★ فروش

★ جدال و مناظره لفظی

این کارها بر معتکف حرام نیست

پوشیدن لباس دوخته‌شده، زایل نمودن مو از بدن، خوردن شکار، عقد نکاح. جایز است که معتکف امور مربوط به زندگی‌اش را بررسی کند؛^(۲) و همچنین جایز است که به آنچه مباح است^(۳) اقدام نماید.

همه چیزهایی که در طی روز بر معتکف حرام است، در شب هم بر او حرام است، به جز افطار کردن.

اگر کسی قبل از پایان اعتکاف واجب بمیرد، بر ولی او واجب است که آن را به‌جا بیاورد.

۱- یعنی بخواهد کاری کند که از او منی خارج شود، چه با وسیله حرام، مثل دست، و چه با وسیله حلال، مثل بدن همسرش. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۸)

۲- کارهایی غیر از خرید و فروش، مثل تسویه حساب کارها و گفت‌وگو با تجار و.... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۸)

۳- کارهایی مانند اجرای احادیث و شعر و قرائت و تألیف و.... (احکام الشریعه بین السائل و جزء سوم، صوم: ص ۶۸)

دوم: چیزهایی که باعث باطل شدن اعتکاف می شود

اول: هر چیزی که باعث باطل شدن روزه می شود اعتکاف را نیز باطل می کند، مانند جماع (نزدیکی)، خوردن، آشامیدن و استمنا. اگر معتکف در روز اول و دوم افطار نمود، کفاره بر او واجب نیست، مگر اینکه اعتکاف واجب باشد، اما اگر در روز سوم افطار کند، کفاره دارد.

اگر معتکف در هنگام شب جماع کند، بر او یک کفاره واجب می شود؛ و همچنین اگر در غیر ماه رمضان در روز جماع کند، باز هم یک کفاره دارد، اما اگر معتکف در ماه رمضان در طی روز جماع کند، دو کفاره بر او واجب می شود.

دوم: با مرتد شدن، خروج از مسجد برایش واجب و اعتکافش باطل می گردد.

سوم: اگر در هنگام روز در ماه رمضان، مردی همسر خود را با اکراه و ادار به جماع کند و هر دو هم معتکف باشند، دو کفاره بر مرد واجب می شود.^(۱)

چهارم: اگر زن در حین اعتکاف طلاق رجعی گرفت، باید به خانه برگردد^(۲)

۱- کفاره بر هم زدن اعتکاف، مانند کفاره افطار عمدی در ماه رمضان است، یعنی آزاد کردن بنده یا دو ماه روزه گرفتن بیایی یا اطعام شصت فقیر. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم: ص ۶۹)

۲- زیرا بر زنی که طلاق رجعی داده شده است، واجب است که در خانه اش بماند و از خانه خارج

۲۶۶..... احکام نورانی اسلام جلد اول (عبادت‌ها)

و اگر اعتکاف واجب بود یا دو روز از آن گذشته بود، واجب است بعداً (بعد از انتهای عدّه) قضای اعتکاف را به‌جا آورد، و در غیر این صورت مستحب است که قضا کند.

پنجم: معتکف اگر خرید و فروش کند، گناه نموده است ولی اعتکافش باطل نمی‌شود.

ششم: اعتکاف به‌صورت سه روز جدا جدا، صحیح نیست.

